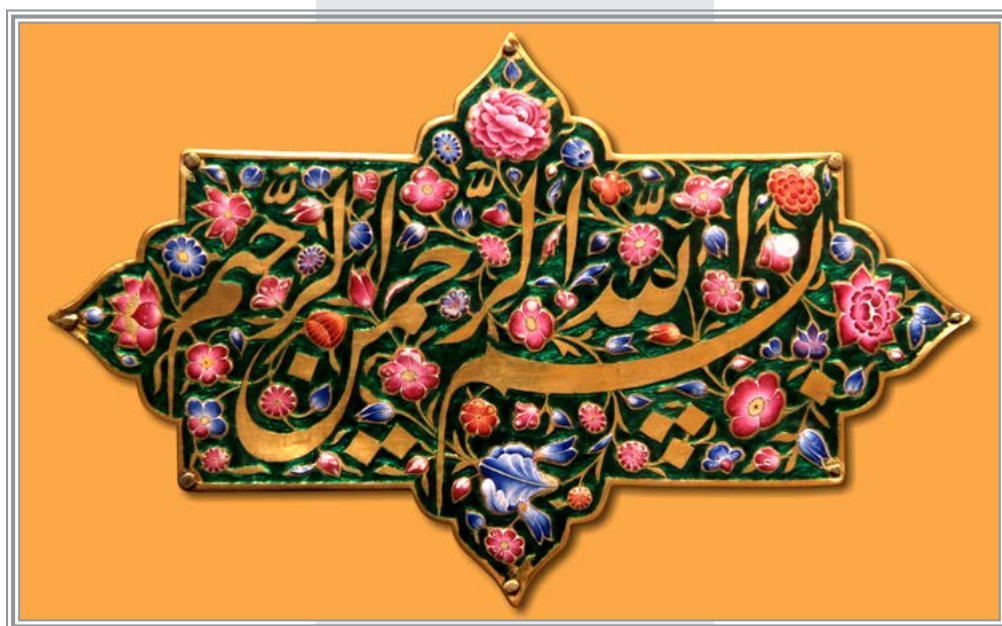




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

سرمشق

اصرار دارند اسلام را در عمل فردی و عقیدهٔ قلبی منحصر کنند | ۶

هدف اسلام، تأمین سعادت دنیا و آخرت است | ۸

کتابی که روشنگر هر چیزی است | ۹

احیای اسلام تمدن ساز | ۱۰

جامعیت اسلام از شاخصه‌های تفکر توحیدی است | ۱۲

اسلام مادیات را به گونه‌ای تعدیل می‌کند که به الهیات منجر شود | ۱۴

اندیشه

همه موجودات عالم اسم خدا هستند | ۱۶

او را نهایی نیست | ۱۸

نشانه‌هایی برای شناخت پروردگار | ۲۰

غیب او از شدت ظهور است | ۲۲

هیچ چیزی شبیه او نیست | ۲۴

عترت

او شبیه جد‌اش خدیجه کبری ﷺ بود | ۲۶

بانویی از تبار رشادت | ۳۱

الگوی زن مسلمان | ۳۲

سبک زندگی

شراکت در لذت جستجو | ۳۴

الگوی مدیریتی حضرت زینب رضی الله عنها در بحران‌های چندضلعی

۲۸



انزوا جدی‌ترین خطری که هر سالمند را تهدید می‌کند



خنده‌های تمرینی پلی به لبخند حقیقی است



رفتار شما با نوجوان همانند دوستانتان باشد | ۳۵

۵ میان وعده اداری | ۴۲

نرمش‌های محل کار | ۴۳

چرا برخی بیش از حد نگران هستند؟ | ۴۴

تاریخ

مبارزی شاعرپیشه | ۴۶

قانون در برابر آشوب | ۴۸

پایه‌گذار اندیشه سیاسی شیعه | ۵۰

فرهنگ و ادب

نقد فیلم | ۵۳-۵۲

آشنایی با یک پلتفرم آموزشی | ۶۲

هلال

دیدار رئیس جدید جمعیت هلال احمر با نماینده رهبر معظم انقلاب | ۶۴

حفظ و ارتقاء اعتبار اجتماعی هلال احمر اولویت دارد | ۶۵

امدادرسانی به حادثه‌دیدگان زلزله هرمزگان تسریع شود | ۶۶

هلال احمر باید نقش پیشگیری را تقویت کند | ۶۶

خود را انتخاب کن | ۷۲

اخبار استان‌ها | ۶۷ تا ۶۹ و ۷۴ تا ۷۹

۶ نوشیدنی گرم حاوی شیر و مواد مقوی برای پاییز



معرفی ۸ کتاب جدید



ما «سیل» را بلا کردیم!



● **عکس پشت جلد:** رضا احمدوند
● **دبیر هلال:** حسام خراسانی
● **باسپاس از همراهی:**

مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● **مدیر هنری:**
روح اله یاقوتی
● **همکاران:**
دفتر مشکاة هنر
● **چاپ:**
واژه پرداز اندیشه

● **مدیر اجرایی:**
فیروز شیخی
● **همکاران:**
مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدیگی، محمود اورعی

● **مدیر مسئول:**
عبدالحسین معزی
● **زیر نظر شورای سردبیری:**
● **معاون سردبیر:**
فرناز فرجی

● **جمعیّت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران**
● **صاحب امتیاز:**
حوزه نمایندگی ولی فقیه

مهرماه
هلال

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بارویکرددینی
شماره ۲۸، آذر ۱۴۰۰، سال هفتم، شماره پیاپی ۶۴
ربیع‌الثانی - جمادی الاول ۱۴۴۳، نوامبر - دسامبر ۲۰۲۱

حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی سرفصل فعالیت‌های هلال احمر

با انتصاب دکتر پیرحسین کولیوند از سوی رئیس جمهور محترم به عنوان رئیس جمعیت هلال احمر فصل جدیدی از مدیریت برای این نهاد خدمتگذار آغاز شد. ضمن آرزوی توفیق برای ایشان امید است که با لطف پروردگار و مساعدت همه کارکنان و مدیران این جمعیت دوران پرباری در خدمت به مردم عزیز پیش‌رو داشته باشیم.

همان گونه که در دیدار با رئیس جدید جمعیت هلال احمر مطرح شد توجه به قشر مستضعف جامعه به عنوان اصلی مهم مورد تاکید امام خمینی رحمته الله علیه و رهبر معظم انقلاب بوده و از اهداف مهم انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌رود. امروز جمعیت هلال احمر باید خدمت به آسیب‌دیدگان را در اولویت اقدامات و فعالیت‌های خویش قرار دهد تا از آلام و درد متاثرین حوادث بکاهد. همچنین باید این نکته را مد نظر داشت که جمعیت هلال احمر نسبت به سلامت تمامی اقشار جامعه مسئول است و با وجود معضل کرونا که شیوعش مشکلات بسیاری را برای همه مردم ایجاد کرده، هلال احمر برای برطرف کردن این معضل از جامعه باید بیش از پیش فعال باشد و در مسیر بازگرداندن نشاط اجتماعی از طریق افزایش سلامتی عمومی کوشا و فعال عمل کند. در این خصوص نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نیز با تمام توان و قوا در کنار سایر ارکان جمعیت هلال احمر خواهد بود، تا اقشار مختلف جامعه از این دوره سخت به سلامت عبور کنند. از سوی دیگر مدیریت جدید هلال احمر باید توجه ویژه‌ای نسبت به سرمایه اجتماعی این نهاد داشته باشد، زیرا ارزش و اهمیت سرمایه‌های اجتماعی همیشه بالاتر از سرمایه مادی است، پس در راستای افزایش و ارتقاء آن باید کوشش لازم انجام شود. همچنین در این مسیر ضرورت دارد از افراد پاکدست و مدیران با سابقه و مدبر استفاده شود تا اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران در خدمت به مردم و حل مشکلات موجود در جامعه تحقق یابد.

همچنین باید توجه داشت که جمعیت هلال احمر با تکیه بر اسناد ارزشمند ملی و بین‌المللی چون قانون اساسی، سیاست‌های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، قانون برنامه توسعه و برخی قوانین مرتبط با مدیریت بحران کشور، بهداشت و درمان، جوانان و خدمات اجتماعی؛ همچنین توافقات و تفاهم‌های بین‌المللی که در تدوین قوانین و سیاست‌ها و ساختارسازی در جمعیت اثرگذار بوده‌اند؛ همچون اساسنامه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، مصوبات کنفرانس‌های بین‌المللی، اساسنامه فدراسیون بنا گردیده است. به جز اسناد فوق سه سند مهم بالادستی داخلی مشتمل بر نظام‌نامه حوزه نمایندگی ولی فقیه ابلاغی دفتر مقام معظم رهبری، اساسنامه جمعیت، راهبرد سازمانی (۱۴۰۴-۱۳۹۵) از دیگر اسناد مهمی است که بازخوانی دقیق، تکیه و مداومت بر رجوع به آنها لازمه حرکت در مسیر اهداف جمعیت است و انگیزه و عملگرایی جمعیت چنانچه مبتنی و در مسیر این اسناد و منطبق با این اسناد باشد تحول حقیقی را می‌توان به انتظار نشست.

با عنایت به این نکته که آذر ماه سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان بنیانگذار انقلاب اسلامی است و این ایام متعلق به بسیجیان عزیز است عنایت به بهره‌گیری از منش و روحیه بسیجی، در اقدامات همه ارکان جمعیت هلال احمر ضروری است. بسیج را نمی‌توان تنها منحصر به صحنه جنگ و نبرد دانست، بلکه با نگاهی به نیازهای امروز جامعه، ثمرات بسیج را می‌توان در عرصه‌های فرهنگی، علمی و امدادی کشور نیز مشاهده کرد که مصداق عینی آن را در عرصه سلامت و مقابله با بیماری کرونا شاهد بوده‌ایم.

عبدالحسین معزی
مدیرمسئول



بسیاری از قدرت‌های سیاسی مادی سالیان درازی است که می‌کوشند دین مبین اسلام را به عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند، رهبر معظم انقلاب در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی درباره «جامعیت اسلام» و تبیین جنبه‌های مختلف آن سخن گفتند و با اشاره به اینکه اسلام دین جامعی است و باید حق این جامعیت را اداء کرد؛ نکاتی را در زمینه وظیفه مسلمانان به‌ویژه مسئولین فرهنگی و افرادی که منبرهای مهم اجتماعی را در اختیار دارند، بیان فرمودند. به همین منظور بخش ابتدایی این شماره به موضوع عرصه فعالیت اسلام که تمامی گستره زندگی بشر را در برمی‌گیرد، اختصاص داده شده است.

«سرمشق»



احیای اسلام تمدن‌ساز

جامعیت اسلام از شاخصه‌های تفکر توحیدی است

اصرار دارند اسلام را در عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تلاش قدرت‌های سیاسی مادی

اصرار دارند اسلام را در عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند

رهبر معظم انقلاب در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی درباره «جامعیت اسلام» و تبیین جنبه‌های مختلف آن سخن گفتند. ایشان با اشاره به اینکه اسلام دین جامعی است و باید حق این جامعیت را اداء کرد؛ نکاتی را در زمینه وظیفه مسلمانان به ویژه مسئولین فرهنگی و افرادی که منبرهای مهم اجتماعی را در اختیار دارند، بیان فرمودند که در ادامه می‌خوانید. ■

«در مورد مسئله اداء حق جامعیت اسلام اصراری وجود داشته است و دارد. که عمدتاً هم این اصرار از سوی قدرت‌های سیاسی مادی است. براینکه اسلام را در عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند؛ این تلاش از قدیم بوده است؛ حالا من نمی‌توانم یک تاریخ معینی را مشخص کنم که از این زمان شروع شده اما از حدود صد سال، صد و خرده‌ای [سال] پیش این تلاش در دنیای اسلام به طور برجسته مشاهده می‌شود. در دوره تشکیل جمهوری اسلامی این تلاش مضاعف شده است؛ سعی هم می‌کنند که شکل سیاسی به این [کار] ندهند و شکل فکری بدهند؛ به تعبیر فرنگی تئوریزه کنند این را. به متفکرین و



نویسندگان و فعالان فکری و مانند اینها مأوریت داده می‌شود تا درباره‌اش مطلب بنویسند و اثبات کنند که اسلام به مسائل اجتماعی، مسائل زندگی، مسائل اساسی بشریت کاری ندارد؛ اسلام یک عقیده قلبی است، یک ارتباط شخصی است با خدا و عملیات فردی‌ای است که مترتب بر این ارتباط است؛ اسلام این است؛ اصرار دارند این را در ذهن‌های مخاطبین خودشان اثبات کنند.

حرکت ضد اسلامی قدرت‌های بزرگ سیاسی

از نظر این گرایش باطناً سیاسی و ظاهر آفکری، عرصه‌های مهم زندگی و مناسبات اجتماعی از دخالت اسلام باید خارج بشود؛ در مدیریت جامعه و تمدن‌سازی، اسلام در مورد تولید تمدن و ساخت تمدن بشری نقشی ندارد، وظیفه‌ای ندارد، امکانی ندارد؛ در مدیریت جامعه نقش ندارد، در تقسیم قدرت و ثروت در جامعه، اسلام نقشی ندارد؛ اقتصاد جامعه، مسائل گوناگون جامعه مربوط به اسلام نیست؛ یا مسئله جنگ، مسئله صلح، سیاست داخلی، سیاست خارجی، مسائل بین‌المللی. گاهی می‌شنوید گفته می‌شود که «دیپلماسی را ایدئولوژیک نکنید»، با ایدئولوژی مربوط [نکنید] یعنی اسلام در مسئله سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی بایستی اظهار نظری نکند؛ در مسئله اشاعه خیر، اقامه عدل، مقابله با شرور، مقابله با ظلم، جلوگیری از آشغال‌عالم، در این زمینه‌ها، اسلام کاره‌ای نیست. در این عرصه‌های مهم زندگی بشری، اسلام نه مرجع فکری باشد، نه راهنمای عملی باشد؛ این اصراری است که دارند. حالا علت این اصرار چیست، منشأ آن چیست، از کجا شروع شده، اینها دیگر بحث‌های مربوط به

صحبت امروز من نیست. آنچه من می‌خواهم عرض بکنم این است که اولاً این حرکت در واقع ضد اسلامی، عمدتاً از سوی قدرت‌های سیاسی بزرگ دنیا است و آنها هستند که در این زمینه فعالند و تلاش می‌کنند و سعی هم می‌شود که از زبان صاحبان فکریان بشود. خب متون اسلامی صریحاً این را رد می‌کند و ما مسلمان‌ها به این مسئله باید اهمیت بدهیم. اینکه عرض می‌کنم «اداء حق»، در درجه اول این است؛ تلاش کنیم نظر اسلام را درباره خودش که به کدام عرصه از عرصه‌های زندگی اهتمام می‌ورزد، در آنها نظر دارد، اقدام دارد، تبیین کنیم، ترویج کنیم، بیان کنیم؛ اول قدم این است، بعد هم سعی کنیم [این مطلب] تحقق پیدا کند.

پوشش تمام گستره زندگی بشر

آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه فعالیت این دین، تمام گستره زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، تا مسائل سیاسی، تا مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد. در قرآن، این معنا واضح است؛ یعنی اگر کسی این قضیه را انکار کند، قطعاً به بینات قرآن توجه نکرده. در قرآن، یکجا می‌گوید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا، که مطلب یک مطلب قلبی و مربوط به دل انسان است، اما یکجا هم می‌گوید: الَّذِينَ ءَالَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ این هم هست؛ یعنی از آن «اذْكُرُوا اللَّه» تا «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَان» ، همه این عرصه عظیم در حوزه تصرف دین است.

یکجا خطاب به پیغمبر می‌فرماید که فِيمَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا، اَوْ رَدَّ عَلَيْهِ وَ زِيلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا، یکجا هم باز خطاب به پیغمبر می‌فرماید که فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ؛ یعنی همه این عرصه‌های عظیم زندگی؛ از بیداری نیمه شب و تضرع و توسل و دعا و گریه و نماز، تا مقاتله و حضور در میدان جنگ، که زندگی پیغمبر هم همین را نشان می‌دهد.

در احکام مالی، یکجا می‌فرماید: وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، که یک امر شخصی [است]، و یکجای دیگر می‌فرماید: كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ، [یعنی] تقسیم درست ثروت که مسئله صد درصد اجتماعی [است]؛ یا می‌فرماید که «لِيَقُومَ النَّاش بِالْقِسْط»؛ اصلاً انبیا و اولیا و همه آمده‌اند برای اقامه قسط، برای اقامه عدل. یکجا می‌فرماید: وَلَا تُؤْثُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا، یکجای فرماید: خَذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ یعنی همه گوشه و کناره‌های مسائل مالی را به شکل آن فکر کلی و نظر کلی و هدایت کلی [بیان می‌کند]؛ که البته اینها باید برنامه‌ریزی بشود در عمل؛ اما کلیات و جهت‌گیری، اینهایی است که بیان می‌کند. یعنی اسلام در همه این مسائل دارای نظر است.

در مسائل امنیتی و مسئله امنیت داخلی جامعه: لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي



آنچه اسلام

مطرح می‌کند،

این است که

عرصه فعالیت

این دین، تمام

گستره زندگی بشر

است؛ از اعماق

قلب او تا مسائل

اجتماعی، تا

مسائل سیاسی،

تا مسائل

بین‌المللی، تا

مسائلی که به

مجموعه بشریت

ارتباط دارد. در

قرآن، این معنا

واضح است؛

یعنی اگر کسی

این قضیه را

انکار کند، قطعاً

به بینات قرآن

توجه نکرده

الْمَدْيِيَّةَ لَتُغَرِّبَنَّكَ بِهِمْ؛ مسئله امنیت. یا «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ؛ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ تَأْخِرَ آيَةٍ؛ یعنی اسلام در همه ابعاد مهم زندگی اجتماعی بشر حرف دارد. اینها که عرض کردیم نمونه‌های اندکی است از آنچه در قرآن کریم هست؛ صدها مورد از این قبیل در قرآن مشاهده می‌کنید.

کسی که اهل قرآن است و با قرآن و احکام قرآن آشنا است، می‌فهمد که اسلامی که قرآن معرفی می‌کند، این است. اسلامی که قرآن معین می‌کند و معرفی می‌کند، اسلامی است که در تمام شئون زندگی دخالت دارد، رأی دارد، نظر دارد، مطالبه دارد. این را بایستی دانست و در مقابل افرادی که در این زمینه تلاش می‌کنند تا این حقیقت روشن را انکار کنند، بایستی پاسخگویی کرد.

[از سویی هم] چون مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، لذا اسلام به مسئله حاکمیت هم اهتمام دارد. نمی‌توان فرض کرد که اسلام نظم اجتماعی را به یک شکلی مطالبه کند اما مسئله حاکمیت و ریاست دین و دنیا را در آنجا مشخص نکند. وقتی دین، نظام شد، نظامی که به فرد و جامعه ارتباط دارد، و یک منظومه‌ای شد که در مورد همه مسائل فردی و اجتماعی نظر دارد، رأی دارد، مطالبه دارد، پس بنابراین لازم است که مشخص کند در رأس این جامعه چه کسی باشد، چه باشد، و امام را معین کند. لذا [اگر] در قرآن ملاحظه کنید، حداقل در دو جا از پیامبران به عنوان امام نام آورده شده: یکجا «وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ»، یک جا هم «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَا صَبَرُوا»؛ یعنی پیغمبر، امام است، امام جامعه است، رهبر جامعه است، فرمانده جامعه است؛ لذا امام صادق (علیه‌الصلاه و السلام) در منی در بین جمعیت ایستاد و فریاد زد: أَيُّهَا النَّاش! إِنْ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الإمام. رای اینکه بفهماند که حرکت دینی صحیح پیغمبر چیست، امام صادق در منار دین جمعیت منافریاد زد: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الإمام.

وظیفه ما سنگین تر است

در سطح دنیای اسلام، روشنفکران دینی وظیفه دارند، علما وظیفه دارند، نویسندگان وظیفه دارند، محققین وظیفه دارند، اساتید دانشگاه وظیفه دارند این را تبیین کنند؛ این را باید بگویند، دشمن در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کند که عکس این را، نفی این را ترویج کند. البته در این زمینه وظیفه ما در ایران سنگین تر است؛ علت هم این است که در اینجا امکانات بیشتری هست، و می‌شود تلاش کرد. مسئولین کشور، به خصوص مسئولین فرهنگی و افرادی که در زمینه‌هایی، منبرهای مهم اجتماعی در اختیار اینها است، بایستی این را تبیین کنند. در داخل کشور هم این جور نیست که حالا چون در جمهوری اسلامی، نظام اسلامی تشکیل شده، ما از تبیین این قضیه بی‌نیاز باشیم؛ نه، همین حالا در کشور ما هم نسبت به این موضوع یک تشکیک‌هایی ایجاد می‌شود و حرف‌هایی زده می‌شود. ■

اشاره مختصر به سه رویکرد درباره جامعیت دین

هدف اسلام، تأمین سعادت دنیا و آخرت است

جامعیت دین از مباحث مهم و اصیل فلسفه دین و کلام جدید است که می‌تواند در مورد هر دینی مطرح باشد، مثلاً درباره دین اسلام بحث جامعیت تحت عناوین مختلف از قدیم الایام میان مفسرین، حکما و متکلمین رایج بوده است. در دهه‌های اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت اسلامی و در پی تلاش برای پیاده کردن ابعاد اجتماعی، سیاسی... اسلام در جامعه، مسأله جامعیت دین به صورت جدی مطرح شده است. این مطلب تلاش می‌کند تا ضمن ارائه بیانی فشرده از اقوال مختلف در زمینه «جامعیت دین اسلام» نظریه مختار را روشن کند. ■

رویکرد حداکثری نسبت به جامعیت دین

دین جامع همه علوم و معارف بشری است و در همه عرصه‌های زندگی مادی و معنوی، همه مسائل نظری و عملی را در سطح کلان و جزئی بیان می‌کند و تعالیم آن ما را از هرگونه تلاش فکری در شناخت انسان و جهان و ابعاد مختلف زندگی بی‌نیاز می‌کند. و لذا دین نظام‌های لازم جهت اداره جامعه را در بر دارد و می‌توان علوم اجتماعی، سیاسی و تجربی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علم سیاست، فیزیک و شیمی و حتی علوم کامپیوتری و... را از دین استخراج کرد.

دیدگاه حداقلی به جامعیت دین

به اعتقاد این گروه تنها وظیفه دین ارائه رهنمودهایی برای رسیدن به سعادت و کمال اخروی انسان است. و مدعی‌اند دین برای اداره شئون دنیوی نیامده است و اساساً کاری به دنیای انسان‌ها ندارد و جامعیت دین را در این می‌دانند که آن چه در هدایت به کمال و سعادت اخروی انسان نقش دارد در اختیار بشر قرار دهد و اما چگونگی شناخت علوم انسانی و تجربی، تشکیل حکومت، روش اداره حکومت، چگونگی مبارزه با مشکلات و مفاسد اجتماعی، مهار قدرت سیاسی در جامعه دینی، چگونگی ایجاد عدالت اجتماعی و ده‌ها پرسش دیگر از قلمرو دین خارج است و این آدمی است که باید بدون استمداد از آموزه‌های دینی خود با ساماندهی مناسبات اقتصادی، سیاسی و... جامعه بپردازد. و دین در این زمینه‌ها تنها به کلیات بسنده کرده و از راهکار معین پرهیز کرده است و در صورتی که به تدبیر امور دنیوی و تنظیم معیشت و تعیین نظام بپردازد خود نیز دنیوی و ایدئولوژیک می‌شود و این با جاودانگی آن در تضاد است.

رویکرد معتدل و نظریه مختار

جامعیت دین را باید در راستای هدف و رسالت آن ملحوظ داشت و باید از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز کرد. با نگاهی اجمالی به قرآن و روایات در می‌یابیم که هدف دین، تأمین سعادت دنیا و آخرت او است و چون امور دنیوی و مناسب اجتماعی تأثیر شگرفی در روحیات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند، دین خاتم هرگز نمی‌تواند از دخالت در این امور چشم‌پوشی کند و باید برای تمام آنها برنامه‌ای جامعه ارائه دهد. به بیان دیگر، قرآن برنامه سعادت انسان را بر خداشناسی و اعتقاد به یگانگی خدا بنا نهاده است؛ آنگاه اعتقاد به معاد را از آن نتیجه می‌گیرد و سپس پیغمبرشناسی را از اصل معاد اخذ می‌کند؛ چرا که رسیدن به پاداش و جزای اعمال نیک و بد، که مهمترین فلسفه معاد است ممکن نیست، مگر آنکه نخست از راه وحی و نبوت از طاعت و معصیت آگاه شویم. پس از این سه اصل اساسی،

دلایل عقلی و نقلی در جامعیت دین اسلام

کتابی که روشنگر هر چیزی است



چهار دلیل عقلی

یکی از پرسش‌هایی که در زمینه جامعیت دین اسلام مطرح می‌شود این است که از چه روش‌هایی می‌توان آن را اثبات نمود؟ در پاسخ به سؤال فوق از دلایل عقلی و نقلی بهره می‌بریم.

دلیل عقلی

۱. خداوند حکیم آدمی را برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت جاودانه آفریده است.
۲. زندگی دنیا مقدمه زندگی آخرت است و سعادت و شقاوت ابدی در گرو چگونه زیستن در این جهان است. یعنی اعمال و رفتار ما در رسیدن به سعادت و یا محروم شدن از آن دخیل و مؤثرند.
۳. شرط لازم برای سعادت‌مندی در جهان آخرت منوط به شناخت چگونگی رابطه اعمال با نتایج اخروی آن است؛ زیرا تا زمانی که رابطه اعمال و رفتارها با نتایج اخروی آن و رابطه آنها با سعادت و شقاوت آدمی روشن نباشد چگونه می‌توان برنامه صحیح و همه‌جانبه‌ای برای زندگی این جهان پی‌ریزی کرد.
۴. ابزار عمومی شناخت (حس و عقل) از درک چگونگی روابط اعمال و رفتار دنیوی با نتایج اخروی ناتوان است. شناخت پدیده‌های اخروی و کشف و درک رابطه اعمال و رفتار آدمی با نتایج اخروی آن و آگاهی از تأثیر اعمال آدمی در نیک بختی یا تیره‌روزی نه توسط حس و نه عقل و نه حتی از همکاری آن دو حاصل نمی‌شود. حال که شناخت‌های عمومی و همگانی برای رسیدن به هدف و غایت خلقت ناکافی و نارسانید مقتضای حکمت خداوند این است که با ارسال رسول و انزال کتب برنامه‌ای جامع و کامل فراروی انسان قرار دهد تا آدمی براساس آن، راه صحیح زندگی و برنامه سعادت خود را بشناسد.

دلیل نقلی

آیات متعددی بر جاودانگی و جهانی بودن قرآن دلالت دارند که از آنها می‌توان جامعیت دین اسلام را اثبات نمود:

جهانی بودن

برخی از آیات قرآن، اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند که خداوند آن را برای تمام بشریت هدیه کرده است، نه برای یک گروه و یا منطقه خاصی، مانند: «بگوای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.» و «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم». لازمه جهانی بودن دین خاتم آن است که متناسب با جوامع مترقی دیگری غیر از جامعه جزیره العرب که نیازهای بشری داشته و معارف در سطح بالاتری را می‌طلبید، نیز سخنی داشته باشد تا مایه هدایت و راهنمایی آنها نیز باشد، و این امر شاهدی بر جامعیت دین اسلام باشد.

جاودانگی

یکی از ویژگی‌های دین خاتم که آن را از سایر شرایع دیگر ممتاز می‌کند «جاودانگی» آن است که ظهورش توأم با پایان یافتن و مختومه شدن دفتر نبوت بوده است و احکام و تعالیم آن برنامه حیات بخشی را برای تمام انسان‌ها در طول اعصار ارائه می‌دهد. «محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.» «بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل فرموده، تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد». حال که قرآن آخرین دین الهی و آورنده آن خاتم پیامبران و تعالیم و احکام آن سند هدایت برای کل آدمی و او مکلف به وفاداری دائمی از آن است، چنین انتظاری پیش می‌آید که اسلام باید برای تمام انسان‌ها در اعصار مختلف سخن داشته باشد و زمینه هدایت همه جوامع حتی پیچیده‌ترین آنها را فراهم و سعادت دنیوی و اخروی آنها را تأمین نماید.

البته آیات دیگری نیز برای جامعیت دین خاتم مورد استناد قرار گرفته مانند آیاتی که تبیان بودن هر چیزی را در قرآن تأکید می‌کند: «و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.» یکی از صفات عمومی قرآن این است که بیان هر چیزی است و به تعبیر خود قرآن «تبیان لکل شیء» است و از آنجا که قرآن کتاب تربیت و انسان‌سازی است، و برای تکامل فرد و جامعه، در همه ابعاد معنوی و مادی نازل گشته. منظور از «کل شیء» در این آیه همه اموری است که برای پیمودن این راه هدایت لازم است.

روایات فراوانی نیز از معصومین درباره جامعیت دین خاتم نقل شده است. رسول اکرم ﷺ در سفر حجه الوداع فرمود: ای مردم، هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور کند، مگر آن که شما را به آن امر نموده‌ام، و هیچ چیزی نیست که شما را به آتش جهنم نزدیک و از بهشت دور کند، مگر آن که شما را از آن نهی کرده‌ام. از امام صادق (ع) نیز نقل شده که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی قرآن را بیانگر هر چیزی قرار داده است حتی به خدا سوگند که رهانکرده چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج داشته باشند، تا آنجا که کسی نمی‌تواند بگوید: ای کاش خداوند آن را در قرآن بیان می‌کرده و نکرده است. ■

نگاهی به ابعاد مسئله

«اداء حق جامعیت اسلام»

براساس بیانات رهبر انقلاب

احیای اسلام تمدن ساز

یکی از عرصه‌های مهم درگیری تمدن مادی غرب با اسلام به موضوع نگرش به دین و عرصه‌های دخالت آن در زندگی بشر برمی‌گردد؛ «اصراری وجود داشته است و دارد - که عمدتاً هم این اصرار از سوی قدرت‌های سیاسی مادی است - بر اینکه اسلام را در عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند... این تلاش در دنیای اسلام به طور برجسته مشاهده می‌شود.» از جهت سابقه تاریخی «حداقل از دو قرن پیش، جریانی به نام جریان تمدن صنعتی در دنیا شروع شد... در طول این دو قرن، بیشترین پرچم‌های فکر و فلسفه که برافراشته شده، در جهت مقابله با تفکر معنوی و دینی بوده است... در کنار این جریان فکری، سیاست‌ها حرکتی را مستقلاً به سمت ضدیت با دین و معنویت شروع کردند... وقتی که این جریان اوج‌گیرنده، به نقطه اوج غیرقابل تصویری رسید، قدم بعد جز این چیزی نبود که بنای دین و معنویت و اخلاق، به کلی از میان جوامع برچیده شود.» درست در همین نقطه که جریان مادی‌گری و دین‌ستیزی در نقطه‌ی اوج قدرت خود قرار داشت «ناگهان حادثه‌ای اتفاق افتاد... آن حادثه چیست؟ حادثه نهضت روحانیت و نهضت دین در ایران در سال ۱۳۴۱» و در ادامه این نهضت دینی «کشوری براساس دین و معنویت ایجاد شد... یعنی به مجردی که این نظام به وجود آمد، برای دشمنان دین و معنویت، کارزار گذشت.»

در واقع «انقلاب عظیم اسلامی در ایران مضمون بعثت را در دوره معاصر تجدید کرد؛ یعنی خداوند متعال به امام بزرگوار ما این توفیق را داد که خط مستمر بعثت نبوی را در این دوران، با ابتکار خود، با شجاعت خود، با اندیشه بلند خود، با فداکاری خود پُررنگ کند و نمایان کند؛ [این] همان خط بعثت است که خب در طول زمان کم‌رنگ بود، امام بزرگوار توانست آن را پُررنگ کند و جامعیت اسلام را در عمل نشان بدهد، و نشان بدهد که اسلام یک دین جامع است و شامل همه‌ی زندگی انسان است؛ امام بزرگوار این را برجسته کرد؛ ابعاد اجتماعی و سیاسی دین را که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد.»

حاکمیت الهی برای تحقق عدالت و حیات طيبة

در حقیقت دستاورد مهم انقلاب اسلامی احیای نگرش «جامع» به دین و تلاش در مسیر تحقق آن بوده است. در اینجا «جامعیت اسلام» معنای روشنی دارد: «در بعثت همه پیامبران اهدافی وجود داشته است... رأس همه این هدف‌ها عبارت است از توحید... توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمی است که به معنای حاکمیت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین - هر دو - است... هدف‌های دیگری هم وجود دارد: تزکیه‌ی بشر... تعلیم انسان‌ها و مقام علمی انسان‌ها را بالا بردن. استقرار عدالت... ایجاد حیات طيبة... اگر چنانچه نبی اسلام، نبی حق، فرستاده الهی در هر دوره‌ای بخواهد این اهداف را تحقق ببخشد، ناچار بایستی به تناسب این اهداف، مناسبات اجتماعی ایجاد بکند. مطلب دوم هم قدرت سیاسی است؛ یعنی این مناسبات اجتماعی را یک انسان منزوی یا یک نصیحت‌کننده که فقط مردم را نصیحت می‌کند نمی‌تواند به وجود بیاورد؛ قدرت لازم است.» و از سوی دیگر هم «چون مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، لذا اسلام به مسئله حاکمیت هم اهتمام دارد.»

چنین نگاهی به اسلام اولاً برآمده از متن قرآن است: «حاکمیت دین را قرآن به صورت روشن بیان کرده؛ واقعاً اگر کسی این را انکار کند، حاکی از این است که در قرآن تدبر درست نکرده.» و ثانیاً «در سنت و حدیث و کلمات پیغمبر و کلمات معصومین هم که الی ماشاءالله [هست]... وقتی پیغمبر وارد مدینه شد، حکومت اسلامی را تشکیل داد، حاکمیت را به وجود آورد؛ این حاکمیت مربوط به پیغمبری او بود، یعنی مسئله دیگری نبود؛ چون پیغمبر بود، چون به او ایمان آورده بودند، این بود که حاکمیت را تشکیل داد.» از این منظر «آنچه می‌تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت.»

از «اسلام قدرتمند» می‌ترسند...

در میدان عمل، تحقق چنین اسلامی در ایران قدرت‌های مادی را به شکست کشاند: «در منطقه غرب آسیا قدرت‌های درجه یک مادی دنیا زمین‌گیر شده‌اند... چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده.» و دقیقاً به همین علت است که «از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی



مسلم است که

«آن اسلامی

می‌تواند کفر را

و استکبار را و

ظلم را قلع و قمع

کند یا او را

محدود کند یا از

تجاوز و تعدی

او جلوگیری کند

که دارای نظام

باشد، دارای

دولت باشد،

دارای نیروی

نظامی باشد،

دارای رسانه

باشد، دارای

سیاست باشد،

دارای اقتصاد

باشد، ابزارهای

فراوان در اختیار

او باشد؛ اسلامی

که توانسته

نظام‌سازی کند

و حکومت‌سازی

کند

مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است].»

از این زاویه، دشمنان ضربه خورده از حاکمیت «اسلام ناب» و مقتدر می‌خواهند «اسلام را در عمل فردی و عقیده قلبی منحصر کنند... سعی هم می‌کنند که شکل سیاسی به این [کار] ندهند و شکل فکری بدهند؛ به تعبیر فرهنگی تئوریزه کنند این را. به متفکرین و نویسندگان و فعالان فکری و مانند اینها مأموریت داده می‌شود تا درباره‌اش مطلب بنویسند و اثبات کنند که اسلام به مسائل اجتماعی، مسائل زندگی، مسائل اساسی بشریت کاری ندارد؛ اسلام یک عقیده قلبی است، یک ارتباط شخصی است با خدا.» در این نقشه «متأسفانه کسانی هم بوده‌اند و هستند که حرف دشمنان را به یک نحوی در داخل تکرار می‌کنند؛ این ایدئولوژی‌زدایی که گاهی می‌بینید در بعضی از تعبیرات هست، همان حرف مخالفین است؛ ایدئولوژی‌زدایی یعنی اسلام و تفکر اسلامی را در باب جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی کنار بگذاریم، و برویم سراغ همان تفکرات لیبرال دموکراسی فاسد و منحرف.» و «بعضی‌ها که در حرف‌ها و نوشتجات و اظهارات این تعبیر «اسلام رحمانی» را به کار می‌برند، انسان مشاهده می‌کند و خوب احساس می‌کند که این اسلام رحمانی یک کلیدواژه‌ای است برای معارف نشئت‌گرفته از لیبرالیسم.» در این چهارچوب «سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد.»

وظیفه همگانی: از تبیین تا تحقق

مسلم است که «آن اسلامی می‌تواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدی او جلوگیری کند که دارای نظام باشد، دارای دولت باشد، دارای نیروی نظامی باشد، دارای رسانه باشد، دارای سیاست باشد، دارای اقتصاد باشد، ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام‌سازی کند و حکومت‌سازی کند.» و امروز دشمن علیه این بینش و جریان با تمام قدرت فعالیت می‌کند لذا در چنین فضای مبارزه و جهادی باید «حق جامعیت اسلام» را اداء کرد یعنی «تلاش کنیم نظر اسلام را درباره خودش که به کدام عرصه از عرصه‌های زندگی اهتمام می‌ورزد، در آنها نظر دارد، اقدام دارد، تبیین کنیم، ترویج کنیم، بیان کنیم؛ اول قدم این است، بعد هم سعی کنیم [این مطلب] تحقق پیدا کند.» کلام آخر اینکه در این زمینه «روشنفکران دینی وظیفه دارند، علما وظیفه دارند، نویسندگان وظیفه دارند، محققین وظیفه دارند، اساتید دانشگاه وظیفه دارند این را تبیین کنند؛ این را باید بگویند... مسئولین کشور، به خصوص مسئولین فرهنگی و افرادی که در زمینه‌هایی، منبرهای مهم اجتماعی در اختیار اینها است، بایستی این را تبیین کنند.»



براساس بینش توحیدی اسلام، این مکتب دارای آن چنان جامعیتی است که پاسخگوی تمامی نیازهای بشری در همه اعصار است. از شاخصه‌های برجسته تفکر توحیدی، جامع‌نگری نسبت به نظام اسلام است. بدین معنی که اسلام دارای نظام و سیستم کامل و همه‌جانبه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همه ابعاد زندگی است که می‌توان در پیوستگی بین دین و سیاست، برخورداری اسلام از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مشروعیت الهی کلیه قوانین و مقررات و... را بررسی نمود. یکی از چالش‌های اساسی در طول دهه‌های اخیر در بین رجال و جریان‌های فکری، بحث گستره و قلمرو دین بوده است. به طور کلی در باب قلمرو و گستره دین دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱- دیدگاه حداقلی که دین را محدود به قلمرو خاصی کرده و از دخالت دادن آن در بسیاری از امور (اجتماعی، سیاسی، فقهی و...) پرهیز می‌دهد؛ ۲- دیدگاه حداکثری که دیدگاهی جامع‌گرایانه در برابر گستره دین اتخاذ می‌کند. در بینش و دیدگاه حداقلی از دین، قلمرو دین در امور آخرتی محدود و منحصر شده و در امور دنیایی هم به حداقل لازم بسنده کرده، اما در نظریه «دین حداکثری»، دین، جامع‌نگر بوده و هر دو امور دنیایی و آخرتی را شامل می‌شود.

در نگرش دیگری، جریان مذهبی حداقل‌گرا جریانی است که معتقد است شریعت، اهداف و جهت‌گیری‌های کلان زندگی این جهانی را ترسیم کرده، اما در خصوص راهکارهای آن سخنی نگفته و آن را به عقل آدمی واگذار کرده است. آنها جایگاه مذهب را تنها در تعیین

اهداف کلان معین می‌کنند. جریان مذهبی حداکثری معتقد است اسلام نه تنها برای زندگی فردی انسان‌ها، بلکه برای جامعه نیز دارای دستورات و قوانین مترقی و کاملی است و توانایی تشکیل و اداره حکومت اسلامی را در عصر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام داراست. این جریان فقه آل محمد علیهم السلام را برنامه عملی دستور زندگی بشر دانسته و اعتقاد دارد دین روش زندگی و رفتارهای انسان‌ها را با بایدها و نبایدهایی تعیین کرده است. مکانیسم اجتهاد قدرت نرم‌افزاری اسلام سیاسی اهل بیت در پاسخگویی به مسائل مختلف و چالش‌های جدید فراروی انسان قرن حاضر است. نظریه دین حداقلی، امروزه میان روشنفکران و نواندیشان دینی رواج دارد. اینان با محصور کردن دین در سعادت آخرتی، منکر دخالت و حضور دین در عرصه اجتماع و امور سیاسی هستند و بدین طریق، دین را سکولاریزه کرده، به جدایی دین از سیاست (یا دین و دنیا) قائل هستند. در مقابل، استاد مطهری از نظریه دین حداکثری دفاع کرده و از

همگرایی و همسویی دین و دنیا سخن گفته و دیدگاهی جامع‌نگران در این باب اتخاذ کرده است.

استاد شهید مرتضی مطهری، در تبیین هدف بعثت انبیا و دیدگاه جامع‌نگران و اصولگرا از اسلام می‌گوید:

اسلام... مکتبی است جامع و واقع‌گرا، در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است.

بر این اساس علامه مطهری، دیدگاهی جامع‌نگر در هدف بعثت داشته و دعوت انبیا بر این اساس را شامل همه شئون حیات بشری دانسته که دو هدف ذیل را اصلی‌ترین هدف پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن می‌داند.

۱. شناخت خدا و نزدیک شدن به او؛

۲. برقراری عدل و قسط در جامعه بشری

بنابراین با توجه به اعتقاد شهید مطهری در وسعت قلمرو دین و هماهنگی و همگرایی دین و دنیا، در نتیجه، جامعیت دین اسلام ثابت می‌شود. لذا می‌توان گفت: جامعیت دین، تعبیر دیگری از «دین حداکثری» است که در مقابل نظریه «دین حداقلی» قرار دارد. شهید مطهری در تبیین شناخت ابعاد و مولفه‌های جامعیت دین اسلام برای اداره زندگی بشر آن را در چند مقوله دنبال می‌نماید:

۱. پیوند دین و سیاست

بنا به گفته شهید، نسبت دیانت با سیاست، نسبت روح با بدن است؛ روح و بدن، مغزو پوست باید به یکدیگر پیوندند. فلسفه وجودی پوست، حفظ مغز است. اگر پوست از مغز جدا باشد، مغز دچار آسیب می‌شود. به اعتقاد استاد، تخم جدایی این دو در جهان اسلام، از زمان خلیفه اول و دوم آغاز گردید. انحراف خلافت و حکومت، از سیر اصلی خود، دستگاه خلافت را به منزله پوسته بی‌مغزو قشر بدون لب درآورد، تا آنجا که در زمان امویان، سیاست عملاً از دیانت جدا شد؛ یعنی کسانی که حامل و حافظ موارث معنوی اسلام بودند از سیاست دور ماندند و کسانی که زعامت و سیاست را در اختیار داشته از روح معنویت اسلام بیگانه بودند. ائمه اطهار، همتی که کردند این بود که موارث معنوی اسلام را حفظ کردند، حساب دستگاه خلافت را از اسلام جدا کردند. اولین کسی که حساب دستگاه خلافت را از اسلام جدا کرد امام حسین علیه السلام بود.

۲. روحانیت و سیاست

شهید مطهری در بحث امامت و رهبری با ظرافت خاصی جدایی دین از سیاست را به منزله جدایی روحانیت از سیاست و حکومت به شمار آورده و معتقد است بزرگ‌ترین آرزوی دوستداران ترقی اسلام باید توأم شدن سیاست و دیانت باشد. «اهتمام اسلام برای سیاست و حکومت و جهاد و قوانین سیاسی، برای حفظ موارث معنوی یعنی توحید و معارف وحی و اخلاقی و عدالت اجتماعی و مساوات و عواطف انسانی است. اگر این پوست از این مغز جدا باشد، البته مغز گزند می‌بیند و پوسته خاصیتی ندارد. باید سوخته

و ریخته شود... فلسفه روحانیت حفظ موارث معنوی اسلام و مغز در مقابل پوست است، جدایی روحانیت از سیاست از قبیل جدایی مغز از پوست..»

استاد مطهری در تبیین وقایع تاریخ معاصر ایران و نقش تاریخ ایران و نقش روحانیت در رهبری نهضت می‌فرماید: آنچه در نیم قرن اخیر در جامعه اسلامی ایران رخ داده است، سلب آزادی، استبداد، استعمار، استثمار، بیرون راندن دین از میدان سیاست، خلع روحانیت از سیاست و دفع مغز از پوسته و روح از جسم اسلام بوده است. به اعتقاد مطهری تنها روحانیت است که شایستگی رهبری نهضت را دارد. «اگر این پرچم داری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می‌شود، زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلام در نهایت باز هم همین گروه روحانیون متعهد هستند.» تز اسلام منهای روحانیت را همواره یک تز استعماری دانسته و می‌داند. معتقد هیچ چیز نمی‌تواند جانشین روحانیت ما شود. حاملان فرهنگ اصیل و عمیق و ذی قیمت اسلامی تنها در میان این گروه یافت می‌شوند.»

۳. برخورداری اسلام از نظام سیاسی اجتماعی و اقتصادی

از مولفه‌های تفکر اصولگرایی اعتقاد به جامعیت دین و برخورداری اسلام از نظامات مربوطه است. تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام و آیات و روایات متعدد در این باب از دلایل کافی آنند. استاد مطهری در مواجهه با شبهات برخی متفکران اسلامی که دین اسلام را تنها عهده‌دار پیوند انسان با خدا و محدود نمودن به آزادی فردی و عبادی دانسته‌اند و می‌گویند: «اسلام... مکتبی است جامع و واقع‌گرا، در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. استاد مطهری، اسلام را به سه بخش عقاید، اخلاق و احکام تقسیم کرده و امامت و رهبری را جزو اصول دین به شمار آورده و به هنگام تحلیل نظام جمهوری اسلامی از اسلام به عنوان طرحی برای زندگی بشر در همه ابعاد و شئون آن از جمله حکمت یاد کرده است. و افزون بر آن، در برخی از آثار خود به نقد و بررسی دیدگاه‌های مخالفان پرداخته و می‌گوید: «کسانی که فکر می‌کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست...، تعجب و احياناً انکار می‌کنند که کسی مسئله‌ای به نام «اقتصاد اسلامی» طرح کند،...، بعضی پا فراتر نهاده و گفته‌اند زندگی به طور کلی یک مسئله است و دین مسئله دیگر، دین را نباید با مسائل زندگی مخلوط کرد. این اشخاص اشتباه اولشان این است که مسائل زندگی را مجرد فرض می‌کنند، خیر، زندگی یک واحد و همه شئون توأم با یکدیگر است؛ صلاح و فساد در هر یک از شئون زندگی، در سایر شئون موثر است؛ ممکن نیست اجتماعی مثلاً فرهنگ یا سیاست، یا قضاوت یا اخلاق و تربیت و یا اقتصادش فاسد باشد اما دینش درست باشد و بالعکس. □



از مولفه‌های تفکر اصولگرایی

اعتقاد به جامعیت دین

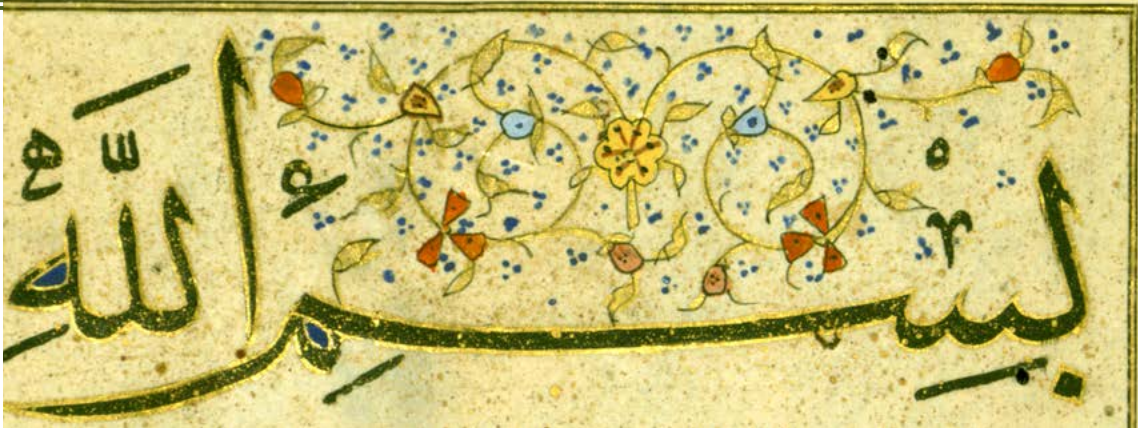
و برخورداری اسلام از نظامات مربوطه است.

تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام و آیات و روایات متعدد

در این باب از دلایل کافی آنند.

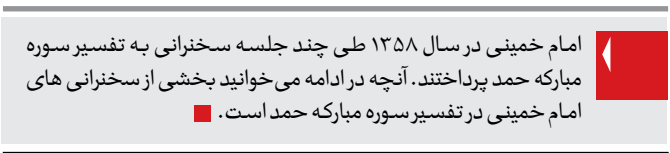
استاد مطهری در مواجهه با شبهات برخی متفکران اسلامی

که دین اسلام را تنها عهده‌دار پیوند انسان با خدا و محدود نمودن به آزادی فردی و عبادی دانسته‌اند



تفسیر امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ از لفظ جلاله الله در سوره حمد

همه موجودات عالم اسم خدا هستند



امام خمینی در سال ۱۳۵۸ طی چند جلسه سخنرانی به تفسیر سوره مبارکه حمد پرداختند. آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از سخنرانی‌های امام خمینی در تفسیر سوره مبارکه حمد است. ■

همه عالم اسم الله اند؛ تمام عالم. چون اسم، نشانه است؛ همه موجوداتی که در عالم هستند نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند...

هر چیزی که متبدل به یک چیز دیگر می‌شود، یک علت خارجی دارد، و الا یک موجودی به خودی خود یک چیز دیگر نمی‌شود، یک علت خارجی می‌خواهد که آب مثلاً یخ ببندد، یا آب جوش بیاید. اگر آب نه [در] سرمای آن درجه [زیر صفر] و نه گرمای آن درجه [۱۰۰] باشد، تا ابد هم همین آب است؛ اگر هم یگندد، یک علت خارجی دارد، یک چیز خارجی باید آن را یگنداند؛ و لهذا این اجمالی که هر معلولی محتاج به علت است و هر ممکنی محتاج به یک علتی است، جزء واضحات عقول است که هر کسی مسئله را تامل و تصور نکند، تصدیقش هم می‌کند، که [محال است] یک چیزی که می‌شود باشد و می‌شود نباشد، بیخودی بشود، یا بیخودی نباشد. نبودن از باب اینکه چیزی نیست تا باشد، آن دیگر علت نمی‌خواهد؛ اما یک چیز ممکن که نیست، بیخودی بشود هست، [امتناع] این از ضروریات عقول است.

این مقداری که همه موجودات عالم، اسم خدا هستند و نشانه خدا هستند، این یک مقدار اجمالی است که همه عقول این را می‌توانند بفهمند، و همه عالم را اسماء الله بدانند؛ و اما آن معنای واقعی مطلب که اینجا مسئله اسم گذاری نیست، مثل اینکه ما [اگر] بخواهیم یک چیزی را بفهمانیم به غیر، اسم برای آن می‌گذاریم، می‌گوییم: «چراغ» یا «اتومبیل» یا «انسان»، «زید». این واقعیتی است که یک موجود غیر متناهی در همه اوصاف کمال، یک

موجودی که در تمام اوصاف کمال غیر متناهی است، حد ندارد، موجود لا حد است، ممکن نیست- اگر موجود حد داشته باشد «ممکن» است- موجود است و هیچ حدی در موجودیتش نیست، این به ضرورت عقل باید دارای همه کمالات باشد. برای اینکه اگر فاقد یک کمالی باشد محدود می‌شود؛ محدود که شد، ممکن است. فرق بین ممکن و واجب این است که واجب غیر متناهی است در همه چیز، موجود مطلق است و ممکن موجود، محدود است...

... تمام عالم زنده است، همه هم اسم الله هستند. همه چیز اسم خداست. شما خودتان از اسماء الله هستید، زبان‌تان هم از اسماء الله است، دست‌تان هم از اسماء الله است. به اسم الله، الحمد لله، حمد هم که می‌کنید اسم الله است. زبان شما که حرکت می‌کند اسم الله هست، از اینجا پامی شوید، می‌روید به منزلتان، با اسم الله می‌روید. نمی‌توانید تفکیک کنید. خود شما اسم الله هستید، حرکات قلبتان هم اسم الله است، حرکات نبضتان هم اسم الله هست، این بادهایی که وزیده می‌شود، همه اسم الله اند. از این جهت، آیه شریفه محتملاً می‌خواهد همین معنا را بفرماید... پس، حمدی که می‌کنیم و حمدی که می‌کنند و ثنایی که می‌کنند و ثنایی که می‌کنیم با اسم الله است؛ به سبب اسم الله است؛ و این هم فرموده است: بِسْمِ اللَّهِ.

جامع همه جلوه‌ها

الله، یک جلوه جامع است، یک جلوه‌ای از حق تعالی است که جامع همه جلوه هاست، رحمان و رحیم از جلوه‌های این جلوه است. الله، جلوه حق تعالی است و رحمان و رحیم از جلوه‌های این جلوه است. «رحمان» با رحمت و با رحمانیت، همه موجودات را ایجاد کرده [است]، این رحمت است. اصلاً وجود رحمت است؛ حتی آن وجودی که به موجودات شریب هم اعطا شده، باز رحمت است؛ رحمت واسعه‌ای است که همه موجودات در زیر پوشش [آن] هست؛ یعنی همه موجودات عین رحمت هستند، خودشان رحمتند. والله به اسم الله، همان جلوه‌ای است که جلوه به تمام معنی است.

مقامی است که جلوه را به تمام معنی می‌تواند بروز بدهد. اسم جامع است، یک اسمی است که باز جلوه است؛ خود ذات حق تعالی اسم ندارد: «لا اسمَ لَهُ وَ لا رَسَمَ» اسم الله و



اسم رحمان و اسم رحیم، همه اینها اسما هستند، جلوه‌ها هستند؛ و با این اسم الله که جامع همه کمالات است به مرتبه ظهور، رحمان و رحیمش را ذکر فرموده است از باب اینکه رحمت است و رحمانیت است و رحیمیت است؛ و اوصاف غضب و انتقام و [امثال] اینها تبعی است. آنکه بالذات است، این دو است، رحمت بالذات است، و رحمانیت و رحیمیت بالذات است، آنهای دیگر تبعی است. [پس] به اسم الله و رحمان و رحیم.

الحمد لله یعنی تمام محامدی که در عالم و هر کمال و هر حمد و هر ستایشی که باشد، به او واقع می‌شود، برای اوست. آدم خیال می‌کند غذایی را که می‌خورد تعریف می‌کند که چه غذای لذیذی بود! این حمد خداست، خود آدم نمی‌داند...

...بسم الله جار و مجرور، به چه متعلق است؟ ما عرض کردیم یکی از احتمالات این است که بسم الله ای که در هر سوره‌ای هست، متعلق باشد به خود آن سوره، به آن چیزی که در آن سوره مناسب است.

مثل سوره حمد که بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله، این حمد به اسم الله [واقع می‌شود]. روی این زمینه که احتمال [دارد] هر بسم الله در هر سوره‌ای معنایش غیر بسم الله سوره دیگر [باشد]، هر سوره‌ای که بسم الله دارد و متعلق به آن چیز مناسب در آن سوره است؛ این با بسم الله دیگری که در سوره دیگر است فرق می‌کند.

مظاهر اسما

حال که بنا بر این شد که بسم الله مثلاً در سوره حمد متعلق به "حمد" باشد، باید دید آن، چه اسمی است که حمد به آن واقع می‌شود؟ آن، چه اسمی است که ظهور از برای حق است و حمد به آن اسم واقع می‌شود؛ و در سوره دیگر، مثلاً قُلْ هُوَ اللَّهُ آن، چه اسمی است که بالله اخذ و هو الله اخذ مناسب است.

حالا در این صورت که بسم الله در حمد متعلق به معنای حمد باشد، یک احتمال این بود که «الحمد» تمام مصادیق حمد باشد؛ حمد از هر حامدی، هر حامدی که حمد می‌گوید، این به اسم الله حمد می‌گوید؛ یعنی گوینده خودش اسم است و همه اعضا و جوارحش هم از اسما هستند؛ و حمد که از انسان واقع می‌شود به اعتبار اینکه او

اسم است، حمد به اسم خدا واقع می‌شود. شما هم که اسم دیگری هستید؛ زید هم یک اسم دیگر است.

اینها هر کدام اسمای خدا هستند؛ یعنی مظاهر اسما، این جهت را توجه کنید که در فاعل الهی که فاعل وجود است، با فاعل‌های طبیعی این فرق هست- خیلی فرق‌ها هست، یکی از فرق‌ها هم این است- که آن چیزی که از مبدا الهی، که به آن فاعل الهی گفته می‌شود صادر می‌شود، به طوری فانی در مصدر است که هیچ حیثیتی از خودش ندارد؛ هیچ نحو استقلالی از خودش ندارد.

حالا برای نزدیک تر شدن به ذهن [می‌گوییم] مثل شعاع شمس می‌ماند به شمس، و لو این طور هم نیست، غیر از این است، بالاتر از این است؛ لکن شعاع شمس در مقابل شمس [از] خودش هیچ استقلالی ندارد. در فاعل الهی که نفسی ایجاد، نفس وجود از مبدا خیر صادر می‌شود؛ این هیچ نحو استقلالی از خودش ندارد؛ یعنی نه در تحقق و نه در بقا. نه یک موجودی است که اگر آن شعاع، شعاع وجود از آن گرفته بشود، بخواهد موجود باشد [بتواند] تحقق داشته باشد، آن واحد هم نمی‌تواند.

ممکن، همان طوری که در تحقق محتاج به مبدا است، در بقا هم محتاج است؛ و چون هیچ حیثیتی از خودش ندارد و فانی در مبدا است؛ از این جهت در عین حالی که ظهور اسماء الله است، خودش اسماء الله است، اسماء الله فعلی است. در عین حالی که نور سماوات و ارض ظهور نور خداست؛ لکن الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

در عین حالی که این ظهور اوست، نه این است که خود او باشد؛ لکن این ظاهر به طوری فانی در مبدا ظهور است، و این موجود به طوری در مبدا خود فانی هست و هیچ نحو استقلالی ندارد که این اوست و این ظهور، فانی در اوست. از این جهت گفته می‌شود که الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

روی این مبنا که الف و لام، در «الحمد» الف و لام استغراق باشد و متعلق باشد بسم الله به "حمد" یعنی هر حمدی از هر حامدی تحقق پیدا می‌کند، به «اسم الله» تحقق پیدا می‌کند، اسم الله اش هم همان خود حامد است؛ و به اعتباری حامد و محمود یکی است، ظهور و مظهر است: اِنَّكَ كَمَا اَتَّيْتُ عَلَى نَفْسِكَ، اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ. آن طور است که حامد، فانی در محمود است؛ از این جهت گائۀ خود ثنا می‌کند خودش را. حیثیتی برای دیگری نیست تا ما بگوییم من او را ثنا می‌کنم، او خودش را ثنا می‌کند از باب اینکه فناست.

یک احتمال دیگر هست و آن این است که: الف و لام، الف و لام استغراق نباشد که افراد را تکثیر فردی باشد. اصلاً نفس طبیعت مجرد از همه خصوصیات حمد، آن حمدی که هیچ نحوه تعینی ندارد [مراد باشد] در اینجا بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله، یعنی حمد بی تعین، حمد مطلق.

روی این احتمال، حمد‌های ما عکس آن احتمال [اول] می‌شود. حمد‌های ما برای او واقع نمی‌شود، آن حمدی که برای او واقع می‌شود آن حمدی است که خودش بکند. حمد غیر خودش، حمد متعین است و او نامحدود است. حمد محدود برای نامحدود واقع نمی‌شود. ■



الحمد لله یعنی

تمام محامدی

که در عالم و هر

کمال و هر حمد

و هر ستایشی که

باشد، به او واقع

می‌شود، برای

اوست. آدم خیال

می‌کند غذایی

را که می‌خورد

تعریف می‌کند

که چه غذای

لذیذی بود! این

حمد خداست،

خود آدم نمی‌داند

تفسیر نامه حضرت امیر علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام

او را نهایتی نیست

■ آیت الله مکارم شیرازی



« بدان، ای فرزند، اگر پروردگارت را شریکی بود، پیامبران او هم نزد تو می آمدند و آثار پادشاهی و قدرت او را می دیدی و افعال و صفات او را می شناختی. ولی خدای تو آنگونه که خود خویشان را وصف کرده، خدایی است یکتا. کسی در ملکش با او مخالفتی نکند، هرگز زوال نیابد و همواره خواهد بود. پیش از هر چیز بوده است، که او را آغازی نیست و بعد از هر چیز خواهد بود، که او را نهایتی نیست. فراتر از این است که پروردگارش ثابت شود به دانستن و شناختن به دل یا به چشم. چون این را دانستی، اکنون چنان کن که از چون تویی شایسته است با وجود خردی قدر و منزلتش و اندک بودن تواناییش و فراوانی ناتوانیش و بسیاری نیازش به پروردگارش، در فرمانبرداری از او و ترس از عقوبت او و بیم از خشم او. او تو را جز به نیکی فرمان ندهد و جز از زشتی باز ندارد.

یکتا است

امام علی علیه السلام در این بخش به سراغ یکی از دلایل توحید می رود، همان توحیدی که پایه اصلی تمام دین و رکن رکن آن است و می فرماید: «پسرم بدان اگر پروردگارت شریکی داشت، رسولان او به سوی تو می آمدند و آثار ملک و قدرتت را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی». امام علیه السلام در یک نگاه برای نفی شریک و همتا برای خداوند به سه امر استدلال می کند:

نخست اینکه اگر خدا شریک و همتایی می داشت حتما حکیم بود و خداوند حکیم باید بندگان را از وجود خویش آگاه سازد و اوامر و نواهیست را توسط پیامبران خویش به گوش آنها برساند در حالی که ما می بینیم تمام انبیا پیش را به سوی خدای واحد دعوت کرده اند؛ آیات قرآن و متون کتب آسمانی گواه این مطلب است.

از سوی دیگر اگر پروردگار دیگری وجود داشت باید آثار ملک و قدرت و سلطان او در جهان نمایان گردد در حالی که هر چه در این عالم بیشتر دقت می کنیم به وحدت آن آشنا تر می شویم. جهان مجموعه واحدی است با قوانین یکسان که بر سرتاسر آن حکومت می کند و این وحدت که از ساختمان اتم ها گرفته تا کیهان ها عظیم همه تحت قانون واحدی به حیات خود ادامه می دهند، دلیل بر یکتایی آفریدگار و یگانگی خداست.

آنگاه امام علیه السلام در ادامه این سخن به هفت وصف از صفات خداوند اشاره می کند.

۱ نخست می فرماید: ولی او خداوند یگانه است، همانگونه که خودش را به این صفت توصیف کرده است. «این وصف نتیجه استدلالی است که امام علیه السلام قبلاً بیان فرمود که اگر پروردگار و معبود دیگری بود، فرستادگان او به سراغ تو می آمدند و آثار ملک و سلطانش را در همه جامی دیدی و افعال و صفاتش را در جبین موجودات مشاهده می کردی و چون چنین نیست نتیجه می گیریم که او خداوندی است یکتا. اضافه بر این در قرآن مجید نیز بارها خودش را به یکتایی توصیف کرده که نمونه بارز آن سوره توحید است و از آنجا که او صادق است و کذب و دروغ که نتیجه نیاز و عجز و هواپرستی است در ذات او راه ندارد، بنابراین می توانیم در این وصف و سایر صفاتش، بر دلایل سمعی، یعنی آیات و روایات قطعی تکیه کنیم.

۲ دومین وصف می فرماید: «هیچ کس در ملک و مملکتش با او ضدیت نمی کند». این همان توحید در حاکمیت است که یکی از شاخه های توحید افعالی است؛ مالک یکی است و حاکم یکی. دلیل آن هم روشن است، زیرا وقتی بپذیریم خالق اوست طبعاً مالک و حاکم جز او نمی تواند باشد. آن هم خالقیت مستمر، چرا که می دانیم خلقتش دائمی است؛ یعنی ما لحظه به لحظه آفریده می شویم درست مانند نور چراغ که به منبع مولد برق ارتباط دارد و اگر

یک لحظه رابطه اش قطع شود خاموش می گردد. آری او همه روز خالق است و همواره حاکم و مالک.

۳ آنگاه در بیان سومین و چهارمین وصف می افزاید: «و هرگز زائل نخواهد شد و همواره بوده است». دلیل اینها روشن است، زیرا می دانیم او واجب الوجود است، واجب الوجود حقیقتی است که به تعبیر ساده، وجود او از ذاتش می جوشد، بنابراین چنین وجودی ازلی است و باید ابدی باشد. موجودی حادث است که وجودش از خود او نبوده و از بیرون آمده؛ موجودی فانی می شود که وجودش از درون ذاتش نبوده و از خارج ذاتش به او رسیده باشد.

۴ پنجمین و ششمین وصف را هم می توان از اینجا نتیجه گرفت که می فرماید: «او سرسلسله هستی است بی آنکه آغازی داشته باشد و آخرین آنها است بی آنکه پایانی برایش تصور شود». این دو وصف نیز از لوازم ازلیت و ابدیت ذات پاک اوست که آن هم نتیجه واجب الوجود بودن او است.

۵ هفتمین وصف که آخرین وصفی است که امام علیه السلام در اینجا بیان کرده و می فرماید: «بزرگ تر از آن است که ربوبیتش در احاطه فکر یا چشم قرار گیرد». دلیل آن هم روشن است. ربوبیت او از ازل شروع شده و تا ابد ادامه دارد و همه عالم هستی را با مرزها و حدود ناشناخته اش در بر می گیرد، بنابراین چنین ربوبیت گسترده ای را نه با چشم می توان مشاهده کرد و نه در فکر انسان می گنجد، زیرا

ربوبیتش نامحدود است و نامحدود در فکر محدود انسان نخواهد گنجید.

ازلی و ابدی است

امام علیه السلام بعد از بیان عظمت خداوند و یگانگی و ازلیت و ابدیت و احاطه ربوبیت او بر جمیع عالم، در ادامه سخن، فرزندش را مخاطب ساخته و او را به کوچکی و ناتوانیش و نیازهای فراوانش در برابر خداوند توجه می دهد می فرماید: «حال که این حقیقت را شناختی، در عمل بکوش آن چنان که سزاوار مانندت دوست از نظر کوچکی قدر و منزلت و کمی قدرت و فزونی عجز و نیاز شدیدت به پروردگارت». چهار وصفی را که امام علیه السلام برای فرزندش بر شمرده اوصافی است درباره همه انسان ها؛ همه در پیشگاه خداوند کوچک اند و قدرتشان ناچیز و عجزشان فراوان و نیازشان به پروردگارشان زیاد. مشروط بر اینکه انسان، خویشان را بشناسد و به خود فراموشی گرفتار نگردد که در این صورت از طریق بندگی خارج نخواهد شد و گام در طریق طغیان نخواهد گذاشت. آری شناخت عظمت خدا و معرفت به کوچکی خویش در برابر او سرچشمه عبودیت و بندگی است، و فراموشی آن، سرآغاز طغیان و ظلم و بیدادگری است.

قرآن مجید می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰيِقُونَ» و همچون کسانی نباشید که



شناخت عظمت

خدا و معرفت

به کوچکی

خویش در برابر

او سرچشمه

عبودیت و بندگی

است، و فراموشی

آن، سرآغاز

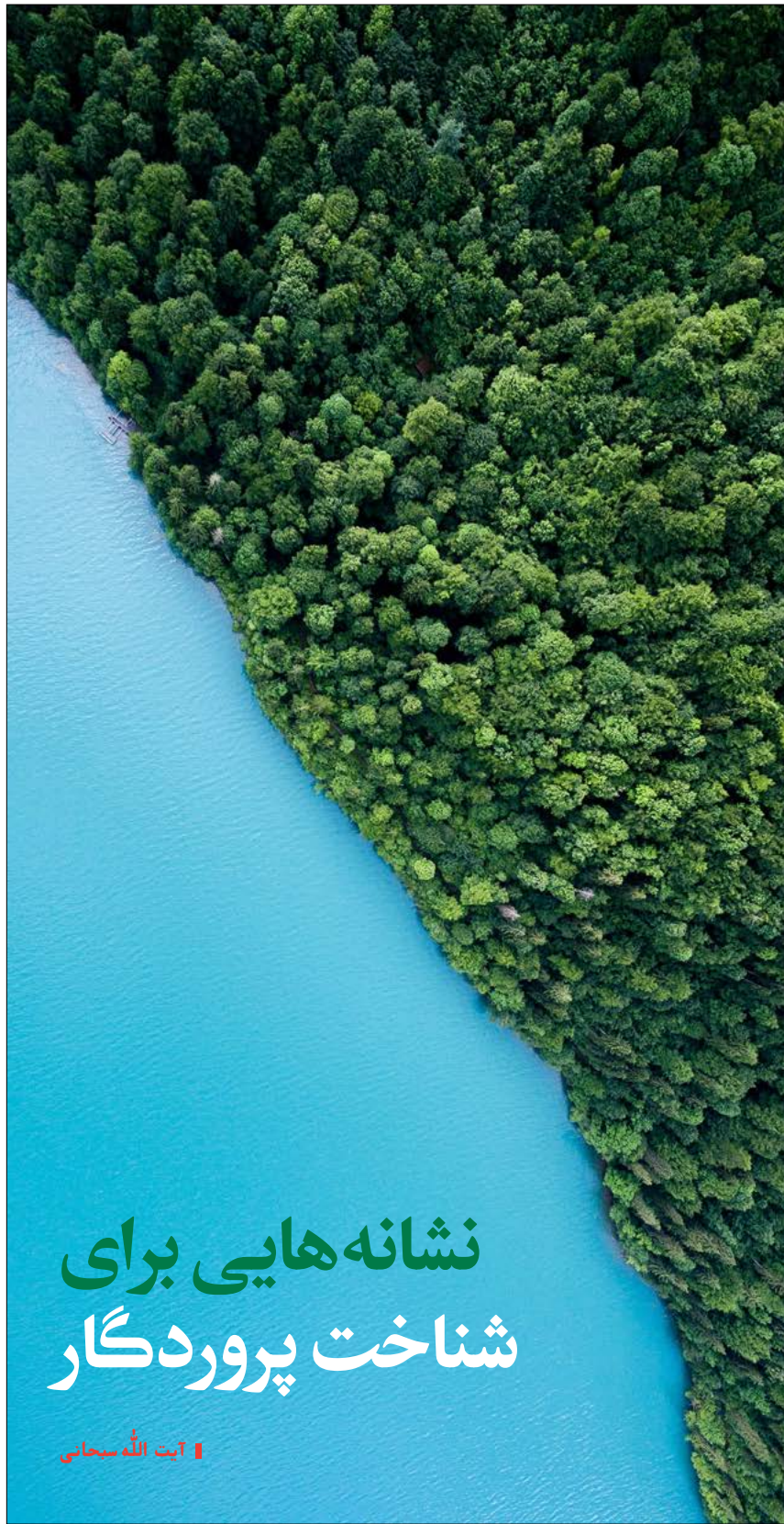
طغیان و ظلم و

بیدادگری است

خدا را فراموش کردند و خداوند نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد؛ آنها گناهکارانند». آنگاه امام علیه السلام راه را به فرزند دلبنش نشان می دهد که انجام اعمال شایسته چگونه است، می فرماید: «در راه اطاعتش بکوش، از عقوبتش ترسان باش و از خشمش بیمناک، زیرا او تو را جز به نیکی امر نکرده و جز از قبیح و زشتی باز نداشته است».

امام علیه السلام در اینجا عمل شایسته را در سه چیز خلاصه کرده است: اطاعت و فرمان، ترس از عقوبت و اشفاق از خشم او. بدیهی است که خشیت و اشفاق در برابر عقوبت و خشم پروردگار، انگیزه طاعت است، بنابراین امام علیه السلام نخست به اطاعت پروردگار اشاره کرده و سپس بر انگیزه های آن تأکید ورزیده است و تفاوت خشیت و اشفاق در این است که خشیت به معنای خوف و ترس است، ولی شفقت و اشفاق، ترس آمیخته با امید است. بنابراین ترس از عقوبت خداوند، همچون ترس از حادثه و حشتناک ناامید کننده نیست، بلکه ترسی آمیخته با امید به لطف و عطف و کرم پروردگار است.

جمله «فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ...» اشاره به این است: گمان نبر اطاعت تو از پروردگار چیزی بر جاه و جلال او می افزاید یا خداوند نیازی به آن دارد. به عکس تو نیازمند به آنی، زیرا تو را به نیکی هایی که مایه سعادتت دوست امر فرموده و از قبیح و زشتی هایی که تو را به بدبختی و شقاوت می کشاند نهی کرده است. □



نشانه‌هایی برای شناخت پروردگار

آیت الله سبحانی



« دانشمندان موحد، اتفاق نظر دارند براین مطلب که گنه و ذات خداوند سبحان و حقیقت اسماء و صفات او، قابل شناختن نیست و اساسا اندیشه بشر ناتوان تراز آن است که توان تحمل شناخت و درک ذات نامتناهی الهی را داشته باشد. بنابراین تنها راه شناخت هستی آفرین، تفکر و اندیشه در آثار و افعال خداوند در آفاق و انفس است و خداوند در قرآن به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ هم در زمین آیاتی هست برای اهل یقین و هم در درون وجود خودتان؛ چرا آن آیات رانمی بینید؟ ».

آیه ﴿وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾ بر معرفت آفاقی (برون‌گرایانه) و آیه ﴿وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ بر معرفت انفسی (درون‌گرایانه) خالق هستی بخش، دلالت دارد. و همچنین خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ به زودی آیات خود را هم در آفاق و خارج از وجود آنان و هم در داخل وجودشان نشان خواهیم داد تا روشن گردد که خدا حق است. آیایین شهادت برای پروردگار تو بس نیست که او ناظر و گواه بر هر چیزی است؟ ». این آیه به دوراه معرفتی برای مومنین اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ﴾. اینک به اختصار هر دو روش معرفتی را توضیح می‌دهیم.

۱. شناخت آفاقی

مشاهده موجودات در عوالم وجودی، از علویات گرفته تا سفلیات، انسان را به این ادراک نائل می‌آورد که جهان هستی، بر سنن و قوانینی منظم و نهفته در ذات و جوهرش، قائم است و اگر این نظم ذاتی نبود، نظام آفرینش با اختلال مواجه می‌شد. این نوع از شناخت برای هر سالکی که طالب معرفت الهی باشد، امری دست یافتی است. و باب معرفت به خداوند در این نوع شناخت، برای طبقه متوسط از انسان ها و حتی طبقه والای ایشان و بلکه تمام طبقات مردم، بسته نیست. البته سطح دانش و معرفت فلاسفه و حکما و اصحاب برگزیده و خاص، با افراد عادی همچون کشاورز و کارگر متفاوت است، اما هر کدام از این گروه‌ها به مقدار توان خود مکلف هستند.

حقیقت آن است که سالک بعد از پیمودن این راه که کسب معرفت قوانین راسخ عالم هستی است، جهان را همچون سکه‌ای دورو، می‌پندارد که یک طرف آن آفرینش و طرف دیگر پروردگار نمایان است و برای ما، وجود نظم و اسرار نهفته در میان موجودات، محسوس و ملموس می‌شود. همچنین محصول دیگر این معرفت، آگاهی از وجود علم و قدرتی وراء اسرار این نظم است که ایجاد کنند و قوام بخش و خالق و نگه دار این نظام هستی است.

هنگامی که انسان آگاهی یافت بر اینکه، مجموع آفرینش مظهر قدرت غیر متناهی الهی است، و خالق جهان کار

عبث انجام نمی‌دهد و خلقت انسان عبث نبوده و برای رسیدن به غایت و هدفی مشخص، آفرینش محقق گشته، نیروی عقل، بشر را ملزم می‌کند به تحقیق از این غرض آفرینش و اینکه خداوند انسان را رها نکرده و او وظایف و مسئولیت‌های دارد. اگر انسان حقیقت جستجو باشد، افرادی را پیدا می‌کند که با وحی مرتبط هستند و وظایف انسان را از وحی دریافت و بازگو می‌کنند و برای تربیت بشر از پانمی ایستند. مجموع این شناخت‌ها، مشتمل بر علم به آفرینش الهی و نظام درونی آن و معرفت به خالقی حکیم، سالک را به کاوش در کشف تکالیف انسان در طول حیاتش برمی‌انگیزاند.

با توجه به این مطلب، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ» یعنی معرفت انسان به مبدأ آفرینش، او را به شناخت وظایف و عمل به آنها سوق می‌دهد. بهترین کتابی که با موضوع معرفت آفاقی به چاپ رسیده، کتاب «ظهور خداوند در عصر علم» است. هر کسی این کتاب را مطالعه کند، خواهد فهمید که در تکالیف آن، عده زیادی از دانشمندان علوم طبیعی مشارکت داشته‌اند و همچنین عظمت و بزرگی افعال و آثار خداوند و سنت‌های الهی بر او آشکاری می‌گردد و در حقیقت به نردبانی به سوی آسمان معرفت که خداوند آن را در طبیعت به ودیعه نهاده، دسترسی پیدا می‌کند. این کتاب، این معرفت را نردبانی برای مراحل دیگر قرار داده تا بدان جا که انسان، به خداوند و انبیاء الهی ایمان بیاورد و با تکالیف و وظایفش آشنا شود.

۲. معرفت انفسی

تردیدی نیست که انسان در نظام آفرینش، جزئی از عالم است و امتیاز او از سایر موجودات در موهبت‌های خداوند به او خلاصه می‌شود. موهبت‌هایی که توان تصرف و احاطه بر جهان و آسمان‌ها و زمین را به او هدیه می‌نماید. پس معرفت نفس برترین شناخت‌ها است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «الْمَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ؛ شناخت نفس، سودمندترین معرفت‌ها است». خداوند در برخی آیات قرآن بر این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿ ۱. وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ التُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِيَّائِي ذَلِكُمْ لَّآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و شب و روز را به خدمت شما گذاشت و خورشید و ماه و ستارگان به فرمان وی در خدمت شما هستند که در این، برای گروهی که عقل خود را به کار برند عبرت‌هاست ».

﴿ ۲. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ؛ مگر نمی‌بینید که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین هست رام شما کرد؟ و نعمتهای خویش را آشکارا و نهان بر شما کامل نمود؟ (و باز) بعضی از مردم بدون علم و هدایت و کتاب، در باره خدا مجادله می‌کنند».

﴿ ۳. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ خَلَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را



سالک با رسیدن

به صفا و نورانیت

نفس و تخلیه

آن از رذائل، به

مقامی واصل

می شود که تنها

وابستگی خود

به مقام ربوبیت

الهی را مشاهده

می نماید. این

حقیقت را نه

در حد و اندازه

الفاظ و جملات،

بلکه ذات و

نفس خویش

را بدون واسطه

الفاظ و جملات

در محضر الهی

حاضر می بینید

بر مرکب‌های آبی و صحرایی سوار کردیم و از غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آنهم چه برتری؟»

سیر معرفت انفسی (درون‌گرایانه) با سیر آفاقی (برون‌گرایانه)، متفاوت است. سیر آفاقی (برون‌گرایانه)، را با الفاظ و جملات می‌توان تصور کرد؛ اما سیر انفسی (درون‌گرایانه) از آنجا که امری معنوی است، سالک قدم به قدم، بدان معرفت پیدا می‌کند و رفته رفته، برخی از پرده‌ها از چشم دل او کنار رفته و با حواسش آنها را درک می‌نماید. در نتیجه به شهود عوالم ما فوق طبیعت نائل می‌آید.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ مِنْ أَنَّ يَخْتَجِبَ عَنْ شَيْءٍ أَوْ يَخْتَجِبَ عَنْهُ شَيْءٌ؛ خداوند والا تر است از اینکه از چیزی در پرده شود یا چیزی از او در پرده رود». به عبارت دیگر، این نوع از معرفت از قبیل علم حصولی و مفهوم نیست تا قائم به نفس باشد؛ بلکه علم شهودی است و چیزی مانع وصول به حقیقت آن نمی‌شود مگر حجاب نفس سالک در طریق رسیدن به آن.

به نظر می‌رسد، سیر انفسی (درون‌گرایانه) بی‌خطر نیست؛ چرا که برای رسیدن به غایت آن، سالک باید تدریجا مراحل مختلف را بپیماید. از این رو، وجود استاد اخلاق برای سالک ضرورت دارد تا بتواند رذائل و فضائل را بشناسد و از صفات ناپسند دوری گزیند و نفس خود را به فضائل اخلاقی مزین کند و به نوافل خصوصا نماز شب اهتمام ورزد و به کنترل مشتهیات و خواهش‌های نفس فائق آید و به کم سخن گفتن مگر برای رضای خداوند، عادت نماید.

امیرالمومنین علیه السلام در وصف متقین می‌فرماید: «فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُتَعَمِّمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ؛ بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به سر می‌برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند».

قطعا و بدون شک، سالک با رسیدن به صفا و نورانیت نفس و تخلیه آن از رذائل، به این مرحله از شهود خواهید رسید؛ بلکه به مقامی واصل می‌شود که تنها وابستگی خود به مقام ربوبیت الهی را مشاهده می‌نماید. این حقیقت را نه در حد و اندازه الفاظ و جملات، بلکه ذات و نفس خویش را بدون واسطه الفاظ و جملات در محضر الهی حاضر می‌بینید.

۱. رضایت به قضای الهی

هنگامی که سالک به مرحله‌ای می‌رسد که تعلق و وابستگی خود به خداوند را نه از راه استدلال و برهان بلکه بدون واسطه، شهود کند. نفس انسان به کسب رضایت الهی در انجام و ترک هر فعلی مشتاق می‌شود و نزد او چیزی محبوب تر از خداوند جلوه گری نمی‌کند. و هر چه حب او به خداوند فرونی یابد، از قضاء الهی نیز خشنود ترمی شود. و از این رو، قضاء الهی چه خوش آیند و چه ناخوش آیند باشد، برای سالک شیرین و پذیرفتنی است. خداوند در وصف این افراد می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ؛ خداوند از آنان خوشنود شده و آنان هم از خداوند خوشنود شده‌اند» □

نکاتی درباره سوره توحید

غیب او از شدت ظهور است

■ آیت الله جوادی آملی



«سوره مبارکه «اخلاص» که به سوره «توحید» و سایر علم‌های «بالغلبه» نامیده می‌شود، صدر و ساقه این سوره کوتاه مطالب بسیار قوی و غنی دربردارد و از این جهت درباره آن وارد شده است که آن ثلث قرآن است یک سوم معارف قرآن کریم در این سوره نهفته است. گرچه درباره شأن نزول این سوره مبارکه گفته شد که گروهی از یهود از حضرت پیغمبر ﷺ سؤال کردند گفتند «أَنْسَبُ لَنَا رَبِّكَ»، شما که ما را به «الله» دعوت می‌کنی با «انبی اثین» مخالف هستی چنان که با «ثالث ثلاثه» ترسایان مخالف هستی، نسب‌نامه ذات اقدس الهی را بیان یکن و خدای سبحان در پاسخ به وجود مبارک پیغمبر ﷺ فرمود نسب او بی‌نسبی است بی‌نشانی است. او که نه والد دارد نه مولود دارد نه هم‌تا و کفو، او که به عصری و مصری و نسلی وابسته نیست، بلکه همه والدان و مولودها و کفوها مخلوق او هستند، همه عصرها و مصرها و نسل‌ها مخلوق او هستند، او غیب مطلق است.

رهاورد‌های فراوانی این سوره کوتاه به همراه دارد اگر آنها گفتند «أَنْسَبُ لَنَا رَبِّكَ» نسب‌نامه و شناسنامه ذات اقدس الهی را بیان کن، خدای سبحان به پیغمبرش ﷺ فرمود او نه نسب آسمانی دارد، نه نسب زمینی دارد، نه نسب تدبیری دارد، نه نسب نظمی دارد، همه اینها به خدای سبحان منسوب‌اند چون فعل او هستند هرگز ذات اقدس الهی که غیب محض است و حقیقت مطلق است نسبش به این امور بر نمی‌گردد. آنها گفتند «أَنْسَبُ لَنَا رَبِّكَ»؛ انبیای قبل مجاز بودند که مقطعی هم سخن بگویند اگر وجود مبارک ابراهیم خلیل و مانند آن است می‌تواند به نمرود بگوید: «رَبِّيَ الَّذِي يُخَيِّ وَيُمِيتُ» یا «يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ» یا «رَبِّيَ» این است «رَبِّي» این است و اگر کلیم الهی است در پاسخ فرعون که گفت این «رَبِّ الْعَالَمِينَ» که تو از طرف او آمدی کیست؟ بعد فرمود: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى». آنها سؤال کردند از خلیل الهی و از کلیم الهی که رب کیست؟ خلیل الهی فرمود: «رَبِّيَ الَّذِي يُخَيِّ وَيُمِيتُ»، کلیم الهی هم فرمود: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ»؛ اما حبیب الهی در برابر «أَنْسَبُ لَنَا رَبِّكَ»، سخن از «رَبِّي» و «رَبَّنَا» و «رَبِّكُمْ» و مانند آن به میان نیاورد فرمود: «هُوَ اللهُ أَحَدٌ». این «هُوَ» که به غیب مطلق برمی‌گردد و معروف احدی نیست مشهود احدی نیست معبود احدی هم نیست از نظر شهودی نه از نظر حصولی، از نظر عرفانی نه از نظر برهانی، از نظر عقل شهودی نه عقل نظری و مانند آن، این خدا غیب مطلق است. نفرمود «رَبِّي كَذَا وَرَبِّكَ كَذَا».

ذات اقدس الهی در پاسخ نه از «رَبِّي» سخن گفت نه از «رَبَّنَا» سخن گفت، نه از «رَبِّكُمْ» سخن گفت چون برنامه وجود مبارک پیغمبر ﷺ در سطح خلیل الهی نبود در سطح کلیم الهی نبود، او بفرماید «رَبَّنَا الَّذِي كَذَا، او بگوید: «رَبِّيَ الَّذِي كَذَا، سخن از «رَبِّي» و «رَبَّنَا» و مانند آن نیست. آنها گفتند «أَنْسَبُ لَنَا رَبِّكَ»، فرمود: «هُوَ اللهُ أَحَدٌ» احدیت مطلق برای اوست. واحد نیست آن واحدی که شما می‌پندارید، احد هست؛ اگر بعداً در آیه‌ای در روایتی او واحد گفته شد واحدی که زیر مجموعه احدیت است، «أَحَدٌ» که عدد نیست «أَحَدٌ» رقم‌بردار نیست، «أَحَدٌ» در برابر ثانی و ثالث و مانند آن قرار نمی‌گیرد.

این خدایی که «أَحَدٌ» است همه جا حضور دارد و دیگران مجاری فیض او مظاهر او آیین‌دار او آیین‌دار جمال و جلال اویند. تمام این بحث‌ها البته مستحضریه که در مقام فصل سوم است نه فصل اول که ذات مطلق است که «غیب الغیوب» است، نه فصل دوم که صفات

ذات است که عین ذات است آن هم «غیب الغیوب» است و شهود آنها محال است برای احدی، زیرا در علم شهودی مشهود بتمامه باید به حضور شاهد بیاید. خدای سبحان چون حقیقت نامتناهی است اکتناه ذاتش مستحیل است چون بسیط است بعض و جزء ندارد که ما بگوییم بعضی از خدا یا قسمتی از خدا را درک کرد و نمی‌توان گفت هر کسی خدا را به اندازه خود درک می‌کند گرچه این شخص اندازه دارد ولی خدا اندازه‌پذیر نیست؛ لذا او مشهود احدی نیست. پس ذات اقدس الهی در علم شهودی مشهود احدی نیست؛ البته ظهور او تجلیات او فیض او و مانند آن کاملاً مشهود است به اندازه ادراک شاهدانه شاهد؛ اما بشر مکلف به برهان است برهینی که قرآن کریم اقامه می‌کند «أَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ» برهان حصولی؛ بشر کاملاً نامتناهی را می‌فهمد نامتناهی را مستحیل می‌داند می‌گوید الا و لابد باید به یک مبدأ آغازین منتهی بشود و آن ذات اقدس خداست و از طرفی پایان باید الا و لابد به معاد ختم بشود معاد جسمانی، معاد روحانی، مسئله برزخ، همه اینها را که قرآن کریم آورد با برهان قابل فهم است؛ چون برهان مفهوم است مفهوم علم حصولی است علم حصولی امر ذهنی است قابل فهم است بشر هم مکلف به برهان و دلیل است.

اما شهود بخواد بنگرد چه در دنیا چه در آخرت تجلیات خدا ظهورات خدا «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ» این در این حدود بله کاملاً قابل شهود و علم حضوری اولیای الهی خواهد بود؛ اما خود ذات محض و صفات ذات که عین ذات است این دو منطقه منطقه ممنوعه است. این خدا که همه جا حضور دارد، گاهی طرزی فیضی عطا می‌کند که احدی نمی‌بیند؛ اگر او بخواد کریمانه رفتار کند آبروی کسی

را حفظ بکند حتی نمی‌گذارد که انبیاء و اولیای که در همه مراحل، مجاری فیض الهی‌اند حضور داشته باشند. این روایتی که معروف هم هست قبلاً هم اشاره شد که وجود مبارک پیغمبر ﷺ فرمود پروردگارا حساب امت من را به خود من واگذار کن که من نزد دیگران شرمنده نشوم! پاسخ رسید که برخی‌ها را نه کل را! حساب برخی‌ها را خودم بررسی می‌کنم که حتی تو هم نبینی! که او پیش تو هم خجالت نکشد. گاهی این جور است. گاهی در قهر خودش می‌فرماید شما کنار بروید، من شخصاً کار را انجام می‌دهم «ذَرْنِي وَ مَن خَلَقْتُ وَجِيداً» آن بی‌ادبی که در سوره مبارکه «مَدَّثَر» آن دهن‌کجی را کرد، گفت «إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَر» گفت نه از آسمان کسی آمد، نه در زمین کسی به رسالت بار یافت، رسالت آسمانی صحیح نیست – معاذ الله – رسالت زمینی صحیح نیست «إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَر»! در همان سوره مبارکه «مَدَّثَر» فرمود خیر! این نیست «نَذِيرَ الْبَشَر» «ذَرْنِي وَ مَن خَلَقْتُ وَجِيداً» این حقوق بشر است، از آسمان آمده است، گیرنده‌اش پیغمبر زمینی است. با همه این جریان‌ها گاهی وقتی بخواد غضب بکند می‌فرماید: «ذَرْنِي وَ مَن خَلَقْتُ وَجِيداً» شما کنار بروید من خودم شخصاً بساط او را برمی‌دارم.

به هر تقدیر احدیت اوست، چنین احدیتی صمدیت مطلق دارد؛ چون کل ماسوا نیازمندند؛ تنها ملجأ و مرجعی که هم از نیاز نیازمندان باخبر باشد، هم توانایی رفع نیاز داشته باشد و هم این توانایی مشروط و مقید و محدود نباشد او خداست؛ لذا صمد «بالقول المطلق» اوست، مضمود و مقصود و معبود «بالقول المطلق» اوست و در پایان توهماتی که عزیری‌های یهود داشتند، مسیح ابن مریمی‌هایی که مسیحی‌ها داشتند به آنها خاتمه می‌دهد که «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ



تنها ملجأ و

مرجعی که هم

از نیاز نیازمندان

باخبر باشد، هم

توانایی رفع نیاز

داشته باشد و

هم این توانایی

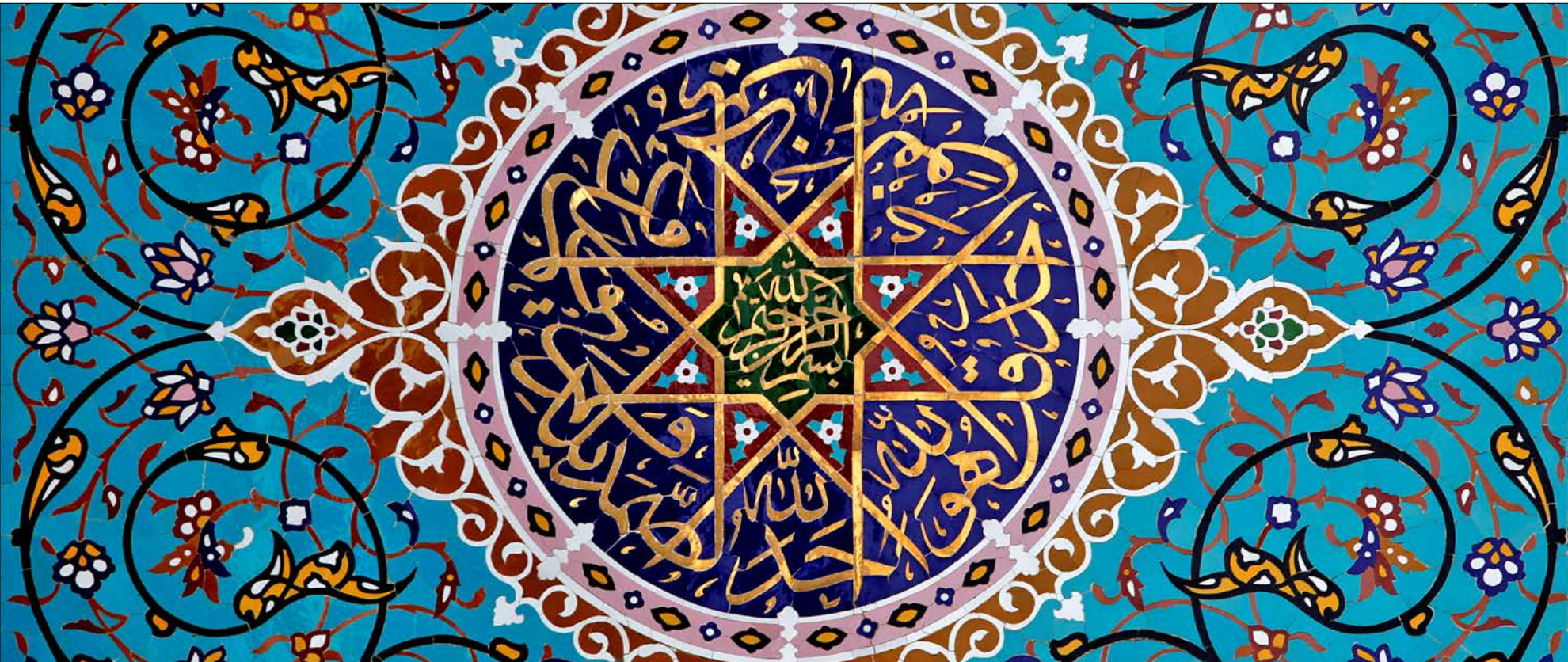
مشروط و مقید و

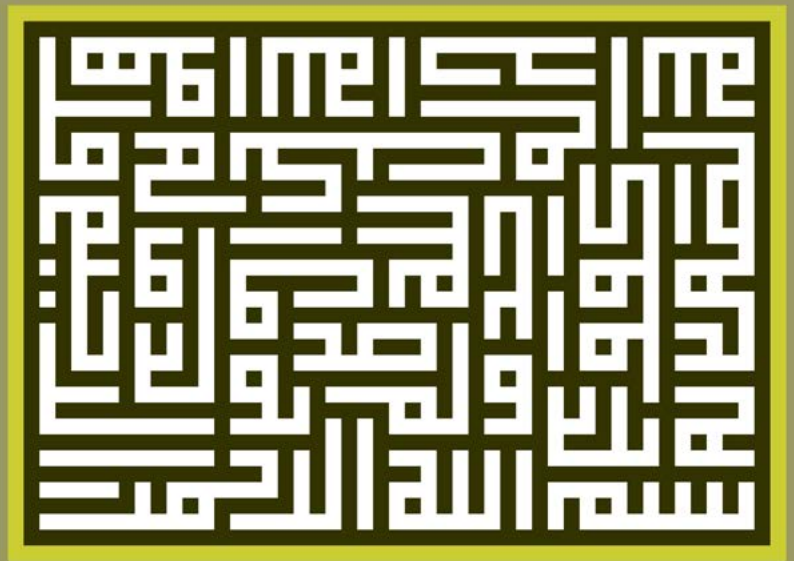
محدود نباشد او

خداست

يُولَدُ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» احدی همتای او نیست. صمدیت مطلق که در وسط آمد مبرهن به احدیت مطلق است، چون او احد مطلق است صمد مطلق هم خواهد بود. ماسوا نیازمند هستند «بالقول المطلق»، تنها کسی که توانایی رفع نیاز همه نیازمندان علمی و عملی دنیا و آخرت را دارند خداست، او می‌شود صمد مطلق؛ آنگاه مسئله نفی والد و ولد، نفی کارهایی که کلیمی‌های مبتلا بودند یا مسیحی‌ها آلوده شدند آنها را ذکر می‌کند «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». پس «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و اگر ثلث قرآن است یعنی اگر ما معارف قرآن را به سه قسمت تقسیم کنیم، این می‌تواند متنی باشد که آیات دیگر شرح این باشد و بین احدیت و واحدیت فرق بگذارد، بین صمدیت مطلق فرق بگذارد. او در عین حال که غیب مطلق است حاضر مطلق است؛ لذا «هُوَ» به او برمی‌گردد؛ چون اگر همه جا حاضر است، در سوره مبارکه «یونس» هم فرمود هر کاری که انجام می‌دهید همین که می‌خواهید وارد شوید «إِلَّا كُنَّا عَلَيْنَكُمْ شُهُوداً» او شاهد مطلق است؛ اگر شاهد مطلق است غیب او عین شهادت است.

یک بیان نورانی از امیر المؤمنین (ع) است که فرمود او اول است و آخر است و ظاهر است و باطن، فرمود هر اولی غیر خدا غیر آخر است هر ظاهری غیر خدا غیر باطن است یعنی خدا اولیتش عین آخریت است ظاهریتش عین باطنیت است «كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْبُهُ [غَيْبُ بَاطِنٍ] بَاطِنٌ»، هر ظاهری در برابر باطن است اما ذات اقدس الهی ظهورش عین بطون است چون بطونش از شدت ظهور است؛ بنابراین او غیبی ندارد غیب او از شدت ظهور اوست، لذا او همواره حاضر است بدون اینکه قبلاً نام برده شود می‌شود گفت «هُوَ»، «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ». □





صفات خداوند در سوره توحید

هیچ چیزی شبیه او نیست

سوره توحید تعریف کاملی از خداوند است و همه مفسران آن را درس یگانگی و توحید می‌دانند. سوره توحید در حقیقت شناسنامه خداوند است و مضمون کلی آن خداشناسی و اقرار به توحید یعنی یگانگی خداوند است و در آن هر صفتی که نقص دارد را از خدا نفی میکند. سوره توحید شناسنامه خداوند است و مهم‌ترین وصف خدا در این سوره پس از بیان یگانگی در ذات، بی‌نیازی از همه موجودات، نداشتن فرزند، پدر و مادر است و برای او هرگز احدی شبیه و مانند نبوده است. همه مفسران سوره اخلاص را درس یگانگی و توحید می‌دانند. در این مطلب معنای آیات این سوره را بررسی می‌کنیم. ■

« قل هو الله احد / بگو خدایکی است

در این آیه به صفت یگانگی و احدیت خداوند اشاره شده و از توحید پروردگار سخن به میان آمده است. توحید در واقع، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعه ایمان بدون اقرار به یکی بودن خدا ممکن نیست.

همچنین در برخی تفاسیر آمده است: خداوند با آیه قل هو الله احد (۱) مذهب دوگانه پرستی را که برد و منشاء نور و ظلمت معتقد بودند، (۲) مذهب نصارا که قائل به تثلیث بودند و (۳) مذهب صابی که افلاک و نجوم را مستقل در تاثیر می‌پنداشتند، باطل کرده است.

« الله صمد / خدا از همه چیز و همه کس بی نیاز است

در این آیه از سوره توحید به این صفت خدا اشاره شده که هر گونه صفت نقصی مانند ترکیب و داشتن اجزا، خوردن و خوابیدن و به وجود آمدن از شیئی دیگر را از خداوند نفی می‌کند و مذهبیه را باطل کرده که غیر خداوند قادر، صمد و مقصد دیگری برای خلقت ذکر کرده‌اند، زیرا خدای غنی مطلق است و اگر صمد و بی نیاز نباشد، محتاج خواهد شد. همچنین صمدیت عبارت از این است که هر چیزی به سوی او منتهی می‌شود و خدا را تنها مرجع رفع همه نیازهای مخلوقات معرفی کرده است. برخی مفسران کلمه صمد را به معنای هر چیز توپری که جوفش خالی نباشد، و در نتیجه نه بخورد و نه بنوشد و نه بخوابد و نه بچه بیاورد و نه از کسی متولد شود معنا کرده‌اند که این معنا در آیات بعدی تکمیل شده است.

۳۳-۲۶



حضرت زینب کبری (ع) در حصن حصین نبوت و خاندان والا مقام ولایت و امامت تربیت یافت. از لبان آموزگار وحی، دانش اندوخت و در دامان کرامت، پرورش یافت و از تربیت خمسه طیبه، ادب آموخت. به مناسبت ولادت باسعادت این بزرگ بانوی دشت کربلا در این بخش به توصیف دلاوری‌ها، رشادت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد دخت امیرالمومنین علی (ع) پرداخته‌ایم. «او شبیه جده‌اش خدیج کبری (ع) بود»، «مؤلفه‌های الگوی مدیریتی حضرت زینب (ع) در بحران‌های چند ضلعی»، «بانویی از تبار رشادت» و «الگوی زن مسلمان» عناوین این بخش است.

« عترت



بانویی از تبار رشادت

الگوی زن مسلمان

مؤلفه‌های الگوی مدیریتی حضرت زینب (ع) در بحران‌های چند ضلعی



او شبیه جد‌ه‌اش خدیجه کبری علی‌ها بود

■ سید صادق سیدنژاد

بازگشت. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از بازگشت به فرمان الهی نام این مولود مبارک را زینب گذارد و توصیه فرمود که این طفل را همواره گرامی بدارید؛ چون او شبیه جد‌ه‌اش خدیجه کبری علی‌ها است. یعنی همانگونه که حضرت خدیجه علی‌ها در آغاز بعثت با شجاعت و فداکاری متحمل زحمات زیادی شد تا نهال نورسته اسلام حفظ و بارور شود، حضرت زینب علی‌ها نیز با صبر، ایثار و تحمل سخت‌ترین فشارها از به خطر افتادن اساس اسلام جلوگیری به عمل می‌آوردند. پس در توصیف آن حضرت آمده: زینب علی‌ها در وقار شخصیت چون جد‌ه‌اش حضرت خدیجه علی‌ها و در عفاف و عصمت همانند مادرش زهرا علی‌ها بود. زینب کبری تا حدود پنج یا شش سالگی، تحت اشراف شخص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در آغوش مادر بزرگوارش حضرت زهرا علی‌ها پرورش یافت و از آن پس، مسئولیت تربیت و پرورش او به عهده علی علی‌ها گذارده شد. تا اینکه در سال هفدهم هجری به همسری پسرعمویش، عبدالله بن جعفر درآمد. سال‌ها بعد زمانی که مردم با امیرالمؤمنین

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت و پرورش فضیلت‌های اخلاقی و نیز تثبیت و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی، استفاده از الگوهای مناسب است؛ چرا که الگو و سرمشق به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های خاصی می‌تواند به روند حفظ و انتقال فضایل و آموزه‌های تربیتی سرعت بخشیده و به تعمیق و ماندگار شدن آنها کمک نماید. در تعالیم دین مبین اسلام، گاهی راه‌های بهره‌برداری از الگوها نیز مورد اشاره قرار گرفته؛ از جمله در یک مورد ضمن تشریح جریان‌ات مربوط به جنگ احزاب در قرآن کریم، از شخص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان اسوه حسنه یاد می‌شود. حضرت زینب علی‌ها نیز به اعتراف همه تاریخ‌نویسان، آراسته به همه فضایل و خصلت‌های والای اخلاقی و الهی بود و در سایه این کمالات به مرتبه‌ای از منزلت انسانی دست یافت که شایستگی محرم راز الهی و امین ودایع امامت و ولایت را حداقل در بخشی از عمر شریفشان به خود اختصاص داد. در ادامه به برخی از وقایع مهم زندگی آن حضرت اشاره کوتاهی داریم ■

■ زینب همچون خدیجه علی‌ها

در زمان ولادت زینب علی‌ها پدر بزرگ گرامیش پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه حضور نداشت و امیرالمؤمنین علی‌ها نام‌گذاری کودک را به تاخیر انداخت تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه

علی بن ابی‌طالب علی‌ها بیعت کردند، زینب برای یاری پدر از مدینه به کوفه رفت و در مدت پنج سال دوران سخت حکومت علی علی‌ها، همواره یار و تسکین بخش غم‌های پدر بود و زنان کوفه را آموزش می‌داد. چون علی علی‌ها در محراب عبادت با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خورد، پرستاری آن حضرت را برعهده گرفت و به دنبال شهادت امیرالمؤمنین علی‌ها و هنگام امامت برادر بزرگش امام حسن علی‌ها نیز در کنار برادر قرار گرفت و آنگاه که امام حسن علی‌ها از کوفه به مدینه بازگشت، ایشان را همراه کرد. وقتی معاویه امام حسن علی‌ها را مسموم کرد باز غمخواری و پرستاری برادر با زینب بود و پس از شهادت امام نیز در خدمت برادر کوچکتر امام حسین علی‌ها بود. زمانی که امام حسین علی‌ها عازم مکه شد، زینب علی‌ها نیز به همراه آن حضرت از مدینه خارج شد و از آن لحظه به بعد تا روز عاشورا در خدمت به قیام ابا عبدالله حسین علی‌ها تلاش کرد و لحظه‌ای از آن حضرت جدا نشد. نقل می‌کنند در جریان حرکت به سوی عراق ابن عباس به امام حسین علی‌ها گفت اگر ناگزیر باید به این سفر بروید، حداقل این زنان و بچه‌ها را با خود نبرید. در این لحظه، حضرت زینب علی‌ها خطاب به ابن عباس فرمود: سوگند به خدا از حسین جدا نخواهم شد، همراه او خواهیم بود با او زندگی کرده و با او می‌میرم.

زینب علی‌ها در روز عاشورا با ایثار چند برادر و فرزندان و برادرزاده و... فداکاری در راه خدا را به حدی رساند که حتی ملکوتیان را به تعجب واداشت و از عصر عاشورا به بعد رسالت پیام‌رسانی خون شهیدان و سرپرستی و رهبری اسیران نهضت عاشورا را برعهده گرفت و لحظه‌ای از حمایت امام زین‌العابدین علی‌ها نیز غافل نگشت و بارها در این سفر خوفناک جان آن حضرت را از خطرانی که او را تهدید می‌کرد نجات بخشید. حضرت زینب با ایراد خطبه‌های آتشین پایه کاخ‌های ستم بنی‌امیه را به لرزه درآورد و در یک کلام، با این کار همه تبلیغات و نقشه‌های دشمنان را خنثی و نفاق منافقان را رسوا و غفلت غافلان را برطرف ساخت. اگر تلاش بی‌نظیر و فداکاری کامل زینب نبود، به یقین جریان کربلا را بنی‌امیه یا به فراموشی می‌سپردند یا از مسیر حیات بخش خود منحرف می‌کردند.

■ خداشناسی و عرفان

بی‌شک همه کمالات زینب کبری علی‌ها، علاوه بر بیان ابعاد مختلف شخصیت بی‌نظیر این بانوی بزرگوار، به درجه بالای عرفان و خداشناسی او دلالت دارد. اگر مرتبه توحیدش قریب به مرتبه توحید حضرات معصومان نبود، هرگز نمی‌توانست ساکنان طوفان کربلا باشد.

هنوز کودکی بیش نبود که از پدر بزرگوارش علی علی‌ها سؤال کرد: آیا مرا دوست داری؟ حضرت فرمودند: بله دخترم؛ فرزندان ما پاره‌های جگرهای ما محسوب می‌شوند. آنگاه زینب علی‌ها عرض کرد: «محبت و خدا دوستی با حب فرزندان در قلب مؤمن چگونه جمع می‌گردد؟ اگر گریزی از این دو امر نیست، باید گفت دوستی محض از آن خدا و مهورزی برای فرزندان است.» با این بیان، دختر زهرا علی‌ها



■ زینب علی‌ها در روز

عاشورا با ایثار

چند برادر و فرزندان

و برادرزاده و...

فداکاری در راه

خدا را به حدی

رساند که حتی

ملکوتیان را به

تعجب واداشت

و از عصر عاشورا

به بعد رسالت

پیام‌رسانی

خون شهیدان

و سرپرستی و

رهبری اسیران

نهضت عاشورا

را برعهده گرفت

و لحظه‌ای از

حمایت امام نیز

غافل نگشت و

بارها در این سفر

خوفناک جان

آن حضرت را از

خطرانی که او

را تهدید می‌کرد

نجات بخشید

کمال معرفت خود را در توحید خالص به نمایش گذاشت.

■ علم و دانش

برای شناخت مقام علمی حضرت زینب علی‌ها می‌توان به امور زیادی توجه و استناد کرد. به شهادت همه تاریخ‌نویسان، زینب علی‌ها برای بانوان کوفی کلاس‌های تفسیر و آموزش قرآن برپا می‌داشت تا ایشان را با قرآن و احکام اسلامی آشنا سازد. برخی از او با تعبیر خبر و بحرینی سرشار از علم و دریای علم یاد می‌کنند. حتی زمانی که در مجلس یزید آن خطبه آتشین را بیان کردند، یزید درباره‌اش گفت: اینان خاندانی هستند که فصاحت و دانش و معرفت را از پیامبر به ارث برده‌اند و آن را با شیر مادر نوشیده‌اند. از شیخ صدوق روایت شده که زینب علی‌ها به جهت علم و دانش زیادی که داشت، از سوی امام حسین علی‌ها نیابت خاص داشت و مردم در مسائل شرعی چون حلال و حرام به ایشان رجوع می‌کردند.

در جایی دیگر نقل شده است روزی امام حسن و امام حسین علی‌ها درباره بعضی از سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هم گفت‌وگو می‌کردند، زینب علی‌ها وارد شد و در بحث ایشان شرکت کرد و مساله را با تمام صوری که داشت با تفصیل تمام تبیین فرمود. امام حسن علی‌ها وقتی این توانایی فوق‌العاده خواهرش را مشاهده کرد، خطاب به او فرمود: «انک حقاً من شجرة النبوة و من معدن الرسالة؛ به راستی که تو از درخت نبوت و معدن رسالت هستی.»

■ حجاب و عفاف

زینب کبری علی‌ها در رعایت عفاف همانند مادر بزرگوارشان بی‌بدیل بود. مرحوم علامه مامقانی در این خصوص می‌نویسد: زینب علی‌ها در حجاب و عفاف یگانه است احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا او را رو در روی خویش ندیده بودند. فردی به نام یحیی مازنی می‌گوید: من در مدینه مدت زیادی در همسایگی حضرت علی علی‌ها به سر می‌بردم، اما در این مدت به خدا قسم هرگز زینب را ندیدم و حتی صدای او را هم نشنیدم. آن حضرت نه تنها در حالت عادی بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی خود به مساله حجاب و عفاف اهتمام کامل داشت.

■ گذشت و ایثار

اوج ایثار و فداکاری و گذشت دختر علی علی‌ها در روز عاشورا نیز به نمایش گذاشته می‌شود. نقل می‌کنند: صبح روز عاشورا در حالی که دو فرزند خود محمد و عون را به همراه داشت، خدمت امام حسین علی‌ها رسید و عرض کرد: جدم ابراهیم خلیل قربانی خدا را به جای قربانی شدن اسماعیل از خداوند جلیل پذیرفت. برادر جان تو نیز امروز این دو قربانی مرا بپذیر و اگر دستور جهاد از بانوان برداشته نمی‌شد، هزار بار جان خود را در راه محبوب فدا می‌کردم و هر ساعت خواستار هزار بار شهادت می‌شدم. آنگاه فرمود: دوست دارم فرزندانم جلوتر از برادرزادگانم به میدان بروند. ■



مؤلفه‌های الگوی مدیریتی حضرت زینب علیها السلام در بحران‌های چندضلعی

■ محسن رفیعی وردجانی

تعدد بحران‌هایی که حضرت زینب علیها السلام با آن روبرو بود را می‌توان در جریان عاشورا مشاهده نمود. با توجه به آنکه مهار هر یک از این بحران‌ها به تنهایی نیاز به فهم و توانمندی جدی دارد، تبدیل آنها به فرصت‌های بزرگ برای پیشبرد اهداف حق طلبانه نیز اهمیت بسیاری دارد.

منظور از بحران‌های چندضلعی آن است که شرایط به گونه‌ای باشد که چندین بحران در یک برهه زمانی یکجا و همزمان در یک واقعه بروز یابند. به جرات می‌توان واقعه عاشورا را از این دست بحران‌ها و بلکه نمونه‌ای منحصر به فرد از آن جمله دانست که در طول تاریخ نمونه‌ای برای آن یافت نمی‌شود. براین اساس، مدیریت بحران حضرت زینب علیها السلام می‌تواند الگوی ممتاز مدیریت بحران‌ها شمرده شود. اکنون با برشمردن اضلاع متفاوت این بحران در پی واکاوی قدرت مدیریتی فوق‌العاده حضرت زینب علیها السلام هستیم.

۱. توان مدیریت درونی و صبر بر مصیبت‌های شخصی

مدیریت خود در هنگام بروز مصیبت‌ها، اولین ویژگی برای مدیریت بحران‌هاست. کسی که در بحران‌ها صبر و روحیه خود را از دست دهد و منفعلانه عما کند، از ابتدایی‌ترین بایسته‌های مدیریت بحران به دور است. حضرت زینب علیها السلام داغ هجده نفر از عزیزترین اقوامش را با چشم خود دید. این مسأله به خودی خود بحران شخصی سنگینی است که نیازمند مدیریتی درونی است که شخص بتواند با این حجم از مصیبت کنار آمده و لحظه‌ای تسلط بر روح و رفتار خود را از دست ندهد. مهارتی که نشان از رشد فوق‌العاده روحی و ایمان قوی شخص دارد. تسلط بر چنین مصائبی نشان از اعتقاد راسخ فرد به مانایی آخرت، در عین اعتقاد به گذرا بودن این دنیا دارد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فَصَبْرٌ عَلَى دُنْيَا تَمُرُّ بِأَوَانِهَا كَلَيْلَةٍ بِأَخْلَامِهَا تَنْسَلِخُ؛ در برابر دنیایی که گرفتاری آن، مانند خواب‌های پریشان شب می‌گذرد شکیباً باش»

آنان که دنبال فایده‌ایمان به خدا هستند باید بدانند که اولین اثر ایمان، قدرت روحی است که از تکیه و اعتماد به قدرت بی‌نهایت خدای متعال ناشی می‌شود و در اثر آن، شخص مؤمن می‌تواند در سخت‌ترین مصیبت‌ها زمام امور خود را به دست گرفته، صحیح‌ترین انتخاب و عمل را داشته باشند، چنانکه امام علی علیه السلام در توصیف صبر

می‌فرماید: «الصَّبْرُ أَنْ يَخْتِمَلَ الرَّجُلُ مَا يُؤْتِيهِ وَ يَكْظِمَ مَا يُغْضِبُهُ؛ صبر آن است که انسان گرفتاری و مصیبتی را که به او می‌رسد تحمل کند و خشم خود را فرو خورد» البته منظور از خشم در این روایت، خشم غیرمقدسی است که موجب می‌شود انسان ناآگاهانه عمل کند و نه خشمی که در راه خدا و آگاهانه به کار گرفته شود. حضرت زینب علیها السلام بهترین خودکنترلی و صبر را در شدیدترین مصیبت‌هایی که با چشم خود نظاره کردند به ثبت رسانده‌اند. ویژگی نخست برای ما آن است که بحران‌های شخصی را به خوبی و صبورانه مدیریت کرده و بر مصایب شخصی مان صبرپیشه کنیم.

۲. هنر آماده‌سازی نیروهای داغ‌دیده و بحران‌زده

عقیله بنی هاشم، تنها مسئول خود و داغ‌هایی که بردل داشت نبود بلکه مهم‌تر از آن، به عنوان بزرگ‌تر و سرپرست قافله داغدیدگان عاشورا، وظیفه سنگین سرپرستی و پرستاری خیل یتیمان، زنان و کودکان داغ‌دیده را نیز بر عهده داشتند. زینب علیها السلام در این شرایط سخت به خوبی و با روحیه بسیار قوی که از ایمان ناب و مستحکم خود به خدای متعال و هدف مقدسی که در آن گام برداشته بود ناشی می‌شد، ضمن روحیه دادن به زنان، از کمک آنها برای مدیریت یتیمان و ضعیف‌ترها بهره برد و خود نیز از

تمام توانش در این باره استفاده کرد. یعنی در سخت‌ترین شرایط و با کم‌ترین امکانات از بازماندگانی که خود با مصیبت‌های فراوان دست و پنجه نرم می‌کردند برای مدیریت قافله سوگواران کربلا بهره برد.

۳. بحران ترور هویت و ماهیت جهاد عاشورایی

غیر از حوادث تلخی که در میدان عاشورا اتفاق افتاد و تعدد مصایب از دست دادن عزیزان برای قافله عاشوراییان را به دنبال داشت، دشمنان به دنبال روایت وارونه و مطابق با اهداف پلید و جنایتکارانه خود از حماسه عاشورای حسینی بودند و این، بحرانی به مراتب سهمگین‌تر بود که واقعه کربلا در کربلا بماند و به دنیا صادر نشود. بدتر آنکه، عاشورا را به نام پیروزی بر خروج‌کنندگان بر خلیفه تقلیل دهند یا اینکه دشمن، حماسه حسینیان را به سود خود صادر کند یا از آن چماقی سازد برای ارعاب کسانی که قیام علیه ظلم و بی‌دینی آشکار یزیدیان را در سرمی‌پروراندند. در این اثنا حضرت زینب علیها السلام همچون فرماندهی خبره در جنگ نرم و تبلیغاتی که دشمنان به راه انداخته بود نه تنها مرعوب و تسلیم این القانات پوچ نشد بلکه میدان بحران را به فرصت تبلیغ حقایق عاشورا و دمیدن روح مقاومت در دل‌های به خواب‌رفتگان و تزریق خون قیام در رگ‌های تاریخ بدل کرد و برای همین است که: کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود.



دشمنان به

دنبال روایت

وارونه و مطابق

با اهداف پلید

و جنایتکارانه

خود از حماسه

عاشورای حسینی

بودند و این،

بحرانی به مراتب

سهمگین‌تر بود

که واقعه کربلا در

کربلا بماند و به

دنیا صادر نشود



حماسه عقيله

بنی هاشم ثابت

کرد، جبهه حق،

موقعی که هیچ

کس انتظار

پیروزی آن را

ندارد از هر زمان

دیگری به فتح

سنگرهای باطل

نزدیک تراست

به شرط آنکه

ایمانی پولادین

برای روز مبادا

ذخیره کرده

باشد و حقیقتا

این، زینب

کبری (علیه السلام) بود که

یزیدیان را رسوا

نموده و از میان

تاریکی‌های

تاریخ، نور عاشورا

را برای بشریت

به منصفه ظهور

رساند و اگر او

و زینبیان تاریخ

نبودند اکنون چه

چیزی از عاشورا

و بلکه از اسلام

ناب باقی مانده

بود؟!

و اینک جمله های توفنده این شیرزن بی همتای قصه کربلا که خطاب به یزید زمان خویش چنین نهیب می‌زند: «فَکَيْدُ گَيْدُک، وَ اَاشَعْ سَغْيَک ... ای یزید هر چه نیرنگ داری به کار بند و نهایت تلاشت را بکن و هر کوششی که داری به کار گیر؛ اما به خدا سوگند [با همه این تلاش‌ها] یاد ما را [از] خاطره‌ها] محو نخواهی کرد و [چراغ] وحی ما را خاموش نتوانی نمود و به موقعیت و جایگاه ما آسیب نخواهی رساند. هرگز لکه ننگ این کار، از تو پاک نخواهد شد. رای و نظرت سست و زمان دولت تو اندک است و جمعیت تو به پراکندگی خواهد انجامید در آن روز که منادی ندا دهد: لعنت خدا بر ظالمان باد.»

حماسه عقيله بنی هاشم ثابت کرد، جبهه حق، موقعی که هیچ کس انتظار پیروزی آن را ندارد از هر زمان دیگری به فتح سنگرهای باطل نزدیک تراست به شرط آنکه ایمانی پولادین برای روز مبادا ذخیره کرده باشد و حقیقتا این، زینب کبری (علیه السلام) بود که یزیدیان را رسوا نموده و از میان تاریکی های تاریخ، نور عاشورا را برای بشریت به منصفه ظهور رساند و اگر او و زینبیان تاریخ نبودند اکنون چه چیزی از عاشورا و بلکه از اسلام ناب باقی مانده بود؟!

۱۱ دکترین شکست بحران های اقتصادی

پس از تغییر ظاهر دادن خاندان رسالت و امامت از شکل و شمایل آسمانی و شناخته شده یادگاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شمایل اسیرگونه آنان در قالب تعدادی زن و بچه داغدار، یتیم، گرسنه و تشنه که همه دارایی شان به غارت رفته، خبر از بحرانی مادی می‌داد که قافله سالار این قافله باید چاره‌ای برای آن بیاندیشد تا از این مرحله سخت، عزتمندانه عبور کنند. اینجاست که الگوی مدیریتی عقيله بنی هاشم رخ می‌نماید.

روش حضرت زینب (علیه السلام) برای تبدیل کردن این تهدید به فرصتی بزرگ در راستای هدف آرمانی قیام حسینی آن بود که نه تنها درخواستی از دشمن در مورد رفع گرسنگی نکرد بلکه کمک هایی که آورده شد را نیز نپذیرفت.

اگر بخواهیم این صحنه از رویکرد زینبی را در قرآن کریم جستجو کنیم می‌توانیم به این آیه شریفه اشاره کنیم: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است»

زینب کبری (علیه السلام) با نپذیرفتن صدقات، باب آشنایی و معرفی این کاروان نورانی به مردم را گشود و موجب شد ضمن تایید و تاکید بر عزت اهل بیت (علیهم السلام)، نقشه‌های دشمن برای مخفی نگاه داشتن هویت واقعی اسرا نقش بر آب شود و همین مسأله، مقدمه اساسی برای خروج قافله زینبی از بحران مادی ضمن حفظ عزت اهل بیت (علیهم السلام) گردید.

۱۲ آرمان ها و فرصت سازی برای هدف

اگر واقع بینانه به داستان کربلا نگاه کنیم روشن است که

شهادت امام حسین (علیه السلام) و عزیزترین اهل بیت و همزمان ایشان هزینه گزافی است که تنها در گرو امتداد هدف متعالی آنان قابل توجیه و متوازن است. یعنی باید این هدف برتر، پس از شهادت شهدای کربلا، با همان درجه و تراز دنبال شده و در هیچ صورتی تقلیل نیابد یا به فراموشی سپرده نشود. این، دقیقاً نقشی بود که زینب کبری (علیه السلام) ایفا کرد و البته کاری بس سترگ است.

دشمن پس از اعلام پیروزی در کربلا، سراغ آرمان های قیام حسینی آمد تا بلکه بتواند آن آرمان ها را منزوی و شکست خورده نشان دهد یا از غنا، طراوت و اعتلای آن بکاهد. اما مانع اصلی دشمن برای رسیدن به این هدف شوم، حضرت زینب (علیه السلام) بود که در کنار امام زین العابدین (علیه السلام)، پرچم آرمان حسینی را برافراشته نگاه داشت و نشان داد که دشمن، شادی خود را خیلی زود برگزار کرده و تصور او نسبت به پایان مبارزه کربلا و روشن شدن پیروز نهایی آن، توهمی بیش نبوده است. در واقع، محصول شیرین پیروزی نهایی را حضرت زینب (علیه السلام) برداشت نمود آنجا که در پاسخ یزید که دم از خوار ساختن اهل بیت می‌زد، فرمود: «ما رایت إلا جمیلاً؛ من جز زیبایی چیزی ندیدم.»

۱۳ راز متلاشی شدن بحران های چند ضلعی

در شرایط معمول، تبدیل شکست های بزرگ و خونین به پیروزی های درخشان و ابدی آن هم با تعدادی زن داغ‌دیده و بچه یتیم، ناممکن و غیر قابل تصویری نماید اما چگونگی پس از کربلا، حضرت عقيله بنی هاشم به این امر به ظاهر ناممکن تحقق بخشید و کاخ یزیدیان را بر سرشان خراب کرد؟

پاسخ این سؤال را از ابعاد مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد اما نکته مهم آن است که در همه این ابعاد، محوریت، با حضرت زینب (علیه السلام) است. اتفاقاً راز متلاشی شدن بحران های چند ضلعی نیز در همین نکته است.

توضیح آنکه، اگر می‌بینیم شخصیتی همچون زینب کبری (علیه السلام)، اضلاع بحران های پیش رو را در هم می‌شکند فقط یک معنا دارد و آن اینکه، بحران هایی که بر سر این بانوی نمونه و بی نظیر فرود آمد اگر چه تو در تو و چند ضلعی بود اما نه به اندازه عمق و ابعاد و اضلاع شخصیتی انسان کاملی همچون عقيله بنی هاشم. به عبارت دیگر، راز ماندگاری قیام عاشورا را فارغ از اصالت و حقانیت آن، باید در شخصیت ذوابعد و متعالی ناشر، راوی، مدافع و علمدار تصویگری کربلا یعنی خواهر حسین بن علی (علیه السلام) جستجو کرد. اگر استکبار یزیدی، در برابر تیغ بیان و روح پولادین حضرت زینب (علیه السلام) به خواری و اضمحلال می‌افتد به خاطر این است که پشتیبان مؤمنان واقعی خدای مقتدر و قهار است چنانکه می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا؛ خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند.» آری کسی که سرپرستی چون خدا دارد نه تنها می‌تواند پرستار نمونه باشد بلکه سرپرستی مؤمنان را هم خدای متعال از طریق او محقق می‌کند و زینب، دختر علی ابن ابیطالب این چنین بود. □



حضرت زینب (علیه السلام) صدیقه توانا، عقيله دودمان وحی، تربیت شده خاندان نبوت است. آنکه در بزرگواری و کرامتش بسیار سخن‌ها گفته و نوشته‌اند. او نمودار حق و جهاد در راه خدا و نگهدارنده ایمان و عقیده، قهرمان دلیری و شجاعت، جلوه فصاحت و بلاغت، شعله ستیزه‌جوی باطل و آتش افشان حق در برابر نیروهای ستمگر و کوبنده دژخیمان زورگواست. زینب (علیه السلام) تجسم زهد، ورع، علم، عفاف و شهامت و عقيله طاهره، متعلق به اخلاق الهی است. این زینب بود که راه مقاومت در برابر باطل را به امت نشان داد و فداکاری در راه خدا و چشم‌پوشی از همه چیز را در راه برافراشتن پرچم حق به همه یاد داد، در ادامه به برخی از ویژگی های خاص این بزرگ بانوی اسلام پرداخته‌ایم. ■

۱۴ هوش و ذکاوت

دراهمیت هوش و ذکاوت آن بانوی بزرگوار همین بس که خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیه السلام) در دفاع از حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غصب فدک در حضور اصحاب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایراد فرمودند، حضرت زینب (علیه السلام) روایت کرده است. در آن زمان زینب علیها السلام با اینکه دختری خردسال بود، این خطبه را که محتوی معارف اسلامی و فلسفه احکام و مطالب زیادی بود با یک مرتبه شنیدن حفظ کرد و خود یکی از راویان این خطبه بلیغه و غرا است.

۱۵ شهامت

حضرت زینب (علیه السلام) بزرگ ادامه دهنده حادثه عاشورا و دارنده دانش های دو جهان بود. رسالت راستین زینب هنگامی آغاز گردید که پس از به شهادت رسیدن امام حسین (علیه السلام) و هفتاد و دو تن از یارانش با ایراد سخنان آتشین به بیدارگری مردم کوفه و ستیز با ستمکاران و یزیدیان پرداخت. پس از واقعه خونبار کربلا نقش ایشان روند تازه‌تری یافت. آن حضرت در این دوران ضمن حضور در کاروان اسرای کربلا در برابر حکام جور قرار گرفتند و به افشاکاری ظلم و ستم وارد بر آل طه از سوی خاندان امیه پرداختند. آن حضرت در این دوران سخت با حضور در کاخ برخی حکمرانان جور زملان مانند یزید و ابن زیاد، با تاکید بر حقانیت طریق آل محمد بر سخنان و تبلیغات مسموم خاندان امیه درباره بنی هاشم خط بطلان کشیدند.

ایثار، فداکاری، صبر و بردباری، علم وسیع و دانش وافر، سخنان سنجیده و منطقی او در فرصت های حساس توأم با آن مظلومیت و ستم های جانکاهی که به او وارد آمده، از او چهره یک شخصیت بی‌نظیر، رزم‌آور، شجاع، جهادگر بی‌باک و سخنور توانا را در قلوب و اذهان ترسیم نمود که تا چرخ زمان حرکت دارد، تانسل ها در روی زمین حیات دارند و تا زمین دور خورشید می‌گردد این چراغ فروزان، نورافکن جهانیان و نسل های آینده خواهد بود.

۱۶ فصاحت و بلاغت

کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه هایی که از ایشان روایت شده، خود قوی ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار است. خطبه زینب (علیه السلام) در مجلس یزید که یکی از بزرگترین اقدامات آن حضرت، در واقعه کربلا بود دستگاه حکومت بنی امیه را به شدت لرزاند. خطبه ای که نشانه دیگری از فصاحت و بلاغت ایشان است. زینب در این خطبه خطاب به یزید فرمود: «به خدا قسم ای یزید، هر چه کردی بازگشت آن به سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود تشکافتی و جز گوشت خود ندریدی. ای یزید! در آن روزی که خداوند بدن های پاک شهیدانمان را حاضر می‌کند تا حقوق خود را از ستمگر بستانند، تو بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد خواهی شد، اما می‌دانی در چه حالی؟ در حالی که خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را زین برده‌ای.

آری ای یزید! از این پیروزی ظاهری که به دست آورده‌ای، غرق شادی مشو و آن عزیزان را که در کربلا به خاک و خون کشیده‌ای، مغلوب و مرده مپندار که خداوند می‌فرماید: «کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند مرده مپندارید. بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند.» وای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و یاورو پشتیبان اهل بیت جبرئیل باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر گردن مسلمین سوار کرده است (یعنی معاویه)، خواهد دانست که چه جانشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا در خواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست؟ و بدبختی و ضعف وزبونی شامل چه افرادی خواهد شد.» □

الگوی زن مسلمان

محمد حسین حدائق



« افراد هر جامعه همانند هر یک از اعضای خانواده نقش تعریف شده‌ای دارند و هر کدام به تناسب اهمیت جایگاه، وظیفه‌ای را برعهده خواهند داشت، اما در این

میان مهمترین نقش در جامعه را زنان عهده‌دار هستند. امروزه زنان در جوامع سه نقش مدیریت خانه، مادر بودن و فعالیت در جامعه را در کنار هم ایفا می‌کنند.

نقش زنان در طول تاریخ بسیار برجسته است برای مثال اگر در قیام عاشورا، حضرت زینب علیها السلام در راستای اثبات حقانیت حضرت امام حسین علیه السلام و اهداف بلندشان اقدام نمی‌کرد، قیام ابا عبدالله علیه السلام ناکام می‌ماند و به منظور هدف اصلی خود دست نمی‌یافت.

به عقیده بسیاری از کارشناسان مذهبی و علما، اگر اسلام با قیام امام حسین علیه السلام زنده است، سهم بزرگی از آن مربوط به زنانی است که تاریخ، مانند آن را کمتر دیده است. زنان در کربلا نشان دادند که تکلیف اجتماعی، خاص مردان نیست، بلکه آنان نیز برابر وظیفه شرعی خود باید به جریان‌های اجتماعی توجه کنند و آنجا که مسئله حمایت از دین و اقامه حق، به میان می‌آید تنها با قیام آنان میسر می‌شود و باید در صحنه حضور یابند.

در بررسی زندگی حضرت زینب علیها السلام به کلیدواژه‌هایی اساسی چون وظیفه‌شناسی، اقدام و عمل، شجاعت، روشن بینی و بصیرت، صبر و استقامت و... برمی‌خوریم که جمع شدن آنها در یک نفر، دریایی از معارف را ایجاد می‌کند. زینب علیها السلام به تمامی بشریت و خصوصا بانوان، شناخت وظیفه و عمل به تکلیف را آموخت و آنچه بر اساس روایت‌های بی‌جامانده به دست می‌آید این است که زینب علیها السلام برای حمایت و دفاع از برادر جان خود را در معرض خطر قرار داد و به عنوان یکی از یاوران امام حسین علیه السلام در صحنه کربلا حاضر شد. این در حالی بود بعضی از بستگان امام حسین علیه السلام حضور در شهر و منزل خود را به همراهی با ایشان ترجیح دادند که این خود گواه بر عظمت این بانوی بزرگ و وظیفه‌شناسی ایشان است.

درس بزرگ دیگری که از روش زندگی آن بزرگ بانوی می‌توان گرفت، شجاعت ایشان است، آن حضرت در حالی که عزیزانش را از دست داده بود و در دوره اسارت مورد آزار و اذیت‌های فراوان بود، اما در خطبه خوانی و مقابله با انحرافات به وجود آمده توسط بنی امیه از موضع عزت سخنرانی می‌نمود. به عنوان نمونه هنگامی که یزید با تمسخر و به قصد نمک پاشیدن به زخم زینب علیها السلام، گفت که شما از دین خارج شده‌اید، این بزرگ بانو فرمود: که تو و اجدادت در اصل بردین اجداد و پدر و برادر من وارد شده‌اید.

یکی دیگر از صفات حضرت زینب را باید بصیرت و روشن بینی وی دانست، رهبر معظم انقلاب در تشریح این ویژگی حضرت زینب علیها السلام می‌فرماید: «خطبه فراموش نشدنی زینب کبری علیها السلام در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست... این جور نبود که یک عده مستمع

۳۴-۳۳

در بخش زندگی سالم این شماره از «مهر و ماه» نکاتی در خصوص چگونگی برقراری ارتباط با کودکان، نوجوانان و سالمندان آورده شده است. همچنین چند نوشیدنی و خوراکی آسان و مقوی مناسب فصل پاییز و محل کار و راه‌کارهایی برای کاهش استرس و خندیدن بیشتر در طول روز پیشنهاد شده است. عناوین این بخش عبارتند از: «شراکت در لذت جستجو»، «رفتار شما با نوجوانان همانند دوستانتان باشد»، «انزوا جدی‌ترین خطری که هر سالمند را تهدید می‌کند»، «خنده‌های تمرینی پلی به لبخند حقیقی است»، «نوشیدنی گرم برای پاییز»، «۵ میان وعده اداری»، «نرمش‌های محل کار» و «چرا برخی بیش از حد نگران هستند؟»

زندگی سالم



شراکت در لذت جستجو

۶ نوشیدنی گرم برای پاییز

چرا برخی بیش از حد نگران هستند؟



روانشناس کودک نوپای خود باشید

شراکت در لذت جستجو

« کودک نوپا در حال کشف دنیا و روابط موجود در اطرافش است. به جای تعجب اینکه چطور توپ بالا و پایین می‌پرد یا جغجغه چه صدایی دارد، او کنجکاو است بداند وقتی کار خاصی انجام می‌دهد شما چطور بالا و پایین می‌پرید یا چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهید. کنجکاوی بی‌پایان او باعث می‌شود جهان اطرافش را کشف کند. بهتر است به این شرایط مثل آزمایش‌های علمی نگاه کنید، انگار که فرزندان در حال آزمایش یک نظریه است. او ناآگاهانه می‌خواهد بداند اگر شیطننت کند، مامان چه کار می‌کند؟ وقتی او شیطننت می‌کند مسلماً نمی‌خواهد شما را عصبانی کند، بلکه فقط می‌خواهد دنیای اطرافش را کشف کند و دست بر قضا شما هم جزئی از آن هستید. پس اگر کودک در حال انجام یک آزمایش علمی است، شما هم باید مانند یک معلم علوم به او واکنش نشان دهید و از خود بپرسید می‌خواهید فرزندان از این آزمایش چه بیاموزد و بعد واکنش تان را حول این هدف تنظیم کنید. نخست توجه کنید آیا می‌خواهید او چنین آزمایش را انجام دهد یا نه. اگر پاسخ نه است، می‌توانید او را از خطر دور کنید یا حواس کودکان را پرت کنید. با درپیش گرفتن رویکرد تربیتی هشیارانه شما مانع از وقوع شرایط نامناسب می‌شوید. دانشمند کوچک شما برای کشف دنیا زاده شده است. این شامل کشف درون جعبه‌ها و سبدهای خانه، فهمیدن مزه همه چیز و بازی علت و معلول طی سال‌های

آینده است.

بخش بزرگی از زندگی ما صرف واکنش به اتفاقات می‌شود. با به کارگیری رویکرد تربیت هشیارانه، ما بیشتر درباره واکنش مان و اهداف مان فکر خواهیم کرد. برخورد ما به جای منفعلانه و واکنشی، باید بیشتر مبتکرانه باشد. این کار به انرژی بیشتری نیاز دارد اما نتیجه آن پایدارتر و پرازش‌تر خواهد بود. احساسات و رفتارهایی را که می‌خواهید کودک از شما تقلید کند به او نشان دهید. کودک نوپا مقلد ماهری است و بیشترین تقلید را از شما انجام می‌دهد. والدین الگوی اصلی کودکان هستند و طی سال‌های آینده خواهید دید چه اثری ژرفی بر رشد شخصیت او دارید. برای یک لحظه به این سوالات بیاورید: دوست دارید فرزندان چه جور آدمی بشود؟ می‌خواهید نگرش او به زندگی چگونه باشد؟ آیا نحوه نگرش شما به زندگی تان الگوی خوبی برای او هست؟

زندگی همیشه آسان نیست. اما با آنکه ما نمی‌توانیم زندگی را کاملاً کنترل کنیم، اما می‌توانیم بر واکنش مان به آن کنترل داشته باشیم. وقتی فرزندان با افتخار پودر کیک را کف اتاق پذیرایی می‌ریزد می‌توانیم انتخاب کنیم که عصبانی شویم یا از آن عکس بگیریم.

بهتر است به جای عصبانی شدن عکس بگیرید! آیا دوست دارید کودک نوپای شما پودر کیک را همه جای خانه بریزد؟ البته که نه و باید با او درباره این که چرا نمی‌خواهید این کار را بکند حرف بزنید. اما با گرفتن چند عکس و حساسیت به خرج ندادن به صورت طغیان خشم؛ خلاقیت او را جشن می‌گیرید، به اعتماد به نفسش لطمه نمی‌زنید و از شگفتی‌های دنیای کودکی لذت خواهید برد. فقط تصور کنید تماشای این عکس‌ها در سال‌های آینده چه لذت و خنده‌ای را به همراه خواهد داشت!

در لذت او شریک شوید

هنگامی که کودکان خراب کاری می‌کند یک نفس عمیق بکشید و فکر کنید آیا واقعاً موضوع مهمی است و ارزش ناراحت شدن را دارد. یادتان باشد شراکت در لذت جستجوی او بسیار شیرین‌تر از عصبانیت است، چون کنکاش و جستجو در این مرحله از زندگی‌اش یک جز طبیعی از رشد و نمو است. پیشنهاد می‌شود منزلتان را به مکانی برای «آره» گفتن تبدیل کنید و در رابطه خود با فرزندان از جملات مثبت و دارای «آره» بسیار استفاده کنید. آنگاه وقتی مجبور به گفتن «نه» یا جدی بودن می‌شوید او توجه بیشتری می‌کند چون این اتفاق به ندرت رخ می‌دهد.

شما می‌توانید نگرش خود را را به دنیا و به رفتار فرزندان تغییر دهید. اگر آگاهانه تصمیم بگیرید دیدگاه روشن‌تری داشته باشید، زندگی خودتان و کودکان شادتر خواهد شد اما مهم‌تر از آن، این مهارت را به کودکان هم منتقل می‌کنید. کودک از شما تقلید می‌کند، از تمام کارهای شما، احساسات شما و خلق و خوی تان. پس تلاش کنید این موهبت را به او ببخشید که چگونه شادتر زندگی کند. □

مهارت‌های ارتباط با نوجوانان

رفتار شما با نوجوان همانند دوستانتان باشد



« دوران نوجوانی یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین دوران زندگی است و بخش عمده شخصیت در این دوران شکل می‌گیرد. اغلب والدین از نحوه صحیح ارتباط با نوجوانان آگاه نیستند و به همین دلیل کوچکترین حرف یا رفتارشان، سبب بروز واکنش‌های تند و غیرقابل پیش‌بینی از جانب نوجوان می‌شود. نحوه برقراری ارتباط کلامی با نوجوان، اولین قدم برای درک متقابل است. مهمترین تحولات جسمی و روحی در این دوران شکل می‌گیرد. در این ایام، نوجوان و والدین شاهد تغییرات اساسی در ظاهر و روان نوجوان هستند. نوجوان در تلاش است تا بین تصویری که از خود دارد و تصویری که دیگران از او دارند، هماهنگی ایجاد کند. نحوه تربیت و پرورش نوجوان از دوران کودکی، در کسب مهارت‌های مواجهه با این دوران بسیار تاثیرگذار است. از طرفی محیط خانواده و مدرسه نیز می‌تواند بستر رشد روحی و عقلی نوجوان را فراهم کند؛ یا موجب سرخوردگی او شود. از آنجایی که تمام والدین خواهان موفقیت و پیشرفت فرزندان هستند، نحوه برقراری ارتباط با آنان بسیار مهم است و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده آنها داشته باشد. در ادامه به چند نکته اساسی برای نحوه ارتباط با نوجوانان اشاره شده است:

نحوه ارتباط و گفتگو با نوجوانان

۱. به خاطر داشته باشید که در سنین بلوغ اغلب، ارتباط نوجوانان کاهش می‌یابد و اسرارشان را کمتر با والدین خود مطرح می‌کنند که این حالت بسیار طبیعی است و نباید مخالفتی با آن صورت گیرد.
۲. به حرف‌های نوجوانان گوش دهید و سعی کنید موضع آنها را درک کنید. هیچگاه برای پذیرفتن نظرات خود و قانع شدن به آنها اصرار نکنید.

۳. هنگامی که نوجوان با شما سخن می‌گوید هر کاری دارید رها کنید و به سخنان وی گوش فرادهید.
۴. هیچگاه سعی در بزرگ‌نمایی اشتباهات، ناکامی‌ها، رفتارهای ناشایست و سهل‌انگاری‌های آنان نداشته باشید و بیشتر درباره موفقیت‌ها، دلبستگی‌ها و رفتارهای شایسته نوجوان با وی به گفتگو بپردازید.
۵. در مورد فعالیت‌های مورد علاقه آنها مانند ورزش و تفریح بیشتر صحبت کنید.
۶. از نصیحت‌های مداوم و طولانی اجتناب کنید.
۷. در صورت مخالفت با نظرات آنها، هیچگاه نسبت به سخنان نوجوانان واکنش شدید نشان ندهید.
۸. سعی کنید در فرصت‌هایی مانند رساندن او به مدرسه و کمک خواستن از وی در کارهای خانه با نوجوان صحبت کنید.
۹. سعی کنید از مشاجره با او و جبهه‌گیری علیه وی دوری کنید.

توصیه‌هایی به والدین

۱. هرگز نوجوان را به زور وادار به انجام کاری نکنید، این کار باعث افزایش لجاجت و یکدندگی در وی می‌شود.
۲. اگر کمکی از وی خواستید و در حال انجام آن، متوجه شدید ناراضی است، ناراحت نشوید زیرا وی از این طریق آتش خشم خود را خاموش می‌کند. بهتر است این رفتار وی را نادیده بگیرید.
۳. گاهی کوچک‌ترین سؤال والدین، نوجوان را ناراحت می‌کند، حتی پرسش ساده‌ای مانند خوش گذشت؟ ممکن است موجب شود جواب سربالایی از وی بشنوید؛ در این زمان از دست او دلخور نشوید زیرا بی‌تردید ناراحتی وی از جای دیگری است و بی‌حوصله بودن در این سن طبیعی است.
۴. اگر نوجوان شما دعوتان را برای رفتن به میهمانی رد کرد یا علاقه‌ای نداشت با شما باشد دلخور نشوید.
۵. نوجوان ترجیح می‌دهد کارهایش را به کمک دوستانش انجام دهد تا به کمک والدین و یا سایر اعضای خانواده.
۶. مخالفت، سماجت، لجاجت، سرکشی و علاقه به استقلال از علائم طبیعی دوران نوجوانی هستند، پس اگر نوجوان در زمینه‌ای با شما مخالفت کرد ناراحت نشوید.
۷. از طرح پرسش‌های تکراری خودداری کنید زیرا در غیر این صورت سخنان شما از این گوش شنیده و از گوش دیگر بیرون خواهد شد.
۸. در صورت مشاهده عدم وابستگی و صحبت نکردن نوجوان با والدین ناراحت نشوید.
۹. رفتار شما با نوجوان همانند دوستانتان باشد تا وی ارتباط بهتری با شما برقرار کند.
۱۰. لیستی از خواسته‌های فرزند نوجوان خود تهیه کرده و مجازات‌های مربوط به عدم اجرای آنها را نیز مشخص کنید تا مسئولیت‌پذیری در وی تقویت شود و کسی غیر از خود را مسئول دریافت پاداش یا مجازات نداند. □

۱۲ کلید کلی ارتباط با سالمندان

انزوا

جدی ترین خطری که هر سالمند را تهدید می کند

رفتار خوب با سالمندان و محبت به آنها و نگهداریشان و انجام کارهای آنها کمترین کاری است که می توانیم برای آنها انجام دهیم. محبت به سالمندان از جمله بارزترین و برجسته ترین نشانه های اخلاق و انسانیت است. زیرا محبت به سالمندان مانند محبت به همسر دوطرفه نیست و مانند محبت به کودکان شیرین و جذاب هم نیست بلکه متحمل زحمت و شاید آزار و اذیت هم باشد. بنابراین حسن رفتار ما با سالمندان ملاک انسانیت و نمره اخلاق است.

اصلاح رفتار: اگر بداخلاقی سالمندان عارضه پیری باشد مثلا در اثر بیماری های این دوران یا معلول احساس بی کفایتی به خاطر از دست دادن کار و همکاران یا به خاطر احساس مزاحمت و سربار بودن و از این قبیل باشد، با فراهم آوردن شرایط بهتر و با تلقین مفید و رحمت بود نشان در خانواده می توانید بدخلقی هایشان را چاره کنید. اما اگر بد خلقی جزء رفتارشان هست، توجه داشته باشید که مامور تربیت سالمندان نیستیم. هر چند اگر هم بودیم چندان موفقیتی به دست نمی آوردیم. دوران پیری دوران تثبیت خلیات و ملکه شدن عادات است. تغییر اخلاق و رفتار کسی در دوران پیری تقریباً بعید است. تنها کاری که می توانیم بکنیم این است که از ایجاد تنش جلوگیری کنیم. با مدارا و حفظ آرامش می توانیم به راحتی با آنها کنار بیاییم. اصرار نداشته باشید تا چیزی را به ایشان اثبات کنید. اگر مهربان باشید و حسن نیت نشان دهید به خاطر رقت قلبی دوران سالخوردگی خیلی زود به شما وابسته می شوند. اگر خوش بین باشید و با باورهای منفی کار را برای خود سخت نکنید با سالمندان بداخلاق هم می توانید دوست شوید و فضای خوبی را در خانواده ایجاد کنید.

چگونگی صحبت: صحبت با سالمندان باید در کمال آرامش، واضح، بدون کنایه و در جهت هدایت و کمک باشد. هرگونه سرزنش و بی احترامی، دنیای درون آنها را آشفته می کند و در روابط با اعضا خانواده تاثیر منفی می گذارد. جدی ترین خطری که هر سالمند را تهدید می کند منزوی شدن و دوری از اطرافیان و جامعه است.

حفظ روابط اجتماعی: حمایتی که از روابط اجتماعی سالمندان با خانواده، دوستان، بستگان و همکاران ایجاد می شود به حفظ سلامت روانی سالمندان کمک می کند.

برقراری ارتباط: در هنگام صحبت کردن با آنها، کمتر صحبت کنیم و بیشتر گوش کرده و اجازه دهیم او صحبت کند. در ارتباط با آنها احساس همدلی و همدردی کنیم.

ایجاد محیط آرام: استرس باعث اختلال در تفکر، حافظه و خلق فرد می گردد، لذا باید از بروز تغییر حالت های روحی ناگهانی در آنها پیشگیری کرد. اطرافیان بایستی از اظهار اخبار

ناگهانی و اتفاقات ناخوشایند خودداری کنند.

فعالیت شغلی: بین از دست دادن شغل و احساس رضایت و مفید بودن رابطه متقابل وجود دارد و این یکی از پیامدهای منفی سالمندی است، که باید به آن توجه خاص داشت.

نگاه مثبت: سالمندی که احساس می کند، زندگی گذشته خود را هدر نداده است در خود احساس کمال خواهد کرد. سالمندان بایستی به خوبی های اطرافشان فکر کنند و با افراد و فعالیت های که دوست دارند، وقت بگذرانند.

حفظ حافظه: برنامه ریزی برای انجام امور روزانه به حافظه فرد کمک می کند. استفاده از یادداشت، مشخص

کردن کارها، گذاشتن وسایل مانند کلید در جای مشخصی کمک کننده هستند.

سازگاری با تغییرات: تغییرات دوران سالمندی تاثیرات عمیقی بر زندگی و سلامت روان او دارد.

در صورت از دست دادن افراد و یا چیزهایی که وابستگی به آنها دارد، سلامت روانشان تهدید می گردد و در صورتی که شخصیت فرد انعطاف پذیر باشد، توانایی سازگاری با این تغییرات بیشتر خواهد بود.

درمان اختلالات جسمانی: اختلالاتی از قبیل بینایی و شنوایی بایستی در سالمندان با دادن عینک و سمعک کاهش یابد و هرگونه بیماری جسمی سریع تشخیص و درمان شود.



اصرار نداشته

باشید تا چیزی را

به ایشان اثبات

کنید. اگر مهربان

باشید و حسن

نیت نشان دهید

خیلی زود به شما

وابسته می شوند

محیط اطراف: موقعیت خانوادگی سالمند از نظر محل زندگی و وسایل منزل بایستی مورد علاقه او باشد. سالمندان علاقمندند موقعیت زمانی خود را بدانند لذا بایستی تقویم و ساعت دیواری در اتاق آنان نصب باشد. سالمندان باید به مسائل اجتماعی بی تفاوت نبوده و هرروز به اخبار رادیو و تلویزیون گوش کنند. تغذیه، خواب، بهداشت، پوشاک و تفریح سالمند باید مورد توجه قرار گیرد.

افسردگی: افسردگی از شایعترین و جدی ترین مسائل احساسی و عاطفی در سنین سالمندی است. مواردی از قبیل: ورزش منظم، فعالیت های فکری و اجتماعی، مورد احترام جامعه و خانواده بودن و حفظ نقش سالمند به عنوان راس هرم در سیستم خانواده، در پیشگیری از افسردگی موثر است. □





آشنایی با ورزش خنده

خنده‌های تمرینی پلی به لبخند حقیقی است

■ فرزاد طباطبایی



ورزش کردن اثرات مثبتی بر جسم و روح افراد دارد. ورزش خنده نیز انجام حرکات ورزشی با هدف ترویج خنده عمدی یک سری حرکات بدنی و تمرینات تنفسی تحریکی است که ابتدا خنده را شبیه سازی می‌کند اما پس از یک جلسه تمرین به زودی به خنده واقعی تبدیل می‌شود. ایده اصلی ورزش خنده به لحاظ تمرینی این است که بدون هیچگونه تحریک طنزی بخندید. اما در نظر داشته باشید ذهن نباید خنده شما را تقلبی تفسیر کند. هدف اصلی آن مقابله با استرس، اضطراب و افسردگی ناشی از دنیای مدرن است. باین مطلب همراه باشید تا ببینید چطور می‌توانید از خنده‌های تمرینی به لبخند حقیقی برسید و استرس و افسردگی را از خود دور کنید.

ارتباط خنده با ورزش

برای درک ارتباط بین خنده و ورزش، باید ایده واقعی ورزش خنده را درک کنید. این نوع از ورزش به طور کلی بر کنترل ذهن و بدن تمرکز دارد و به شما می‌آموزد تا ذهن، بدن و روح را با آگاهی مشترک همه مخلوقات متحد کنید. به عبارت ساده‌تر ورزش خنده به شما کمک می‌کند تا با جامعه و جهان پیرامون خود ادغام شوید. خنده یک پدیده ذهنی و بدنی است و عملی است که به شما می‌آموزد که بر روند خندیدن کنترل داشته باشید. ورزش خنده به تمرین کننده کمک می‌کند تا از طریق خندیدن یک رابطه ورزش بین ذهن و بدن برقرار کند. خنده‌ای که می‌تواند فراتر از بلوک‌های احساسی و فکری قرار گیرد و آگاهی ما را به حوزه معنوی ارتقا دهد.

فواید ورزش خنده

تعداد کمی از تکنیک‌های بدن و ذهن به اندازه ورزش خنده دارای مزایای قوی هستند. ورزش خنده می‌تواند برای کاهش اضطراب، متغیرهای ضربان قلب، خلق و خوی و سلامت عمومی مفید باشد.

فواید روانی

خنده می‌تواند هورمون‌هایی مانند اپی نفرین، نوراپی نفرین، دوپامین، کورتیزول، سروتونین و HGH را تنظیم کند. ترکیب این هورمون‌ها مسئول استرس و مشکلات جسمی مختلف ناشی از استرس است. فواید روانی آن شامل درمان افسردگی، حملات وحشت و اختلالات اضطرابی است.

مزایای آمادگی جسمانی

ورزش خنده می‌تواند به شما در آمادگی جسمانی نیز کمک کند. گردش خون و اکسیژن رسانی را بهبود بخشد. از دیگر مزایای فیزیکی این ورزش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بهبود قلبی عروقی، از جمله کنترل فشار خون

عملکرد تنفسی بالاتر

بهبود عملکرد سیستم عصبی خود مختار

تحریک پذیری اندام‌های گوارشی

تقویت سیستم ایمنی بدن

درمان و پیشگیری از بیماری‌هایی چون دیابت،

برونشیت، آسم و سایر بیماری‌های مزمن

رشد شخصیت

تمرینات ورزشی خنده

برای شروع ورزش خنده کشش لب‌ها و کف زدن با هدف

کاهش سطح مهار انجام می‌شود. سپس با چند تمرین

تنفس عمیق و تکرار «ها هه»، «هو هو» دنبال می‌شود. این

تمرینات حالت تهویه ریوی و عضلانی را برای خنده بهبود

می‌بخشد. درست قبل از شروع تمرینات خنده، تمرین

کنندگان باید چند تمرین بازیگوش کودکانه را انجام دهند.

رایج ترین تمرینات ورزشی خنده

«**خنده سلام و احوال پرسی**»: به هنگام ورود به جمع که

در حال تمرین گروهی با آنها هستید با خنده سلام کنید و

خود را معرفی کنید.

«**با خنده دست دادن**»: به دوستان خود در تمرین با لبخند

دست بدهید و بخندید.

«**خنده میلک شیک**»: به این صورت که وانمود کنید در هر

دست یک لیوان نوشیدنی دارید. سپس وانمود کنید که

یک لیوان را در لیوان دیگر می‌ریزید و سپس وانمود کنید که

آبمیوه می‌نوشید و بخندید.

«**خنده تلفن همراه**»: در حالی که وانمود می‌کنید گوشی

تلفن همراه در دستتان هست بخندید.

«**خنده قبض کارت اعتباری**»: در حالی که وانمود می‌کنید

قبض کارت اعتباری خود را نشان می‌دهید بخندید.

«**فقط بخندید**»: وانمود کنید که کسی به شما نزدیک

می‌شود و دلیل خنده شما را می‌پرسد و سپس شما با خنده

به شیوه‌ای پاسخ می‌دهید: «من نمی‌دانم چرا می‌خندم».

«**خنده مشاجره**»: حرکات فیزیکی شبیه مشاجره با اعضای



.....

وانمود کنید که

کسی به شما

نزدیک می‌شود

و دلیل خنده

شما را می‌پرسد

و سپس شما با

خنده به شیوه‌ای

پاسخ می‌دهید:

«من نمی‌دانم چرا

می‌خندم»

گروه انجام دهید مانند انگشت اشاره و دست را تکان دادن، اما در عین حال خندیدن.

«**خنده خاموش**»: دهان خود را کاملاً باز نگه دارید اما بدون

هیچ صدایی بخندید.

«**خنده گرادیان**»: خنده از یک لبخند شروع می‌شود و

سپس به آرامی در یک شیب به یک انفجار خنده به شکل

قهقهه افزایش می‌یابد.

«**خنده یک متری**»: هنگام اندازه‌گیری یک متر با هر دو

دست بخندید.

«**خنده سوپ داغ**»: زبان خود را بیرون بیاورید و وانمود

کنید که با تکان دادن دست، دهان خود را خنک می‌کنید،

مانند خوردن یک سوپ داغ.

«**خنده شوک الکتریکی**»: برای دست دادن با یکی از

اعضای گروه دستتان را جلو ببرید سپس وانمود کنید که

دچار برق گرفتگی شده‌اید، سپس از تعجب بخندید. □



۲. نوشیدنی لاته چای ترش

با عصاره گل رز:

یک مکعب سه سانتی زنجبیل
دو کیسه چای هیبیسکوس یا ترش
یک دوم قاشق غذاخوری دارچین
یک قاشق غذاخوری شیرین کننده
یک فنجان شیر و کمی جو دوسر
یک دانه غنچه گل محمدی
دو قطره گلاب

یک سوم فنجان آب
چای ترش دارای خواص کاهنده قند و فشارخون
همچنین کلسترول است.

این چای برای داشتن کبدی سالم و درمان
گرفتگی ها بسیار موثر است. ضد افسردگی است
و تشنگی را تا حد زیادی کاهش می دهد از این
جهت در بین ورزشکاران بسیار محبوب است
و دارای خواص ضد پیری است. یک نوشیدنی
دلپذیر که برای قبل از خواب بسیار مناسب
است.

۳. چای کلاسیک

سه قاشق غذاخوری چای سیاه
هفت سانت زنجبیل تازه نازک
یک دوم قاشق غذاخوری عسل
یک غلاف هل سبز
دو چوب دارچین
چند دانه میخک
۳ فنجان شیر
۳ فنجان آب

زنجبیل دارای ۱۷ خاصیت مختلف همچون
از بین برنده جای زخم و لک، آنتی هیستامین
طبیعی و مناسب برای درمان آنفولانزا و اکسیر
جوانی و برطرف کننده درد عضلات است.

گیاه هل دارای خواص درمانی بیماری هایی
چون افسردگی، دیابت، سلامت دهان، افزایش
اشتها و کاهش فشار خون است.

دارچین نیز برای جلوگیری از آلزایمر و عفونت،
تقویت عملکرد بدن و درمان بیماری های قلبی،
گردش خون و سردرد بسیار مناسب است.

۶ نوشیدنی گرم حاوی شیر و مواد مقوی برای پاییز

پیشنهاد می کنیم برای فصول سرد سال چند مدل نوشیدنی گرم یاد بگیرید تا گاهی انها را
تهیه کنید و در کنار اعضای خانواده میل کنید. بسیاری از گیاهان در طبیعت وجود دارند که
با وجود خواص فراوان شاید برای بسیاری از ما نا آشنا باشند و از خواص فوق العاده انها غافل شویم.
در ادامه با ما همراه باشید تا طرز تهیه چند دمنوش پاییزی را بخوانیم.

۱. شیر خامه ملایم

این نوشیدنی مناسب با ترکیبات طبیعی اش
خواب و آرامش را تقویت می کند.

یک فنجان شیر گرم
یک عدد مغز گردو خورده شده
یک قاشق غذاخوری گیاه پروانه نخودی به
صورت پودر

یک قاشق غذاخوری شربت افرا
یک چهارم قاشق غذاخوری دارچین
یک چهارم قاشق چایخوری پودر آشواگاندا
گیاه آشواگاندا دارای خواص فوق العادی است
که در درمان فشار، استرس، خستگی، کمبود
انرژی، دشواری در تمرکز تاثیر فوق العادی دارد به
گونه ای که هندی ها به آن جیسینگ می گویند.
گیاه پروانه نخودی دارای خواص فوق العاده ای
در زمینه استحکام مو، درخشان کننده پوست،
درمان مشکلات ادراری، بهبود بینایی، تحریک
گردش خون، سم زدایی بدن، منبع آنتی
اکسیدان، کند کننده روند پیری، افزایش سیستم
ایمنی بدن و عاری از کافئین است. شربت افرا
نیز به عنوان نوعی شیرین کننده طبیعی مانند
عسل استفاده می شود. این شربت داری ۲۴
نوع آنتی اکسیدان است و خواص ضد پیری و
جلوگیری از سرطان دارد. همچنین برای درمان
سرماخوردگی بسیار مناسب است.



۲. لاته عصاره اسطوخودوس

دو قاشق غذاخوری اسطوخودوس
یک قاشق غذاخوری عسل
یک قاشق غذاخوری عصاره وانیلی
سه چهارم لیوان شیر
یک فنجان آب

گیاه اسطوخودوس برای بیماری های سینه،
سرفه و گیاه مقوی برای ضد عفونی کردن و درمان
آسم است. در خواص مفرح، تقویت کننده بدن،
قلب، مغز، احشا و اقوای ظاهری و باطنی بدن،
بازکننده گرفتگی های عروقی و مسهل بلغم و
سودابه خصوص سودای مغز است.

۳. نوشیدنی شیر وانیلی

یک قاشق غذاخوری جوانه بابونه یا دو کیسه
چای بابونه
دو قاشق غذاخوری جوانه های اسطوخودوس
یک قاشق غذاخوری شربت عسل یا افرا
یک چهارم قاشق غذاخوری عصاره وانیل
یک دوم لیوان شیر
عصاره وانیل دارای ۲۷ خاصیت شگفت انگیز از
جمله سرشار بودن از مواد معدنی، ضد افسردگی،
دارای عامل ضد باکتری، دارای آنتی اکسیدان،
ضد التهاب، کاهش کلسترول و ضد سرطان
است. این نوشیدنی آرام بخش، به داشتن
خواب شبانه خوب کمک می کند.

۵. نوشیدنی شیرینفش

یک قاشق غذاخوری پودر میوه اژدها
دو فنجان شیر بادام
دو قاشق غذاخوری شربت افرا
یک عدد هل
یک دوم قاشق غذاخوری دارچین
یک عدد مغز گردو خورده شده

یک چهارم قاشق غذاخوری عصاره وانیل
شیره بادام کم کالری و سرشار از ویتامین E است
و همچنین منبع خوبی برای دریافت کلسیم
و دارای فسفر و مقدار کمی پتاسیم است. میوه
اژدها از شاخه میوه های توت مانند است و
خاستگاهش آمریکای مرکزی است. این میوه
خواصی چون تقویت سیستم ایمنی بدن، درمان
یبوست، افزایش زیبایی پوست، پیشگیری از
سرطان و بیماری قلبی و کلسیم و فسفر را دارد.
این نوشیدنی؛ نوشیدنی سنتی آمریکای مرکزی
است و خواص دارویی بسیاری دارد. □



۵ میان وعده اداری

■ نیلوفر شه دوست

« آیا بارها در طول روز و در هنگام کار احساس گرسنگی می‌کنید؟ طبیعی است. شما در حال کار کردن هستید و خسته می‌شوید و برای تأمین انرژی، لازم است در طول مدتی که در محل کار هستید، به بدن‌تان انرژی برسانید. خوردن میان وعده‌ها در طول روز، در صورتی که انتخاب‌هایی سالم و مقوی در اختیار داشته باشید، اصلاً ایرادی ندارد. میان وعده‌های سالم با حجم و مقدار مناسب برای شما مفید هم هستند. در این مطلب از میان وعده‌های سالم و خوشمزه‌ای گفته‌ایم که در محل کار می‌توانید نوش جان کنید. بعضی از آنها را باید در یخچال نگه دارید یا در مایکروویو گرم کنید، اما نمونه‌های ساده‌تر و بی‌درد سر هم وجود دارد. با ما همراه باشید تا طرز تهیه چند میان وعده ساده را بیاموزید.

۱. حمص و هویج

حمص را از نخود و روغن کنجد درست می‌کنند. به همین دلیل، سرشار از پروتئین و منبعی غنی از فیبر و چربی‌های سالم است. هویج هم ماده‌ای سرشار از ویتامین A و پتاسیم است. ترکیب حمص و هویج می‌تواند میان وعده‌ای خوشمزه و مقوی باشد. درباره کالری این میان وعده‌ها هم باید گفت، نصف فنجان حمص دارای ۲۰۰ کالری است و ۸ عدد هویج کوچک فقط ۳۰ کالری دارد. خوردن حمص با چپیس یا نان پیتا هم ایده خوبی است. نان پیتا در فروشگاه‌ها به صورت بسته‌بندی وجود دارد اما اگر چنین چیزی را پیدا نکردید، نان لواش هم گزینه خوبی است. در کنار حمص، به جای هویج، می‌توانید از سبزیجات دیگر مانند کرفس، بروکلی و گل کلم هم استفاده کنید. مصرف حمص می‌تواند باعث کنترل انسولین و قند خون شود، ضمن اینکه در مدیریت وزن هم نقشی مؤثر دارد.



۲. ساندویچ‌های کوچک

یک ساندویچ بزرگ که جای میان وعده را نمی‌گیرد، این طور نیست؟ خیر! چنین چیزی مصداق بارز ناهار کامل است. پس بهتر است به عنوان میان وعده به سراغ ساندویچ‌های کوچکی بروید که پراز سبزیجات هستند، نان‌شان از غلات کامل درست شده و در آنها ورقه‌ای نازک از گوشت یا مرغ (انتخاب با شماست) به کار رفته است. چنین ساندویچی هم سرشار است از مواد معدنی و ویتامین‌ها و هم کالری اندکی دارد که عدد آن به ۳۰۰ هم نمی‌رسد. در ساندویچ‌تان، با نانی از غلات کامل، گزینه‌های مختلفی می‌توانید به کار ببرید: لایه‌هایی از میوه‌ها، کره بادام زمینی و...



۳. سیب و کره بادام زمینی

سیب و کره بادام زمینی ترکیبی مانند خوردن میوه و آجیل است اما تفاوتش با خوردن میوه و آجیل، به طور ساده، در این است که شما را سیرتر می‌کند و خوشمزه‌تر است. سیب حاوی مقادیر زیادی فیبر است و به شکل‌های متنوعی مانند برشته، در انواع تارت، یا به شکل مربا، آب سیب و... در میان وعده‌های متنوع به کار می‌رود. سیب را با کره بادام زمینی یا بادام ترکیب کنید و هیچ‌گونه شکر را هم به آنها اضافه نکنید، چون واقعاً به شکر نیازی نیست. نتیجه این ترکیب میان وعده‌ای عالی است که می‌توانید در محل کار و در زمان استراحت نوش جان کنید.



۴. ماست و میوه

ماست می‌تواند یکی از عناصر مطلوب هر رژیم غذایی باشد اما اگر با ماست ترکیباتی حاوی شکر درست کنید، دیگر با میان وعده‌ای سالم روبه‌رو نخواهید بود. یک کاسه کوچک ماست یونانی با میوه‌های تازه میان وعده‌ای سالم و مقوی است. ماست و میوه حاوی مقادیر قابل توجهی پروتئین، کلسیم و پریبیوتیک‌ها است. این میان وعده خوشمزه و سالم فقط ۱۰ کالری دارد و اضافه کردن اندکی عسل، پیکن یا گردو معمولی به ماست و میوه از آن میان وعده‌ای خوش طعم و عالی می‌سازد. باید بدانید که یک فنجان ماست یونانی منبعی غنی برای تأمین پروتئین غیرگوشتی است و معادل حدود ۲۰۰ گرم سینه مرغ بدون استخوان پروتئین دارد.



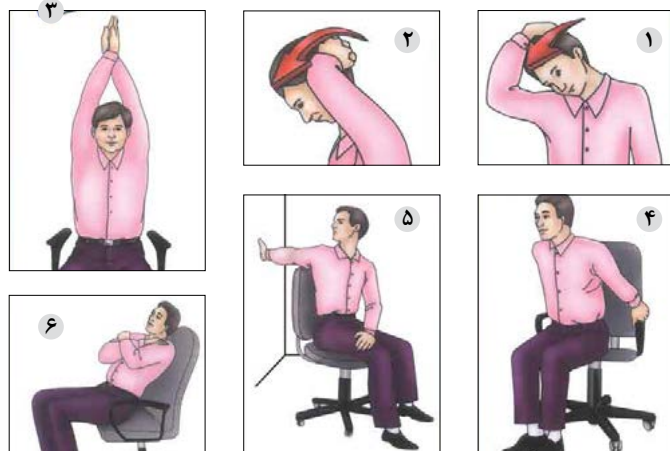
۵. کیک برنجی

کیک برنجی سبک و کم‌کالری است و می‌توان آن را با مواد غذایی مختلف ترکیب کرد. برای خوردن میان وعده‌ای سالم در محیط کار، کیک برنجی را با چیزی مانند سالاد تخم مرغ همراه داشته باشید. دو عدد کیک برنجی با یک چهارم پیمانه سالاد تخم مرغ حدود ۸ گرم پروتئین، ۲۶۰ کالری و مقادیر زیادی روی، سلنیوم و منیزیم دارد. علاوه بر سالاد تخم مرغ، با کیک برنج می‌توانید ماست ساده و میوه‌هایی مانند انواع توت، لیموترش یا پنیر و گوجه فرنگی خرد شده بخورید. ■



نرمش‌های محل کار

■ مهدی فیروزی



به سمت بالا بکشید؛ سه ثانیه نگه دارید و این کار را به هر دست، سه بار تکرار کنید.

۴. با کشش مچ و ساق پا، احساس خستگی و بی‌حالی در پاهایتان را کم کنید. یک پا را از زمین بلند کنید و صاف نگه دارید؛ مچ پا را با بالا آوردن نوک انگشتان پا به سمت بالا بکشید؛ مچ پا را با پایین آوردن انگشتان پا به سمت پایین بکشید؛ ده بار این کار را انجام دهید و بعد با پای دیگر تکرار کنید؛ سپس با انگشتان پا یک دایره بکشید، پا را در جهت عقربه‌های ساعت و سپس در خلاف جهت عقربه‌های ساعت حرکت بدهید؛ همین کارها را با پای دیگر تکرار کنید.

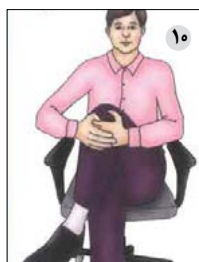
۱. حرکات دستگاه فتوکپی

تصور کنید باید صدها برگ کپی بگیرید و این یعنی اینکه دقایق زیادی را باید پای دستگاه کپی تلف کنید. اما می‌توانید به جای گذران بی‌فایده‌ی وقت، با انجام چند حرکت تونوس ماهیچه‌ای و قدرتی پا، از این دقایق گرانبها کمال استفاده را ببرید.

۱. با بلند کردن و تاب دادن پا، می‌توانید ماهیچه‌هایتان را تقویت کنید و در ضمن از وزن بدن‌تان هم برای تقویت پایی که روی آن ایستاده‌اید، استفاده می‌کنید. در این حالت بهتر است دستگاه کپی را نگه دارید تا تعادل‌تان را حفظ کنید. تازه اگر متوجه شدید کسی نزدیک می‌شود، می‌توانید سریع بایستید و وانمود کنید که مثل بقیه در حال اتلاف وقت هستید!

۲. پای راست‌تان را از پشت یا پهلو بلند کنید و صاف نگه دارید؛ آن را به آرامی پایین بیاورید؛ جهت را عوض کنید؛ در همان وضعیت، زانو را خم کنید؛ به مدت سی ثانیه پا را به جلو و عقب تاب بدهید؛ این کارها را پای چپ هم تکرار کنید.

۳. ضربه زدن به ماهیچه‌های ران و بالا آوردن ساق پا، عضلات ران و ساق پا را به کشش درمی‌آورد. صاف و راست روی یک پایتان بایستید؛ تلاش کنید با پاشنه پای دیگر به لگن ضربه بزنید؛ این کار را به هر پا ده بار تکرار کنید؛ سپس پاشنه‌ها را از زمین بلند کنید؛ آهسته آنها را روی زمین بگذارید؛ این کار را ده بار تکرار کنید. ■



« فکر کنید عاشق شغل‌تان هستید. یکی از همین شغل‌هایی که ساعت ۸ و ۹ صبح باید پشت میزتان باشید و تا ساعت ۴ و ۵ بعد از ظهر هم همان جا بنشینید. شاید برای‌تان جالب، چالش برانگیز و ارزشمند هم باشد، اما واقعیت این است که پشت میز نشینی می‌تواند برای سلامتی بسیار مضر باشد، بنابراین انجام ورزش در محل کار ضروری به نظر می‌رسد. استرس در محیط کاری از آسیب‌هایی است که کارهای اداری به همراه دارند. بر اساس نتایج یک تحقیق ۲۹ درصد از کارمندان استرس شغلی شدیدی را تجربه می‌کنند. این مسئله می‌تواند به افسردگی، بیماری‌های قلبی و عروقی، کمبود انرژی و سایر مشکلات مرتبط با سلامتی منجر شود. مسلماً همه ما می‌دانیم که برای مقابله با اثرات نامطلوب این طور شغل‌ها باید ورزش کنیم، اما مگر وقت پیدا می‌شود؟ اینجاست که ورزش‌های ویژه محیط کار، کمک می‌کنند تا بیشترین استفاده را از زمان محدودتان داشته باشید. با ما همراه باشید تا چند نرمش و حرکت فوق‌العاده مختص محل کار را به شما معرفی کنیم.

۱. حرکات کششی

آن جلسه‌هایی که معمولاً اول صبح برای بررسی روند کار روزانه برگزار می‌شوند، فرصت خوبی هستند که چند حرکت کششی ساده انجام بدهید و عضلات‌تان را برای ورزش در محل کار آماده کنید.

۱. آهسته سر را به سمت شانه خم کنید؛ ده ثانیه نگه دارید؛ همین حرکت را برای طرف دیگر انجام بدهید. سپس برای رها شدن از درد، افزایش انعطاف و اضافه کردن قدرت، شانه‌هایتان را شل کنید.

۲. شانه‌ها را در حرکتی دایره‌وار به سمت جلو بچرخانید؛ سپس شانه‌ها را در حرکتی دایره‌وار به سمت عقب بچرخانید و این کار را ده بار تکرار کنید.

۳. قبل از کار با کامپیوتر برای آمادگی بیشتر مچ دستانتان؛ درحالی‌که کف دست رو به پایین است، دست را به سمت جلو بکشید و با دست دیگر، انگشت‌ها را به سمت پایین بکشید؛ سه ثانیه نگه دارید؛ سپس انگشت‌ها را



چرا برخی بیش از حد نگران هستند؟

« برخی افراد دارای خلق و خوی نگران هستند و همیشه احتمال وقوع اتفاقات ناگوار را پیش بینی می کنند. تصور می کنند اگر به تعطیلات بروند اتفاق بدی در خانه آنها خواهد افتاد یا در سفرها اتفاق بدی برای آنها یا خانواده شان پیش خواهد آمد یا اگر با شریک زندگی شان بحث کنند همیشه به بدترین حالت فکر می کنند. این افراد معتقدند که اگر امور را تحت کنترل خویش در نیاورند، حوادث ناگوار دیگری برایشان اتفاق خواهد افتاد و نمی توانند آن را کنترل کنند. آنها در مورد کار و وسایل مربوط به شغل شان دارای نگرانی هستند و مدام به این موضوع فکر می کنند که نکند مرا اخراج کنند، همچنین در مورد تصمیم گیری های مهم زندگی شان مانند ازدواج دچار پریشانی فیزیکی هستند که در آخر منجر به انتخاب راه های ناسازگارانه برای مقابله با نگرانی هایشان می شود. به تدریج این نگرانی ها در افرادی که بیش از حد نگران هستند منجر به بیماری های روان تنی می شود. آنها در قسمت های مختلف بدن خود دردهای عضلانی بیشتری را تجربه می کنند. نگرانی های بیش از حد باعث مشکلات در گوارش، تند شدن ضربان قلب، خستگی های شدید، سردردهای مداوم، ناتوانی در تمرکز و خشکی دهان می شود.

برخی تصور می کنند با نگرانی می توانند تمام جوانب ماجرا را بسنجند. این افراد معمولاً کار خود را نمی توانند کنترل کنند و تم تهدید و خطر دارند. آنها دچار خطای شناختی فاجعه سازی هستند. یعنی با دیدن هر اتفاقی آن را به بدترین شکل ممکن تعبیر و تفسیر می کنند. آنان فکر می کنند با نگرانی می توانند با مشکلات مقابله کنند. برخی از دلایل این وضعیت ناشی از موارد زیر است:

تجارب کودکی

تجارب کودکی می توانند زمینه ساز نگرانی هایی در بزرگسالی شود. به این صورت که بچه ای که در کودکی زیاد مریض شده یا تصادف یا مرگ عزیز ی را از نزدیک تجربه کرده، دچار این باور مرکزی می شود که خودش، دنیا و دیگران و آینده جای ناامنی هستند. این افراد به تدریج در برابر هر موقعیتی که قرار می گیرند علائم فیزیولوژیکی را تجربه می کنند و رفتارهای ایمنی بخش انجام می دهند تا اضطراب خود را کاهش بدهند. آنها دچار چرخه ای باطل می شوند که نهایتاً فرسایش را برایشان به دنبال دارد.

اختلال پس از سانحه

نگرانی بیش از حد یا اختلال استرس پس از سانحه نیز در ارتباط است. اختلال پس از سانحه بعد از وقوع حوادث دردناک برای خود یا یکی از عزیزان رخ می دهد. اگر این اختلال درمان نشود به تدریج منجر به نگرانی بیش از حد می شود. نگرانی بیش از حد شدید تر و گسترده تر از اختلال پس از حادثه است.

مشکلات شناختی

برخی افراد تصور مثبتی در مورد نگرانی دارند. آنان اینگونه می اندیشند که نگرانی یعنی راه حل پیدا کردن برای مشکل یا دستیابی به هدف، فکر می کنند نگرانی باعث بهتر کنار آمدن با واقعیت و حتی باعث عدم وقوع اتفاقات ناخوشایند می شود. در یک کلام نگرانی را این طور تفسیر می کنند که یعنی ما انسان های مسئولیت پذیری هستیم. یکی دیگر از دلایل نگرانی فرایندهای شناختی افراد است. کسانی که اطلاعات مبهم را تهدید کننده ارزیابی می کنند، دچار دلشوره و استرس می شوند. آنها برای هر چیزی به اطلاعات بیشتر نیاز پیدا می کنند تا خیالشان راحت شود.

وسواس فکری

افرادی که وسواس فکری مداوم دارند و نمی توانند آن را کنترل کنند دچار نگرانی هم می شوند. تفاوت بین این اختلال این است که وسواس های فکری افکار عجیب و غریب و بی مورد هستند و به صورت ناخواسته به ذهن خطور می کنند و بیشتر به یک مورد خاص مربوط می شود. در حالی که در نگرانی افکار به رویدادهای واقعی زندگی محدود می شوند. اگر وسواس های فکری درمان نشود به تدریج زمینه بروز نگرانی های بیش از حد را هم فراهم می کند.

افسردگی و نگرانی بیش از حد

نگرانی بیش از حد با برخی اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب پس از حادثه و وسواس های فکری در ارتباط است. نگرانی های بیش از حد و ترس از اتفاقات ناگوار به تدریج منجر به بروز افسردگی می شود چرا که افسردگی نوعی احساس پوچی است که امید خود را به زندگی از دست می دهد. اما افسردگی تفاوت هایی با نگرانی های بیش از حد دارد از جمله اینکه فردی که بیش از حد نگران است متمرکز بر رویدادهای آینده است اما در افراد افسرده محتوای شناخت بر رویدادهای گذشته متمرکز است. □

۴۶=۴۶



در این بخش از مهر و ماه با توجه به مناسبت های آذرماه مطالبی با موضوعات؛ ناگفته هایی از زندگی مبارز جنگل میرزا کوچک خان جنگلی، دیدگاه و عملکرد آیت الله مدرس در برخورد با دین گریزان مجلس ملی و حکومت پهلوی و فعالیت های شیخ مفید در پایه گذاری اندیشه سیاسی شیعه آورده شده است. عناوین بخش تاریخ شامل: «مبارزی شاعر پیشه»، «قانون در برابر آشوب» و «پایه گذار اندیشه سیاسی شیعه» است.

تقویم تاریخ



مبارزی شاعر پیشه

قانون در برابر آشوب

پایه گذار اندیشه سیاسی شیعه



به مناسبت ۱۱ آذر سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

مبارزی شاعرپیشه

■ محمدرسلول دریا گشت

« سال‌ها پیش در یکی از کتابفروشی‌های رشت کتاب کوچکی دیدم و خریدم که «تاریخ مکمل جنگل» نام داشت. مؤلف آن حاج سیدصفای موسوی خود را ساکن و اهل گوراب زرمخ که ستاد و مرکز عملیات نظامی جنگل بوده معرفی کرده و اشاره می‌نماید که آنچه در این کتاب آمده همه را حضورا شاهد و ناظر بوده یا از اهالی محل مذکور که مطلع در امور نهضت جنگل بوده‌اند پرسیده و ضبط کرده است. این کتاب یکصد و بیست صفحه‌ای، به قطع رقعی مطالبی پراکنده از پیدایش نهضت جنگل و شکل‌گیری آن؛ معرفی بعضی چهره‌های انقلاب جنگل و نقل خاطرات آنان مانند ناصرالاسلام ندامانی، حسن خان معین‌الرعا، برخورد جنگلی‌ها با انگلیسی‌ها، متن نامه کیکاچنکوف به میرزا و پاسخ میرزا به آن نامه، و نقل بعضی خاطرات از خود مولف را در بر می‌گیرد.

سی صفحه از این کتاب به «ادبیات روزنامه جنگل» اختصاص دارد. اشعار نقل شده که طی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ هجری قمری توسط سخنوران نامور مانند: حیدرعلی کمالی، میرزا علی‌اکبرخان قزوینی، اشرف‌الدین حسینی گیلانی، حسین کسمائی و عارف

قزوینی سروده شده بود و در روزنامه جنگل چاپ شده است. تعدادی هم اشعار متفرقه گیلکی آورده شده است. در میان این صفحات چند قطعه شعر کوتاه، اغلب دو بیتی و نه چندان دلچسب منسوب به میرزا کوچک خان چاپ شده که نسبت به صحت آن باتوجه به محتوای اشعار تردید باید کرد، به ویژه آنکه جای ضبط و چگونگی ماخذ آن اشعار هم معین نشده بود.

میرزا و شاعری؟!

در سال ۱۳۶۵ قمری از شادروان ابراهیم فخرایی همکار فرهنگی میرزا کوچک خان که آن موقع در قید حیات بودند راجع به این اشعار و اصولا اینکه آیا میرزا کوچک خان شعر هم می‌گفته است یا خیر سؤال کردم. آن مرحوم طی یادداشتی چنین جواب داد: «بله گهگاه شعر می‌گفته، آن هم طردالباب و درایام جوانی، مرثیه به هیچ‌وجه... او طبع روان نداشت ولی قسمتی از اشعارش در روزنامه دامون (سال اول، ۱۳۵۹ق، شماره ۱۲) درج شده است. قسمت دیگری از اشعار فارسی و گیلکی آن مرحوم در جزوه‌ای به نام «سرود سبز سپیداران» از انتشارات ارشاد اسلامی رشت منعکس است.»

جزوه مذکور را که به مناسبت شصت و سومین سالگرد شهادت میرزا در رشت چاپ شده بود و نیز دوره کامل روزنامه دامون را دیدم. آنچه در جزوه کوچک ۳۸ صفحه‌ای سرود سبز سپیداران از اشعار میرزا کوچک خان در صفحات ۱۵ و ۱۶ آمده بود، شامل یک غزل هفت بیتی و یک دوبیتی است که عینا در روزنامه دامون قبلا به چاپ رسیده بود. معلوم شد این دو قطعه شعر را میرزا به خط خود به شادروان حاج شیخ یوسف نجفی گیلانی از مجتهدین آزادی‌خواه، که ظاهرا استاد و مدرس میرزا کوچک خان به هنگام تحصیل در یکی از مدارس حاج حسن یا جامع رشت به یادگار داده بود. شاعر فاضل گیلانی؛ فریدون نوزاد که رونوشت این اشعار نزد وی است آن را جهت چاپ در اختیار روزنامه دامون گذاشته بود که چگونگی ضبط و نسخه برداری این اشعار را چنین مرقوم کرده بود: این غزل به خط خود آن مینویی روان در میان اوراق دانشور گرانمایه، مجتهد آزاده پاک‌اندیش حاج شیخ یوسف نجفی گیلانی موجود بود که توسط حضرتشان به مخلص ارانه گردید و فی‌المجلس نسخه برداشتم. امید آن است که فرزندان شادروان نجفی گیلانی این اثر نفیس را با توجه به ارزش تاریخی آن حفظ کرده باشند.»

در انتهای نامه فریدون نوزاد اشاره‌ای هم شده است به یک دو بیتی زیبا و دلنشین دیگر به گویش گیلکی از میرزا که گویا نزد شادروان حاج اسماعیل دهقان بوده است. غزل سروده میرزا کوچک خان و دوبیتی مذکور با ترجمه فارسی جهت آگاهی خوانندگان عینا نقل می‌شود.

گوهر کجی در عالم بودی چو ابرو انش

دیگر تو راستی را یکسر نما نهان

با آه آتشینم، از آب دیده نبود

یا سوختی دو گیتی، یا غرق آبدانش

بین در کمان کمین کرد دل را به تیر مژگان

ارجان بود هزارم، باد ابدان نشانش

در زیر تیغ تیزش، شادم بزد سرم را

آزرم دارم آن دم، خونین شود بنانش

از دوری جمالش، تن را نگر چه سان شد

چون کاه می‌کشاند، موری در آشیانش

می‌خواستم مثالش اندر دو دیده بندم

لیکن نخست نقشی، وهم من از میانش

«گمنام» را نخستین، بُد نامی و نشانی

همچون تو نامور کرد، گم‌نامش و نشانش

«این غزل که در ایام تحصیل در مدرسه گفته شده بود و به عنوان یادگار تقدیم حضرت حاج شیخ گردید. جمعه ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۸ میرزا کوچک»

در پایان غزل اشاره شده است که تخلص میرزا در شاعری «گمنام» بوده است. همچنان که قبلا اشاره شد انتساب اشعار ضبط شده در صفحه ۹۲ کتاب «تاریخ مکمل جنگل» منسوب به میرزا قابل تردید و پذیرفتنی نیست و اینجا هم اشاره‌ای بدان نمی‌شود، به خصوص با توجه به محتوای آن یقینا نمی‌توان از میرزا بوده باشد، اما در صفحه ۹۵ همین کتاب یک بیت پس از آوردن شعر سید ابوالقاسم لیمونجوئی خطاب به میرزا کوچک خان و در جواب شعر وی نقل نموده و قبل از بیت نوشته است «میرزا کوچک خان خود شاعر نبود و به وسیله اسماعیل دهقان یکی از جنگلی‌ها که از شعرای گیلان بود در جواب نوشت:

از تواریخ و سیر آموختم دستور روشن

مرد حزم اول کند اندیشه، بعد آهنگ دشمن

جمله بالا به صورتی نقل شده که خواننده می‌پندارد شعر را باید خود میرزا گفته باشد. شادروان ابراهیم فخرایی در کتاب سردار جنگل داستان مذکور را به این صورت مرقوم داشته: «لیمونجوئی یکی از قراء تابعه رودسراست و سید ابوالقاسم لیمونجوئی که امام جماعت و شخص متمکنی است مردی است آزادی‌خواه و در کسوت روحانیت که برادرش وثوق الممالک عسکری در عداد مجاهدین جنگل مشغول خدمتگزاری است. امام جمعه لیمونجوئی از توقف طولانی جنگلی‌ها در صفحات گیلان خسته شده و آرزومند است که نهال انقلاب با همه خون‌های گرمی که برای آبیاریش ریخته شده است به ثمر بنشیند و زندگی عادی مردم شهری و دهات توام با آسایش و رفاه و عاری از هیجان و دلهره آغاز گردد، لهذا نامه منظومی که مشحون از ترغیب و تشویق و در عین حال متضمن ملامت و سرزنش است برای میرزا کوچک خان می‌فرستند:

خاک ایران توتیا شد زیر سم اسب دشمن

تا به کی ای شیر نمودی تو اندر بیشه مسکن

میرزا در صدد بر می‌آید که پاسخ امام را به نظم بدهد، اما چون شاعر نیست، به شاعر ملی اسماعیل دهقان که این زمان در جنگل بود مراجعه می‌کند. نامبرده جوابی تنظیم می‌نماید که بدین مطلع آغاز شده بود:

از تواریخ و سیر آموختم دستور روشن

مرد حزم اول کند اندیشه بعد آهنگ دشمن



میرزا کوچک خان

به ادبیات و

فرهنگ ایران

عشق می‌ورزید و

به اشعار حماسی

علاقه‌مند بود و

به مناسبت‌های

مختلف شعر

می‌سرود و به

دوستان هدیه

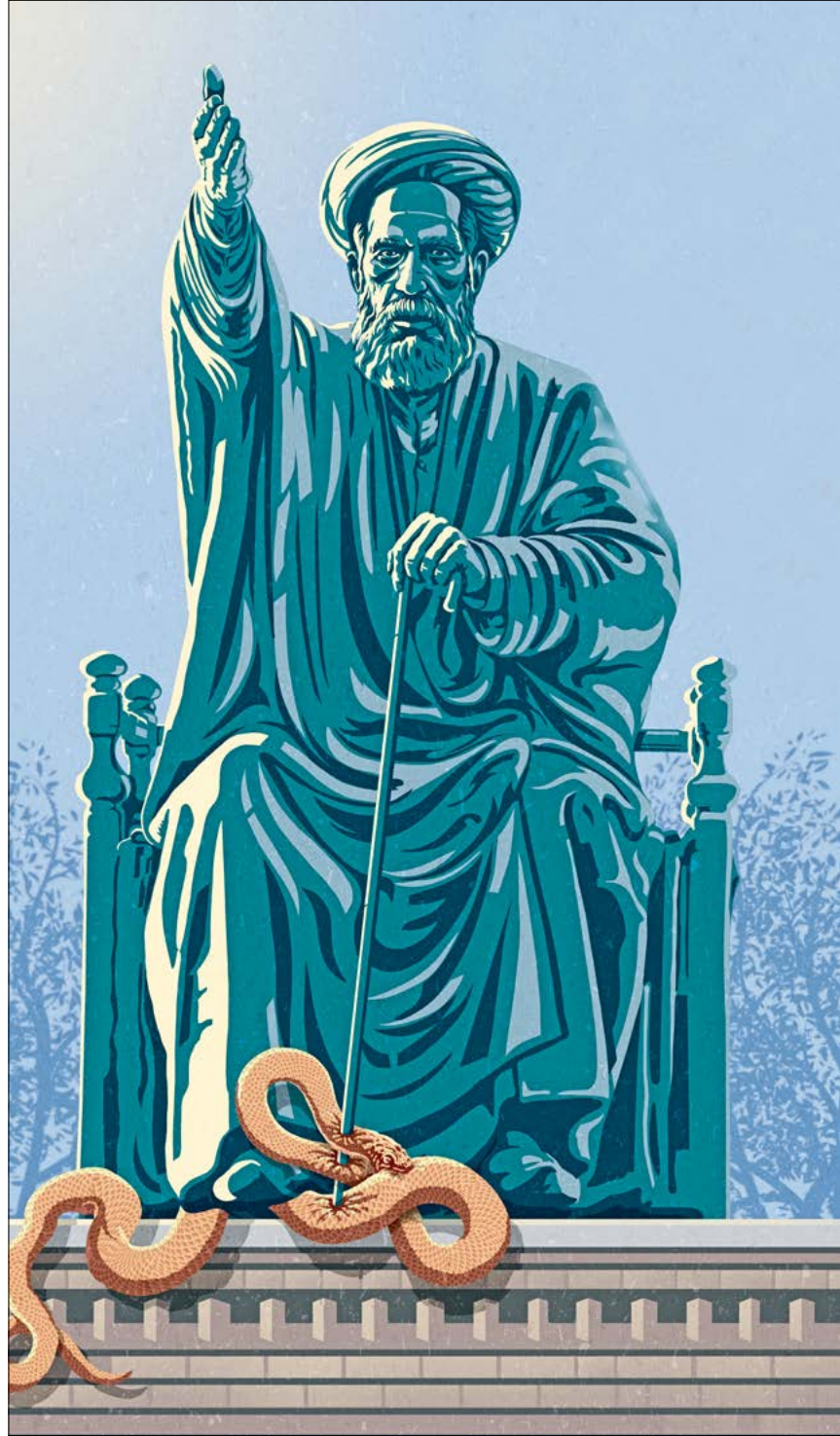
می‌داد

متأسفانه بقیه ابیات به یاد نماند و در دیوان مرحوم دهقان نیز که به اهتمام فرزندش فریدون در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید ملاحظه نگردید.

طبعاً شعرگویی میرزا کوچک خان به همین مختصر ختم نمی‌شود، به ویژه آنکه در صحنه شاعری تخلص «گمنام» هم داشته است، چه بسا اشعاری از میرزا با همین تخلص نزد دوستان و یاران و خانواده آنان مانده باشد که باید روزی یافت و برای ثبت در تاریخ چاپ شود.

میرزا کوچک خان به ادبیات و فرهنگ ایران عشق می‌ورزید و معلوم گشت طبع شاعری هم داشته و به اشعار حماسی علاقه‌مند بوده و یقیناً به مناسبت‌های مختلف شعر می‌سروده و به دوستان هدیه می‌داده است. در این زمینه با یادآوری جمله‌ای از نوشته شادروان ابراهیم فخرایی در کتاب «سردار جنگل» این بحث را به پایان می‌بریم:

«به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت، به طوری که در گوراب زرمخ مرکز تأسیسات نظامی جنگل جلسات منظمی برای قرائت شاهنامه و تهییج روح سلحشوری افراد ترتیب داده بود.» □



دوم آذر سالروز شهادت آیت‌الله سیدحسین مدرس در تقویم جمهوری اسلامی ایران «روز مجلس» نامیده شده است. شاید پیوند خوردن نام مجلس و مدرس از این رو اهمیت دارد که ایشان به حق توانست نظام پارلمانتاریستی و قانون‌گذاری ایران را معنا بخشد. باید توجه داشت که مدرس در تمام دوره‌های حضورش در مجلس شورای ملی، شاخص‌ترین نماینده بود. به نظر می‌رسد بررسی تحولات و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی ایران در دوران مشروطیت تا اوایل دوره سلطنت و حکومت رضاشاه بدون پرداختن به نقش و جایگاه شهید مدرس، ناتمام می‌ماند؛ ازاین‌رو به مناسبت سالروز شهادت آیت‌الله سیدحسین مدرس و روز مجلس در ادامه یادداشت کوتاهی را می‌خوانیم. ■

به مناسبت شهادت مدرس و روز مجلس

قانون در برابر آشوب

■ رضا سرحدی

«تعارض به احترام به مذهب در مقابل وفاداری به آن»

اولین مرحله از ستنی‌هنگی مدرس و سردار سپه در مجلس حول مذهب و وفاداری به آن می‌چرخد. در مشی سیاسی مدرس دین نقش به‌سزایی داشت. معروف بود که او در استدلال‌های خود به ادله فقهی و شرعی کمتر استناد می‌کرد. در حقیقت مدرس از تظاهر به دین و مذهب در مجلس روی‌گردان بود، لیکن در محتوای نظرات او و نیز در برخی گفتارهایش، توأم بودن دینت و سیاست را به‌عینه می‌توان ملاحظه کرد.

داده‌های ناظر به توأم بودن دینت و سیاست در اندیشه مدرس و استفاده از آن در مجلس در مسیر قدرت‌یابی «سردار سپه» به سلطنت نمود پیدا کرده و می‌توان آن را پیگیری کرد. عمده این درگیری بر سر قائله جمهوری‌خواهی رضاخان پدیدار شد؛ جایی که رضاخان به واسطه سرکوب شورش‌های محلی و برقراری امنیت به چهره مسلط در صحنه سیاسی ایران تبدیل شده و به‌عنوان نامزد اشغال جایگاه ریاست جمهوری نام برده می‌شد. مخالفت با جمهوری تنها از سوی سلطنت‌طلبان و محافظه‌کاران ابراز نمی‌شد، بلکه روحانیان و به‌ویژه آیت‌الله مدرس نیز به مخالفت با آن برخاسته بودند؛ بنابراین جمهوری‌خواهی به ضدیت با اسلام تبدیل شد.

روحانیون قم اعلامیه‌ای مبنی بر ممنوعیت نظام جمهوری در اسلام صادر کردند. آیت‌الله مدرس در صحن مجلس با

اطاله کلام مانع از رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگانی شد که گفته می‌شد با حمایت رضاخان انتخاب شده بودند و قصد طرح موضوع جمهوریت را در مجلس داشتند، تظاهراتی به رهبری روحانیان برپا گردید و نزاع‌هایی در باغ مجلس شورای ملی در بهارستان میان جمعیتی حدود پنج‌هزار نفر با نیروهای دولتی درگرفت. بدین ترتیب موج جمهوری‌خواهی شروع به فرونشستن کرد و رضاخان که هرگز عمیقاً به این جنبش دل‌بستگی نداشت خود را از کسانی که او را در آن جهت سوق می‌دادند جدا کرد و بی‌درنگ در ۶ فروردین برای رایزنی با آیت‌الله حائری، آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی به قم رفت. او سپس در ۱۲ فروردین ۱۳۰۳ بیانیه‌ای خطاب به مردم صادر کرد که در آن جمهوری مغایر با اسلام اعلام شده بود.

در چنین شرایطی سردار سپه به خود آمد که در مقابل حریفی غیر معطف بر سر عقیده قرار گرفته و باید قدرت او را به رسمیت شناسد. قدرت مدرس اعتقادات و تظاهرات مذهبی بود که از مجرای مجلس عملی می‌ساخت و جامعه را به تحرک وامی‌داشت؛ از این رو سیاست عاقلانه، برای مرد قدرت‌طلبی مثل سردار سپه حکم می‌کرد که برای دستیابی به قدرتی که بر فراز جامعه ایران برای خود متصور بود از خواسته جمهوری‌خواهی دست بکشد.

■ آشوب در مقابل مهار قانونی

هر چه سردار سپه بیشتر قوت می‌گرفت نزاع او و آیت‌الله مدرس گسترده‌تر و جدی‌تر می‌شد. از آنجاکه حریف سردار سپه نماینده‌ای در مجلس بود، او نیز برای مهار قدرت چنین حریفی به ناچار باید مجلس و سازوکارهای آن را هدف قرار می‌داد. در سال ۱۳۰۳ با کشته شدن کنسول آمریکا در تهران، سردار سپه حکومت نظامی در پایتخت برقرار کرد، مخالفت مدرس با او به اوج رسید و طرح استیضاح دولتش را به مجلس داد. روز تاریخی استیضاح رسید، (۲۷ مرداد) معتقدین به مدرس که آن روز حاضر شده بودند خیلی در اقلیت بودند؛ زیرا از یک طرف هنوز منظره سرنیزه‌ها و شمشیرهای روز «جمهوری‌خواهی» و سرو دست‌های شکسته در خاطره بود و از سوی دیگر در خود مجلس هم مدرسیان یار زیادی نداشتند؛ زیرا وکلا اکثریتشان سردار سپه‌ی بودند و به تماشایان هم غالباً از اکثریت بلیت ورودی داده شده بود.

در حوالی ساعت ۱۰ صبح مدرس عصا به دست به مجلس آمد و از همان بدو ورود تعزیه شروع شد. مزدوران از دم در، طبق دستور شهربانی شروع به جنجال کردند و بنای اهانت نسبت به مدرس گذاشتند. صداهای قالبی «مرده باد مدرس» تمام صحن مجلس را پر کرد. چند نفر هم «زنده باد مدرس» می‌گفتند و صدایشان در غلغله مخالفین مستهلک می‌شد. این امر باعث شد مجلس صبح تشکیل نشود. از استیضاح‌کنندگان عده‌ای بنا به احتیاط ناهار را در مجلس ماندند و عده‌ای از جمله خود مدرس و کارزونی و حائری‌زاده بدون واهمه به طرف منزل‌های خود رفتند که عصر بازگردند. در راه عده‌ای از همان چماقداران روزمزد



تلاش‌های

مدرس برای

حفظ مجلس و

قدرتمند ساختن

آن پس از آغاز

سلطنت رضا شاه

دقیقاً نقطه‌ای

بود که رضا

شاه در جهت

عکس آن عمل

می‌کرد؛ یعنی

تضعیف جایگاه

مجلس؛ از این

رو می‌توان چرایی

داخلت ارتش

در انتخابات به

فرمان رضا شاه را

درک کرد. مدرس

عقیده داشت که

مجلس شورای

ملی در صورتی

می‌تواند مقاومت

کند که همه

وکلائش صاحب

عقیده، محکم،

اسلامی و

وطن‌خواه باشند

تا ملت نیز موافق

و پشتیبان آن

گردند

تقویم تاریخ

به آن سه نفر حمله کردند. مدرس را در نزدیک مسجد سپهسالار کتک زدند و کارزونی را سخت مجروح کردند؛ به طوری که در خانه افتاد و نتوانست به مجلس بیاید. بعد از ظهر آن روز مجلس تشکیل شد، ولی مقدمه صبح، سرنوشت استیضاح را روشن کرده بود و واضح بود که رای اعتماد به نفع دولت تمام خواهد شد. مدرس نیز صلاح ندید که استیضاح برگزار شود و تنها به ملک‌الشعرا که ناهار را در مجلس مانده بود نوشت که به جای استیضاح شرح وقایع قبیح صبح را در جلسه علنی بگوید و تکلیف استیضاح را به وقت مناسب‌تری محول نماید.

■ حفظ مجلس در مقابل کنترل مجلس

با به قدرت رسیدن رضاخان و تغییر به «رضا شاه»، قدرت او فزونی گرفت. اکنون مدرس کوشید با نگاهی مصلحت‌اندیش حداقل مجلس را برای مقابله‌های جزئی با رضا شاه حفظ کند؛ بنابراین روش مبارزاتی خود را عمدتاً معطوف به استفاده از تریبون مجلس شورای ملی کرد. مدرس معتقد بود بعد از خراب شدن استبداد هر کس که خودش را قابل وکالت مجلس شورای ملی بداند بر او واجب است قبول کند. در این زمینه او سعی می‌کرد با استفاده از وجهه سیاسی و مذهبی خویش در انتخاب نمایندگان اصلح دخالت کند. مدرس می‌کوشید از پایگاه مجلس اولاً بر مصوبات و قوانین آن تأثیر بگذارد و از سوی دیگر با قدرتمند ساختن مجلس، دولت را تحت کنترل و نظارت درآورد و با اقتدار بی‌حد و حصر نظامیان شاه مقابله کند. به عقیده او با رسمیت یافتن سلطنت پهلوی، مجلس تنها نقطه قضا و قدر و تنها امید خواهد بود.

تلاش‌های مدرس برای حفظ مجلس و قدرتمند ساختن آن پس از آغاز سلطنت رضا شاه دقیقاً نقطه‌ای بود که رضا شاه در جهت عکس آن عمل می‌کرد؛ یعنی تضعیف جایگاه مجلس؛ از این رو می‌توان چرایی دخالت ارتش در انتخابات به فرمان رضا شاه را درک کرد. مدرس عقیده داشت که مجلس شورای ملی در صورتی می‌تواند مقاومت کند که همه وکلایش صاحب عقیده، محکم، اسلامی و وطن‌خواه باشند تا ملت نیز موافق و پشتیبان آن گردند. نگرانی مدرس به جا بود؛ چرا که در دوره رضاشاه به تدریج مجلس از نقش جدی و تعیین‌کننده‌اش بازداشته شده و به جامه‌ای تزئینی تبدیل شده بود که عریانی حاکمیت نظامی را می‌پوشاند. یکی از نخست‌وزیران بعدها تصدیق کرد که شاه اصرار داشت که کار قوه مقننه، فقط مهرتایید زدن بر اقدامات قوه مجریه است؛ بنابراین مجلس به نهادهای تشرفاتی تبدیل شده بود.

آیت‌الله مدرس به درستی تشخیص داده بود که راه مبارزه با رضا شاه از مجرای تقویت مجلس و برقراری تعادل بین قوه مقننه و قوه مجریه می‌گذرد؛ چرا که به تدریج رضا شاه مصلحت‌اندیشی را کنار گذاشت. در این هنگام که دوره نمایندگی مدرس نیز به اتمام رسیده بود و دیگر از مصونیت قضایی برخوردار نبود به روستایی دورافتاده در خراسان تبعید و سرانجام به شهادت رسید. ■



به مناسبت ۹ آذر روز بزرگداشت شیخ مفید

پایه گذار اندیشه سیاسی شیعه

|| حجت الاسلام محمدجواد یآوری

« شیخ مفید رحمته الله بعد از رحلت استاد بزرگوارشان مرحوم شیخ صدوق رحمته الله و قبول مسئولیت زعامت شیعیان به عنوان مرجع تقلید، وضعیت موجود جامعه شیعه را به دقت رصد می کند، نیازهای جامعه شیعه را می بیند و بررسی و تحلیل می کند و از سوی دیگر، آسیب ها و بحران های تشیع را به دقت ملاحظه و برای رفع هر یک از این مشکلات برنامه ریزی می نماید. اولین برای حل مسائل و مشکلات و برای راحت نمودن دسترسی شیعه به باورها و اعتقادات صحیح و اصيل شیعه نمایندگانی را در مناطق مختلف قرار می دهد و تعیین می نماید. به عنوان مثال شیخ مفید در صاغان مشهد، ساری مازندران، دینه ورو شامات نماینده تعیین می کند و مجموعه شبهات سوالات و نیازهایی که جامعه شیعه در آن مناطق دارد را دریافت می نماید و مردم به واسطه این نمایندگان، سوالات و پرسش ها و نیازهای خود را برای شیخ مفید می فرستند که این اقدام جناب شیخ مفید رحمته الله یکی از کار کردهای بسیار مفید از سوی نهاد مرجعیت آن روز بوده است که بعدها به واسطه همین سوالات و شبهات و پاسخ هایی که وی می دهد کتبی از سوی جناب شیخ تألیف می شود که از جمله آن کتب می توان به کتاب المسائل الصاغانیه، المسائل الخوارزمیه و... اشاره نمود.

اعزام مبلغ به مناطق شیعه نشین

مسئله تبلیغ باورهای شیعه در آن دورانی که بنی العباس حاکم بر جامعه هستند بسیار سخت و مشکل بوده است. در آن دوره ای که مذهب و مکتب خلفای عباسی به جای اسلام راستین ترویج می شود، شیخ مفید رحمته الله مبلغانی به مناطق مختلف شیعه نشین، که حتی تعداد اندکی شیعه داشتند، می فرستد تا باورهای شیعه را برای مردم بیان کنند و جامعه شیعی و تشیع را حفظ می کند. در سیره و سنت شیخ مفید رحمته الله، پاسخ به سوالات و شبهات در محافل علمی و فقهی مرکزیت حکومت آن روز یعنی بغداد به وفور اتفاق افتاده است. مهمتر از مباحثات علمی از جانب شیخ مفید، تلاش و اقدامات تحسین برانگیز و فوق العاده در تولید محتوا جهت تبیین باورها و عقاید صحیح امامیه است. در اواخر عمر شریف جناب شیخ مفید رحمته الله، شاهد تألیف کتاب «اوایل المقالات» هستیم که جناب شیخ در این کتاب، مرامنامه و باور نامه شیعیان را بیان می کند. در این کتاب هم عقاید و باورهای صحیح شیعیان و هم باورهای ناثواب معتزله، اشاعره و دیگر نحله های فکری به دقت بیان می شود.

اندیشه سیاسی شیعه

اولین کسی که در تاریخ شیعه بعد از عصر غیبت، در کتب فقهی، فقه سیاسی را مطرح می نماید شیخ مفید رحمته الله است. وی در کتاب مهم «المقنعه» برای اولین بار فقه سیاسی شیعه را تبیین می کند و روایاتی که ناظر به حکومت فقیه در عصر غیبت است را به خوبی تبیین می نماید. حکومت و مشروعیت آن و اینکه چه کسی حق حکومت دارد را تعریف می کند و در ادامه می گوید: «امام سلطان اسلام است و فقیه جانشین سلطان اسلام است». حکومت بنی العباس را به طور جدی نقد نموده و آن را زیر سوال می برد و حتی دولت شیعی آل بویه را که در آن دوره در خدمت آل عباس هستند را نیز نقد می کند و حتی کارویژه هایی برای حکومت آل بویه تعریف می کند و خطاب به آنان می گوید: شما باید حق مردم را بگیرید، اسلام را پیاده کنید و با کسانی که به اسلام آسیب می زنند جهاد کنید، امر به معروف و نهی از منکر نمائید و در واقع شرح وظایفی برای مجموعه دولتمردان شیعه، معلوم و مشخص می نماید که مبتنی بر فقه و اندیشه سیاسی است.

مبارزه با شبهات و انحرافات درباره مهدویت

پس از شروع غیبت کبرای امام عصر علیه السلام در سال ۳۲۹ هجری قمری و طولانی شدن غیبت حضرت، در میان شیعیان شبهاتی به وجود آمد که موجب تهدید باورها و اعتقادات شیعه شده و می رفت تا زمینه ساز بحران های سیاسی و اجتماعی گشته و جامعه شیعه را دچار تشتت نماید. در این زمان جناب شیخ مفید رحمته الله کارویژه دیگری را برای نهاد مرجعیت تعریف می کند و به مسئله مهدویت به صورت جدی می پردازد و جریان ظهور، علائم و نشانه های ظهور حضرت و شبهاتی که پیرامون مهدویت است را در قالب چند کتاب و از جمله کتاب «الفصول العشره فی الغیبه» راه نگارش در می آورد و مسئله ای را که می رفت تا به بحران برای تشیع آن روز بدل شود به فرصتی مغتنم تبدیل کرد. □

۵۲=۶۲



در بخش فرهنگ و هنر این شماره از مهر و ماه به مناسبت اکران فیلم های «خورشید» و «تومان» نقد و بررسی درباره این دو فیلم را می خوانید. سپس معرفی کتاب های «چه کسی ماشه را چکاند»، «اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه»، «دییپورت»، «زیر سایه نخل»، گفتگویی با نویسنده کتاب «آقای سالاری و دخترانش» و نقد و بررسی کتاب «نگاهبان» را برای شما آماده کرده ایم و در ادامه مطلبی با عنوان «برهوت زندگی زدگی» به قلم محمد بلخی به مناسبت زادروز جلال آل احمد را می خوانید. آخرین مطلب این بخش آشنایی با پلتفرم آموزشی «آموزا» است.



قمار زندگی

می خواهیم رویای روزهای بهتر را برای مردم رقم بزنیم

روایت سیل پشت سد مخاطب

« فرهنگ و ادب



شروع می‌شود و به بیان دیگر، اتفاق برانگیزنده در فیلمنامه (زمین خوردن یونس از اسب) با تأخیری یک ساعته در فیلمنامه به وقوع می‌پیوندد؛ فیلم تا پیش از بروز این حادثه برانگیزنده عموماً در حال ارائه اطلاعات و جزئیات غیرضروری است که به پیشبرد دراماتیک فیلمنامه در طول و عرض خود کمک چندانی نمی‌کنند. جهان روایی فیلم برای مخاطب عام نامأنوس، غیر ملموس و فاقد جذابیت است و چه بسا مخاطب خاص نیز به سختی بتواند با اتمسفر داستان ارتباط برقرار کرده و با روایت نعل به نعل فیلمنامه همراه شود. لحن گنگ و غیرجذاب روایت پردازی «تومان» مانع از آن می‌شود تا مخاطب درگیر و پیگیر قصه فیلمنامه شود.

فیلم آخر مرتضی فرشباف همچنین اثری بی‌جهت طولانی و کشدار است که اساساً ظرفیت دراماتیک فیلمنامه‌اش هرگز به اندازه‌ای نیست که بتواند مخاطب را بیش از ۲ ساعت روی صندلی سینما بنشاند؛ فیلمنامه غیرجذاب و بدون کشش «تومان» خیلی زود حوصله مخاطب را سر می‌برد و دیری نمی‌پاید که تجربه تماشای فیلم در سینما نزد تماشاگر به وضعیتی کسالت‌بار تبدیل می‌شود.

«تومان» فیلمی برآمده از گرایشات شبه روشنفکرانه فیلمساز است که برای مخاطب عام ساخته نشده و چه بسا فاقد عنصر ارتباط با کسر قابل توجهی از مخاطبان خاص سینما نیز باشد. ساخت آثاری چون «تومان» نشان می‌دهد که سینمای موسوم به شبه روشنفکری همچون سینمای آبگوشتی که همواره مورد تعریض و هجمه جدی سید شهیدان اهل قلم؛ مرتضی آوینی بود، کماکان بر سرفرهنگ و هنر سایه انداخته است؛ آوینی بارها در نوشته‌ها و گفته‌های خود این دو جریان سینمایی را تقبیح کرده بود. □

«تومان» و نمایش ناقص عواقب شرط‌بندی

قمار زندگی

«تومان» دومین ساخته بلند سینمایی مرتضی فرشباف در کسوت کارگردان است. فرشباف که سابقه ساخت فیلم سینمایی بهمن را در کارنامه کاری خود دارد، این بار به سراغ موضوعی عجیب و غیرمنتظره رفته است. «تومان» روایتگر ماجرای کسالت‌بار دورهمی‌های چندین جوان متفتن، بی‌قید و سرخوش است که صرفاً از راه قمار و شرط‌بندی امرار معاش کرده و روزگار می‌گذارند. آنها سبک زندگی عجیب و خرده‌فرهنگ غربی دارند؛ به نحوی که تقریباً تمام طول روز را پای تلویزیون نشسته و در حال تماشای مسابقات فوتبال داخلی و خارجی هستند؛ در عین حال نیز به طور همزمان در سایت‌های آنلاین شرط‌بندی به پیش‌بینی نتایج مسابقاتی که تماشایشان می‌کنند، می‌پردازند. آنچه باید در همین ابتدا بدان اشاره کرد این است که «تومان» فیلمی حاوی سویه‌های سوء تعلیمی و آموزه‌های نامناسب تربیتی است. مصداق تأمل برانگیز و مذمومی که در تصدیق این گزاره قابل طرح است، تلاش فیلم در عرفی‌سازی امرار معاش از راه قمار و تشویق مخاطب به تجربه کردن قمار و شرط‌بندی است؛ فیلم نه تنها نگاه قبح‌آمیزی به قمار، شرط‌بندی و حرمت فقهی آن ندارد، بلکه در بسیاری از مواقع نیز با نمایش هیجانات کاذب و سرخوشی‌های ناشی از برد در عمل شرط‌بندی، جنبه تبلیغی و مشروعی به تجربه قماربازی می‌بخشد!

دیگر سویه تعلیمی نامناسب فیلم، عادی‌سازی و ترویج مصرف مشروبات الکلی است که به شکل رفتاری موجه و مشروع در فیلم ضرب پیدا کرده است. جوانان سرخوش «تومان» گاه و بیگاه در دورهمی‌های لغو خود به سلامتی یکدیگر می‌نوشند؛ تأکید عجیب بر نمایش صحنه‌های شراب‌خواری حاکی از آن است که در جهان ذهنی آنها چنین رفتاری فاقد هرگونه حرمت و قباح است. ویژگی‌های مذکور باعث می‌شود چنانچه مخاطبی غیرایرانی که از نظام ارزشی حاکم بر کشور آگاهی نسبی دارد، «تومان» را در سالن سینما ببیند، هرگز گمان نکند که چنین فیلمی در جغرافیای ایران ساخته شده است! مشکل دیگر «تومان»، به فیلمنامه متأخرش بازمی‌گردد؛ فیلم اساساً با یک ساعت تأخیر



□ بازی خوب اما شخصیت پردازی بد

جواد عزتی در فیلم خورشید به عنوان یک معلم دلسوز، نقشش را به خوبی جلوی دوربین به نمایش می‌کشد، اما کاراکتر معلم مهربان فیلم خورشید نیز مثل سایر شخصیت‌ها در پایان داستان نیمه‌کاره به حال خود رها می‌شود. معلم داستان رفتارهایی از خود نشان می‌دهد که علامت سوال‌هایی را برای بیننده از بابت انگیزه رفتاری این شخصیت ایجاد می‌کند. از طرفی دیگر وقتی به نیمه‌انتهایی فیلم نزدیک می‌شویم، این کاراکتر که می‌توانست کنش و واکنش‌های جذابی را در پایان فیلم ایجاد کند، یک بار برای همیشه از دنیای فیلم ناپدید می‌شود. در واقع نه تنها این کاراکتر، بلکه سایر شخصیت‌ها نیز به حال خودشان رها می‌شود. فیلم‌ساز در نظر داشته که به ما بفهماند زندگی همین است و باید واقع بین باشیم؛ ما از سرنوشت کسی نمی‌توانیم مطلع باشیم.

□ بازگشت به نقطه اول

از ساخت فیلم که بگذریم این سوال مطرح می‌شود که آیا فیلم خورشید یک فیلم دغدغه‌مند است؟ قطع به یقین خیر. جدیدترین فیلم سینمایی مجید مجیدی تنها ژست دغدغه‌مندی به خود می‌گیرد. مسئله‌ای را نصفه و نیمه با داستانی از هم گسیخته برای مان شرح می‌دهد و بیننده را با بدیهیاتی از زندگی یک نوجوان کار آشنا می‌کند. حرف حساب فیلم خورشید نامشخص است و این تعداد جوابی که این اثر در جشنواره‌های داخل و خارج گرفته دلیل بر این نمی‌شود که بخواهیم چنین فیلم خنثی و اخته‌ای را یک اثر ملودرام اجتماعی شاهکار قلمداد کنیم. فیلم خورشید به گرد پای فیلم بچه‌های آسمان مجیدی اصلاً و ابداً نمی‌رسد. شاید مهمترین دستاورد فیلم خورشید را بتوان پدیده‌ای به اسم روح الله زمانی دانست که در نقش بازیگر نوجوان توانست به زیبایی بدرخشد. روح‌الله زمانی در زندگی واقعی یک کودک کار بود که مجیدی توانسته استعدادهایش را شناسایی کرده و او را در مسیر بازیگری قرار دهد. باید دید آیا این نوجوان با استعداد می‌تواند در آینده نامی نیک در حوزه بازیگری برای خودش دست و پا کند یا خیر.

فیلم خورشید از جنبه فیلم‌برداری و عناصر فرمی اثری درجه یک محسوب می‌شود، اما به فیلم‌نامه‌اش ایراداتی وارد است. مجید مجیدی با این محصول، ژست دغدغه‌مندی به خود می‌گیرد اما شرح یک پیامد اجتماعی، آن هم به صورت سطحی که نظیرش را به کرات در فیلم‌های ایتالیایی دیده‌ایم، از فیلم خورشید یک اثر فراموش‌شدنی می‌سازد. □

درباره دغدغه‌مندی در فیلم خورشید، آخرین اثر مجید مجیدی

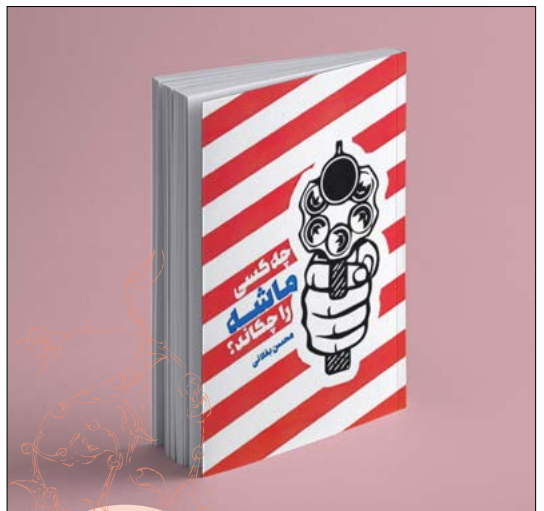
خورشیدی که زود خاموش می‌شود

□ رسول خردمندی

فیلم خورشید به عنوان جدیدترین فیلم سینمایی مجید مجیدی رنگ اکران آنلاین به خود دیده و به همین بهانه قرار است نگاهی بیندازیم به این اثر. فیلم خورشید مثل دیگر آثار مجید مجیدی به عنوان یک فیلم دغدغه‌مند مطرح می‌شود. مجیدی در گذشته با ساخت فیلم‌های مثل بچه‌های آسمان ثابت کرده که موضوع «کودکان کار» برایش اهمیت دارد و برای اینکه از این قشر مظلوم غافل نشویم، بعد از سال‌ها از بعدی دیگر به آن می‌پردازد، اما آیا فیلم خورشید می‌تواند تأثیرات لازم را روی بیننده القا کند؟

فیلم‌نامه خورشید را مجیدی به همراه نیما جاویدی نگاشته است؛ همان فردی که قبلاً در فیلم سرخ پوست توانست قصه‌ای جذاب را با کارگردانی و فیلم‌نامه معرکه‌اش روایت کند. با این حال فیلم خورشید طرح داستانی استخوان‌داری ندارد. شروع و پایان فیلم مبهم است و بیننده تقلاً زیادی می‌کند تا از تمام زیر و بم اتفاقات سر در بیاورد. روح‌الله زمانی در نقش شخصیت علی به عنوان بازیگر نوجوان اصلی این پروژه عملکرد قابل قبولی از جنبه بازیگری دارد، اما از جنبه شخصیت‌پردازی، با یک کاراکتر خام طرف هستیم. شناخت مخاطب از شخصیت علی در پایان فیلم، دقیقاً همان چیزی است که در ابتدای فیلم نیز بوده؛ نه کمتر و نه بیشتر. علی فقط یک انگیزه را دنبال می‌کند و آن هم یافتن زیر خاکی ناشناخته‌ای است که می‌خواهد از بابت فروشش، مادرش را از تیمارستان بیرون بیاورد.

شخصیت‌های دیگر داستان نیز دست کمی از علی نوجوان ندارند. علی نصیریان که بازی قابل قبولی را ارائه می‌دهد، کاراکترش یک فرد مرموز و مجهول‌الهی است که می‌توان نظیرش را در خیل عظیمی از فیلم و سریال‌های با مضمون کودکان کار مشاهده کرد. شاید تنها شخصیتی که بتوان به او دل بست، دختر بچه افغان است که علی به او وابستگی عاطفی نشان می‌دهد؛ چرا که در فیلم به خوبی می‌بینیم که دختر بچه داستان از لحاظ شخصیتی چقدر درگیر و دارِ تغییر و تنش قرار دارد.



چه کسی ماشه را چکاند؟

«کتاب «چه کسی ماشه را چکاند؟» توسط موسسه فرهنگی هنری قدرو لایت و در تبیین چرایی دشمنی آمریکا با ایران، سوابق این دشمنی و اینکه چه کسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی را آغاز کرد و ادامه داد و نیز چرایی استراتژیک و مبنائی بودن شعار «مرگ بر آمریکا»؛ به تازگی منتشر شده است.

محسن بقلانی مؤلف این اثر تلاش کرده به صورت مستند رابطه آمریکا و ایران و سوابق خصومت و دشمنی آن کشور با ملت ایران را در دو فصل؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی کرده و برخی از حوادث و رخدادها را به طور مشروح مطرح نماید که دلالت بر این دشمنی ها می‌کند. استفاده از خاطره‌های خواندنی، مستند و حکایات جذاب و مرتبط با موضوع به گیرایی مباحث کتاب افزوده است. این کتاب از لحاظ ادبیات و نحوه طرح مطالب بیشتر قشر نوجوان و جوان را مخاطب قرار داده و مباحث کتاب به زبان آنان تبیین و تشریح گردیده است.

در بخشی از مقدمه کتاب می‌خوانیم: «اصل مطلب این است که آمریکا به شدت تلاش و تبلیغات می‌کند تا وانمود سازد که این جمهوری اسلامی ایران است که دشمنی را با آمریکا شروع کرده و حتی تاریخ آن را از اشغال سفارتخانه کشورشان تعیین می‌کند! بعضی از افراد و گروه‌هایی که دل در گرو آمریکا دارند نیز به تبع ارباب خود، همه سوابق تاریخی مستند را کنار می‌گذارند و همین حرف‌ها را تکرار می‌کنند! درواقع آنها می‌خواهند با تبریته‌ی آمریکا و به تعبیری بزک کردن آن کشور، راه مذاکره و رابطه با آمریکا را باز کنند تا به عیش و عشرت با اهداف سیاسی خود برسند! آیا واقعاً ایران اسلامی، خصومت و دشمنی با آمریکا را شروع کرده است؟ جمهوری اسلامی تنها حدود ۴۳ سال از عمرش می‌گذرد، ولی آمریکا بیش از یکصد سال است در ایران حضور دارد، آیا سابقه خصومت و دشمنی با ایران در دوره پهلوی نداشته است؟»

کتاب «چه کسی ماشه را چکاند؟» در قطع رقعی و ۱۱۲ صفحه با قیمت ۲۵ هزار تومان در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. □

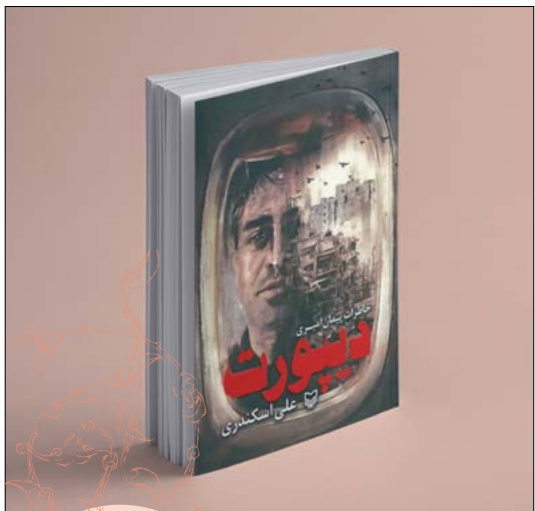


اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه

«کتاب «اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه» با اهتمام محسن جوادی و کوشش احمد پاکتچی و مرتضی سلمان نژاد توسط موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران منتشر و راهی بازار نشر شد.

پیشگفتار این اثر را ایوب دهقان کارمدیرعامل پیشین خانه کتاب و ادبیات ایران نگاشته است، در پیشگفتار آمده: «کتاب شریف نهج البلاغه علاوه بر عجایب بلاغت و غرایب فصاحت و لطایف اسرار الهی متضمن اشارات دقیق و پرنکته به مباحث توحید و زهد و عدالت و انصاف و عقل ورزی و بردباری است. عمق معارف و نیز سبک بیان امام علی (ع) در نهج البلاغه به حدی جذاب است که اگر آدمی بر ساحل آن دریا نشیند هرگز از تماشای آن سیر نمی‌شود. تحقیق در این کلام متعالی البته اختصاص به عالمان مسلمان ندارد و هر کس با آن آشنایی می‌یابد دل به آن می‌بندد و می‌کوشد تا پاسخ پرسش‌هایش را در آن بجوید. در دنیای امروز بشر بیش از هر عصر دیگری نیازمند بهره‌مندی از سرچشمه‌های حقیقت است.» همچنین احمد پاکتچی در مقدمه این کتاب آورده: «قهرمانان اخلاق به مثابه صورت آرمانی از انسان، همواره می‌توانند الهام‌بخش جامعه باشند، مانند تصویری که امام علی (ع) به مثابه قهرمان جوانمردی در جامعه ایران و دیگر جوامع در طی قرن‌های متمادی یافته است؛ اما تامل دقیق در بیانات منقول از آن حضرت، به وضوح نشان می‌دهد که وجه همت و برنامه اصلی وی، در امتداد قرآن و سنت نبوی، همان شکل دادن به قواعدی برای تعامل هم‌افزا میان مردم و نهادینه‌سازی سودرسانی متقابل بوده است. این تصویر روی دیگری از چهره امام علی (ع) مولای متقیان است که در جای جای نهج البلاغه و بیانات دیگر منقول از آن حضرت بازتاب یافته است...»

مطالب کتاب «اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه» در ۳ فصل «رویکرد اخلاقی به انسان»، «فضیلت‌های اخلاقی» و «اصول تعامل اجتماعی» گردآوری شده است. این کتاب با قیمت ۱۰۰ هزار تومان در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. □



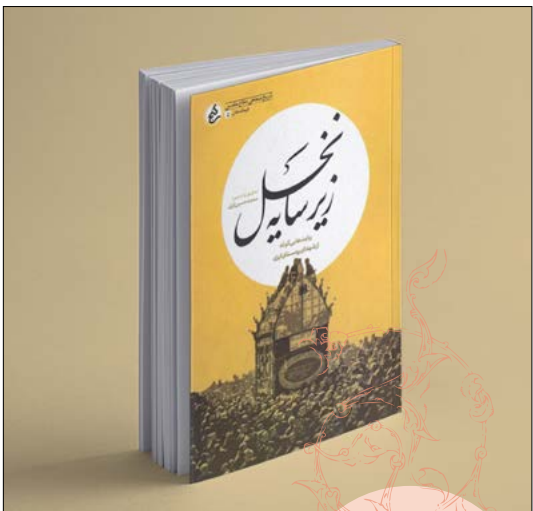
دییورت

«کتاب «دییورت» نوشته علی اسکندری بازگو کننده خاطرات سفر پرماجرای پیمان امیری به تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شده است. این اثر روایت زندگی پیمان امیری یکی از صدها جوانی است که تصمیم داشتند به خاطر مشکلات کاری و درآمد و به امید زندگی بهتر مهاجرت کنند. امیری هم به قصد مهاجرت به آلمان در خلال سفر پیشامدهای عجیبی را تجربه کرد و در سوریه اسیر شد. او در نهایت با رشادت مدافعان حرم آزاد و به کشور بازگشت.

کتاب «دییورت» در شش فصل نوشته شده است. در فصل اول نویسنده با ظرافت خاصی اوج داستان و لحظات گرفتاری راوی در زندان را روایت کرده که مخاطب را به ادامه خواندن کتاب ترغیب می‌کند. در فصل دوم در یک فلاش بک سینمایی داستان روزی روایت می‌شود که روای تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و پس از خداحافظی عجولانه با مادر و خواهر و برادر کوچکش بدون اجازه و دیدن پدر از ایران خارج می‌شود.

اسکندری نویسنده کتاب، در مقدمه این اثر به دوست شهیدش اصغر پاشاپور تقدیم کرده و نوشته است: وقتی ساعت‌ها مشغول مصاحبه کردن با پیمان امیری بودم، او نمی‌دانست بخش مهمی از سرنوشتش با اصغر گره خورده است. او فقط سید را دیده بود که مدیریت و فرماندهی آن عملیات پیچیده را به عهده داشت. نمی‌دانست اگر حمایت‌ها و پشتیبانی اصغر نبود، سرنوشتش اینگونه رقم نمی‌خورد. اصغر پاشاپور (ذاکر)، یک ماه پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، به او ملحق شد.

در بخشی از کتاب هم آمده است: کلا ده دقیقه طول کشید؛ ده دقیقه‌ای که یک عمر گذشت. از ترس داشتم قالب تهی می‌کردم. توی افکار خودم بودم که یک نفر زیر بغلم را گرفت و گفت: «قوم». جایی را نمی‌دیدم. او به زحمت کمک کرد و از پشت وانت پایین آمدم. وارد خاک سوریه شده بودم و آنجا معبر باب‌الهی در کشور زده سوریه بود! مقصد و هدفم اروپا و آلمان بود، بهشت آرزوهایم آنجا بود و کلی برنامه داشتم، ولی الان دریکی از خطرناک‌ترین مناطق کره زمین بودم. □



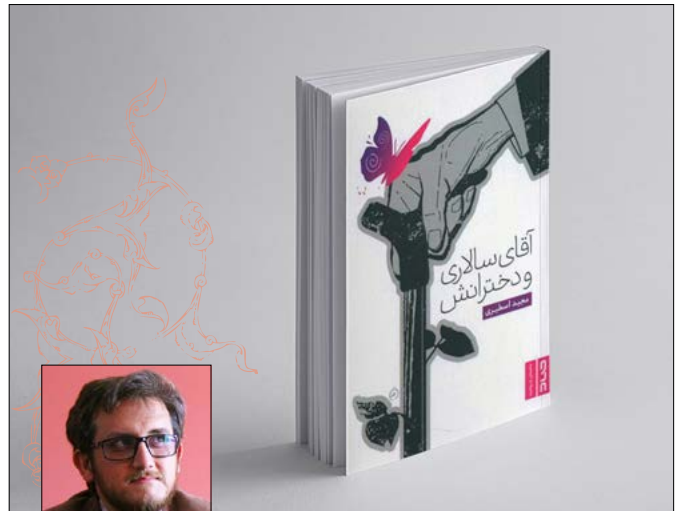
زیر سایه نخل

«کتاب «زیر سایه نخل»؛ روایت‌هایی کوتاه از شهدای روستای ایزی به قلم محمدحسین ایزی، توسط انتشارات «راه یار» چاپ و روانه بازار نشر شد.

هر شهری به چیزی شهره است، مثلاً کرمان به زیره و کاشان به گلاب. روستاها هم همین گونه‌اند؛ باشتین به شروع قیام سربداران مشهور است و افچنگ و شم‌آباد به داشتن شهدای بی‌شمار در روزهای جنگ. بعضی روستاها اما مثل گنجینه‌هایی هستند که باید غبار از سرور ویشان تکانده شود تا همه مفتون هنرنمایی مردان و زنان و جوانانش شوند. ایزی یکی از همین روستاهاست، پنج کیلومتر با سبزوار فاصله دارد و به رغم این نزدیکی، گنج‌های روستا سال‌هاست غریب مانده‌اند. روستایی، اهل مبارزه است با خشک‌سالی و نداری و... دارایی روستایی، توکل است و چشم‌امیدش به آسمان. وقتی صحبت از مبارزه و قیام علیه شاه شد، مردمان روستا هم در صف مبارزه حاضر شدند. از ایزی می‌آمدند شهر و در دعای کمیل و روضه‌ امام شهید شرکت می‌کردند و ایمان داشتند به اینکه هر روز عاشوراست و هر زمینی کربلا. برای همین تا وقتی پشت دشمن را به خاک نمالیدند، دست از مبارزه برنداشتند. مردمی که مبارزه را زیر سایه نخل آموخته بودند؛ نخلی که روز عاشورا زیر سایه‌اش جمع می‌شدند و فریاد می‌زدند «یا حسین شهید». نخل‌گردانی آیین مردم ایزی در روز عاشوراست و نخل نمادی از شهدای کربلا. انقلاب که پیروز شد کومه‌ها دست به کار شدند. علی هم رفت. کار بلد بود و فعالیت‌هایش را ضد کومه‌ها شروع کرد. قرار بود عملیاتی انجام بدهند. علی با دیگر نیروها توانست کومه‌ها را زمین‌گیر کند. کومه‌ها بدجور از دست علی عاصی شدند. به خاطر همین برای سرش جایزه گذاشتند و لقبش را گذاشتند چنگیز!

رفیقش گفت: «دیدنی چی شده؟ کومه‌ها توی یکی از قهوه‌خانه‌های هـ برگه چسبوندن.»

– روش نوشتن: «داغ این علی رو به دل مادرش می‌ذاریم.» □



گفتگو با مجید اسطیری نویسنده «آقای سالاری و دخترانش»

می خواهیم رویای روزهای بهتر را برای مردم رقم بزنم

« مجید اسطیری، نویسنده جوان در واپسین کارش به نام «آقای سالاری و دخترانش» به سراغ سوژه‌ای رفته که باز هم دغدغه‌های او به تاریخ و قصه‌گویی را می‌توان در آن دید.

دغدغه‌های پیرمردی که چند فرزند دارد، چرا برای شما جذاب بود؟

راستش من سراغ این فضا و این ایده نرفتم. این ایده به سراغ من آمد و گریبان من را گرفت و رها نکرد تا آن را بنویسم. دغدغه‌های آقای سالاری دغدغه‌های همه مردم جامعه است؛ نه فقط پیرمردی که بازنشسته شده و دخترانش رشته زندگی او را به دست می‌گیرند. به نظر هرکس درباره میزان دخالت مسائل اقتصادی در مسائل مذهبی جامعه تامل کرده باشد، حتما به همین دغدغه‌های آقای سالاری و آدم‌های اطرافش برخورد کرده است.

البته خط سیری میان این اثر و کارهای قبلی شما وجود دارد؛ این بار قرائتی کوتاه در مورد انقلاب داشتید و از کنار آن عبور کردید. در مورد نگاهتان به تاریخ به ما بگویید؟

بله؛ انقلاب اسلامی مبدا و وضعیتی است که آقای سالاری هم در آن قرار گرفته؛ یعنی دخیل شدن سیستماتیک سرمایه و قدرت در امر تبلیغ دینی. اگر بخواهیم بگوییم مناسبات سرمایه و نهاد‌های دینی چگونه به وضعیت حاضر رسیده، ناگزیریم نگاهی تاریخی هم داشته باشیم. در این بررسی تاریخی یک خط صاف و مسیری حساب شده را نمی‌بینیم؛ بلکه به نظر من یک خط کاملاً کج و معوج را می‌بینیم که بخش‌های زیادی از آن کاملاً بی‌حساب طی شده است.

راوی داستان بسیار جالب بود و نگاه طنزانه‌ای که در این اثر دیده می‌شد. چطور به این نگاه رسیدید؟

بخشی از این طنز ناشی از همان بی‌حساب بودن مناسبات بین سرمایه و نهاد دین است؛ همان‌طور که در زمان من می‌بینید اگر یک سرمایه‌دار وارد مسجدی بشود و بگوید یک میلیارد تومان به این مسجد کمک خواهد کرد و در ازای آن توقعاتی دارم، طنز به وجود

می‌آید. متولی گنج می‌شود که این معامله را قبول کند یا نه. قبول آن خیر بیشتری به همراه دارد یا رد آن؟ یک معادله اخلاقی است. حالا اگر خیر هم خودش نداند دقیقاً چه توقعاتی دارد، طنز ما کامل می‌شود.

این اثر به مراتب از کارهای قبلی‌تان خوشخوان‌تر و راحت‌تر است؛ تعمدی در این‌گونه نوشتن داشتید؟

شاید به خاطر این که مسائل را با پوست و گوشت خودم لمس کرده‌ام و می‌شناسم؛ اثری روان خلق شده است. به علاوه این که مدت‌ها به این وضعیت‌های متناقض فکر کرده‌ام و حتی خودم صحنه‌هایی آفریده‌ام که در واقعیت رخ نداده؛ اما هر روز منتظر وقوع آنها هستیم؛ مثل افشاگری جوانی که جایزه گران‌قیمت برنامه تلویزیونی را جلوی چشم همه بینندگان رد می‌کند و حرف‌هایش را در برنامه زنده فریاد می‌زند؛ یا پیرمردی که علیه تورم قیام می‌کند و نرخ‌ها را می‌شکند و برعکس توقع ما همه مغازه‌داران محله را با خود همراه می‌کند. کار من به عنوان داستان‌نویس این است که رویای روزهای بهتر را برای مردم رقم بزنم و این کار اثر را خوشخوان می‌کند.

یکی از نکاتی که در زمان به چشم می‌خورد، بحث رابطه سالاری با دخترهایش است. در عین دوستی، فاصله و احترامی هم هست؛ این دخترهای متفاوت از هم چطور در زمان شکل گرفتند؟

یک نظریه که نباید فراموش بشود، نظریه تمثیلی است. یعنی هر کدام از این دخترها تمثیلی از یک نوع زن مطلوب نظام لیبرال است که نمی‌خواهم چندان آن را باز کنم و کشف آن را به مخاطبان رمان واگذار می‌کنم. از طرف دیگر در خانواده‌هایی که چند دختر دارند، ناخودآگاه یک دیالکتیک جالب بین این دخترها شکل می‌گیرد و فاصله قهر و آشتی از موباریک‌تری می‌شود. من تمام تلاش‌م را کردم این رابطه خاص و جذاب را خوب بازنمایی کنم. موقع نوشتن آن صحنه‌ها مدام خاطرات گپ و گفت‌های مادرم و خاله‌هایم جلوی چشمم بود!

مسجد هم در زمان نقش جالبی داشت؛ گویی مامنی بود برای بازگشت دوباره آقای سالاری؛ در مورد این بخش چه نظری دارید؟

چه بخواهیم؛ چه نخواهیم، با ورود انسان‌ها به سن بازنشستگی اندیشیدن به مرگ غلظت بیشتری در ذهن فرد پیدا می‌کند. عده‌ای به بوستان‌ها پناهنده می‌شوند و عده‌ای به مسجدها و عده‌ای هم جاهای بهتری پیدا می‌کنند! از این میان من سراغ مسجدی‌ها رفتم. به قول شما مسجد برای اینها حکم مامن را پیدا می‌کند؛ اما همین آدم‌هایی که به مسجد پناهنده شده‌اند، مناسبات پیچیده‌ای با هم دارند. اغلب این مناسبات برای آدم‌های مسجدنیده کاملاً بی‌اهمیت است؛ اما آقای سالاری کاری می‌کند که همه مجبور بشوند به مسجد و مناسباتش نگاه کنند. □



نگاهبان



« کتاب «نگاهبان» نوشته نسربین ساداتیان، شامل روایت‌هایی کوتاه از پنجاه درجه‌دار ارتشی بعثی است که در سال‌های دفاع مقدس در اردوگاه‌های ایران اسیر بوده‌اند و با نگاهبانان ایرانی سروکار داشتند که اسرای عراقی را نه به چشم اسیر، که به نگاه میهمانانی می‌دیدند که مدتی دور از وطن‌شان هستند؛ «نگاه این نگاهبانان گاهی مثل پدر است که لقمه نانی می‌دهد، گاهی مادری است که دل‌داری‌اش می‌دهد و این روزهای دوری از خانواده و زندگی‌اش را کمی آسان می‌کند.» این کتاب چندی پیش رونمایی شد. طاهره راهی پژوهشگر درباره آن یادداشتی نوشته که در ادامه می‌خوانیم:

اسارت، کلمه‌ای به ظاهر ساده که در پس خود، گنجینه‌ای از خاطرات را گنجانده است. در دوران جنگ تحمیلی رهایی شهرهای اشغال شده و پیروزی بردشمن متجاوز برای مردم ما از هر چیز مهم‌تر بود. در این گیر و دار کسی به دنبال آن نبود که اسیران کجا نگهداری می‌شوند و حتی شاید بسیاری هم نمی‌دانستند محل نگهداری اسرای عراقی کجاست؟ گمانم بسیاری حتی به ذهن‌شان هم نمی‌آمد اسرای عراقی ممکن است در شهر و دیار خودشان باشد. گاه داخل شهر و گاه کیلومترها خارج از شهر، اما در اردوگاه‌های ایرانی چه می‌گذشت؟

درباره خاطرات اسیران ایرانی زیاد خوانده بودم، این بار دوست داشتم از خاطرات اردوگاه‌های ایرانی بخوانم و بدانم. جایی که اسرای عراقی و آن صاحب‌خانه اربعین‌مان دوران اسارت‌شان را گذرانده بودند. کمی قبل‌تر کتاب «پوتین قرمز» را خواندم و بعد از مدتی نه چندان طولانی، کتابی با عنوان «نگاهبان» را در خیابان انقلاب دیدم. پوتین قرمز خاطرات یک افسر اردوگاه بود و کتاب «نگاهبان» خاطراتی از پنجاه نیروی نگهدارنده اسرای عراقی که انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب کرده است. حالا که اسرای عراقی در دسترس نبودند، می‌توانستم خاطرات نگهبانانشان را بخوانم و بدانم در میان اردوگاه‌های ایرانی چه گذشته که آن زن عراقی به خوبی از دوران اسارت همسرش سخن می‌گفت.

نسربین ساداتیان، نویسنده کتاب، شهرهای مختلف ایران را به دنبال این نیروهای نگهدارنده از سمنان و اراک تا تهران و اهواز چرخیده و نه تنها با آنها، که با پزشک‌یارانی که با اسیران مجروح عراقی برخورد داشته‌اند و آنها را مداوا کرده‌اند نیز، سخن گفته و خاطرات آنها را به رشته تحریر درآورده است.

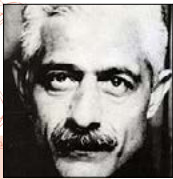
کتاب که به توصیف خاطراتی از اردوگاه‌های اسرای عراقی در ایران می‌پردازد، نه تنها از زبان فرماندهان و درجه‌داران ارتشی، که گاه از زبان سربازانی نیز روایت می‌شود که محل

سربازی‌شان اردوگاه‌های ارتش بوده است؛ در بخشی از این کتاب می‌خوانید: «دوره آموزشی سربازی‌ام امروز تمام می‌شود. توی محوطه پادگان مثل پایه پرچم صاف ایستاده‌ام. با شنیدن نامم به طرف فرمانده سرم را برمی‌گردانم، می‌گوید: سرباز مرتضی آقامحمدی، بخش ترابری!»

ساداتیان حتی به بیمارستان‌های ارتش نیز سرزده و از پزشک و پزشک‌یارانی که در آن زمان با مجروحان عراقی سروکار داشته‌اند، او در بخش دیگر از خاطرات آورده است: «با صدای خنده به عقب برمی‌گردم. پیرمرد اسیر با دیدن من که به دستگیره پنجره آویزان شده‌ام به خنده می‌افتد. دست و پایم را گم می‌کنم. دستگیره را رها می‌کنم، داروهایشان را می‌دهم. می‌خواهم از اتاق بیرون بروم که به یاد می‌آورم و پسته‌ها را از جیب روپوشم در می‌آورم. یک مشت پسته کف دست‌های هر کدامشان می‌ریزم. چشمان پیرمرد هنوز می‌خندد.»

راویان کتاب که در آن زمان جوانی خود را می‌گذرانند، هر چند با گذشت زمانی حدود ۲۰ سال، جزئیات را از یاد برده‌اند، اما این فراموشی‌ها چیزی از جذابیت خاطرات نمی‌کاهد. یکی از دیدار خانواده‌های عراقی در چمن‌های پشت دیوارهای اردوگاه می‌گوید و از اشک‌های بی‌امان مادران عراقی، دیگری از نقاش و مجسمه‌ساز معروف عراقی می‌گوید که صحنه‌ای از بمباران شهر حلبچه را در اردوگاه به تصویر کشیده است. نفر سوم از همدلی اسرای توابع عراقی می‌گوید که در هنگام فوت فرزندش مانند برادر کنارش بودند و در همه این روایت‌ها، آنچه جاری است زندگی و امید است.

آنگونه که نویسنده در کتاب آورده است: «نگاهبانان روایت زندگی را آنگونه برایم گفتند که می‌خواهم صدایشان را به گوش همه برسانم. صدا در گلویم مانده است، ولی قلم در دست برایتان از زندگی در اسارت، مهربانی و ایثار در اردوگاه‌هایی می‌نویسم که برچسبشان اردوگاه جنگی است.» □



نگاهی به رمان «مدیر مدرسه»
به مناسبت ۱۱ آذر
زادروز جلال آل احمد

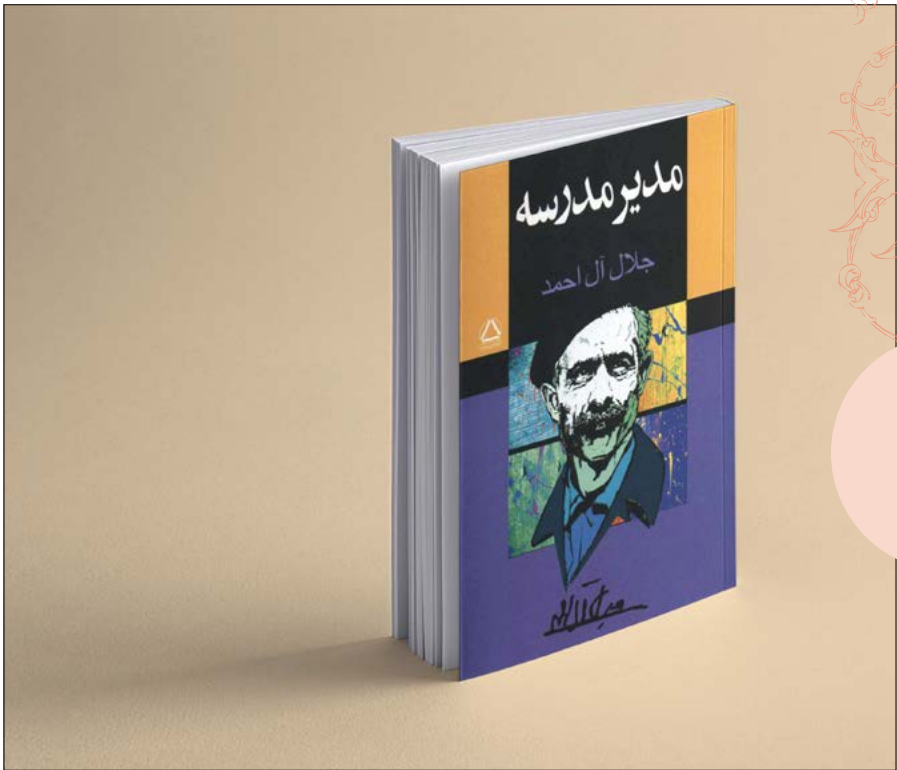
برهوت زندگی زدگی

■ محمد بلخی

وقتی «مدیر مدرسه» جلال آل احمد چاپ شد، مردم در تلاش بودند تا تحقیق کودتای ۳۲ را فراموش کنند. آل احمد بعد از چند کتاب تصمیم گرفته بود در سن ۳۵ سالگی با قلمش مدیر مدرسه شود. او در داستانش از تمام اصطلاحات عامیانه مدد می‌گیرد تا اثبات کند مسیر روشنفکری، غرب نویسی نیست، درد مردم نویسی است. به عقیده منتقدان مدیر مدرسه جلال بهترین اثر اوست. دلیل موفقیتش گچ تخته خوردن جلال است. جلال معلم است و حالا با قلمش می‌خواهد به دنیای مدیریت سفر کند، از راهروهای پیچ در پیچ وزارت فرهنگ عبور کند و خود را به مدرسه‌ای دوردست برساند که هر کدام از شخصیت‌هایش، قصه‌ای به بلندای قصه‌های هزار و یک شب دارند.

❏ برای آنهایی که نام مدیر مدرسه جلال را نشنیده‌اند

وقتی داستان نویس شروع به شخصیت‌پردازی می‌کند، یکی از دغدغه‌هایش می‌شود نام شخصیت‌ها. او وقتی می‌خواهد برای شخصیت‌هایش نام بگذارد مانند یک پدر است که می‌خواهد بر روی فرزندان‌اش اسم بگذارد. مدیر مدرسه پدر خوبی ندارد، انگار نویسنده نمی‌خواهد اسمی هیچ صفتی را به شخصیت‌ها نسبت دهند. به نظر می‌رسد، او می‌خواهد بابی نام کردن نام مدیر مدرسه و سایر شخصیت‌ها، کاری کند تا تمام مردم شهر با هر نام و لقبی مدیر مدرسه شوند و از زندگی‌زدگی خود در آن دوران خسته شوند و با یک فرم استعفا اعلام کنند که می‌خواهند به جای پست دولتی، نشان آدمیت بگیرند. برای یک جوان ۳۵ ساله که جدی‌ترین داستانش را نوشته است. باید خیلی جذاب باشد که توسط پدر داستان نویسی معاصر نقد شود. اما جلال پاسخ جمال‌زاده را که نه تنها داستان او را نقد کرده بلکه به تمجید و تعریف هم از آن پرداخته، با مخلصیم و چاکریم نمی‌دهد، جلال خطاب به جمال‌زاده می‌گوید: آنچه سرکار یک اثر ادبی پنداشته‌اید، اصلاً کار ادبی نیست. کار بی‌ادبی است؛ و راستش را بخواهید کار زندگی و مرگ است و به همین دلیل به جان بسته است. آن صفحات لعنتی است ابدی، تفی ست به روی این روزگار. شما مملکت خودتان را نمی‌شناسید و با آن همه روان‌شناسی که باید خوانده باشید، هنوز



نمی‌دانید که عکس‌العمل چنین فساد عظمایی، چنان تقوای بی‌نام و نشانی‌ست که من چون بارها در زندگی‌ام دیده‌ام، در «مدیر مدرسه» سراغ داده‌ام.

❏ مدیر مدرسه در یک دقیقه

داستان مدیر مدرسه در وزارت فرهنگ شروع می‌شود. همان جایی که مدیر مدرسه از فساد اداری مدد می‌گیرد تا حکم مدیریت خود را دریافت کند. مدیر مدرسه که از درس دادن اباطیل به بچه‌های نفهم خسته شده، خود را از چاله معلمی به چاه مدیریت می‌اندازد، دبستانی که او مدیریت را در آن آغاز می‌کند، یک مدرسه دورافتاده است که ملاکی به امید بالا رفتن قیمت ملک و املاکش ساخته و ویرانه‌ای است که مدیر می‌خواهد آبادش کند. داستان‌های مدیر و شخصیت‌های داستان فیلمی است که روی دور تند گذاشته‌اند. آن قدر تند که از شکسته شدن ترکه ناظم توسط مدیر تا ضرب و شتم دانش‌آموز فاعل چند لحظه بیشتر نباید صبر کنی.

❏ شخصیت‌های گمنام داستان مدیر مدرسه

شخصیت‌های داستان مدیر مدرسه گمنام‌اند. همه یکدیگر را به صنف و شغل می‌شناسند. در هیچ کجای داستان شما نام مشاهده نمی‌کنید. راوی داستان مدیر مدرسه است. مدیر قد است. قد بودنش را خودش می‌گوید در اولین جمله کتاب: «از در که وارد شدم. سیگارم دستم

بود و زورم آمد سلام کنم. همین طوری دنگم گرفته بود قد باشم.» او خودش را در داستان معرفی نمی‌کند اما در برخورد با شخصیت‌های داستان دل‌مهربان او را می‌شناسی. از عبادت معلمین تصادفی و زندانی تادلسوزی برای مادر ناظم مدرسه. معلمین مدرسه با هم فرق می‌کنند هم خلقتاً و هم خلقتاً. اما یک ویژگی مشترک دارند هیچ کدامشان دغدغه تعلیم و تربیت ندارند. از معلم کلاس سوم که کار سیاسی می‌کند تا معلم کاردستی کلاس پنجم که عکس لخت را به دانش‌آموز داده تا برایش قاب عکس کند. در کنار معلمین فراش و ناظم مدرسه حضور دارند. فراشی که معلمین مدرسه با پول قرض گرفتن از او مشکل دیردادن حقوقشان را حل می‌کنند و ناظمی که همه‌کاره مدرسه است و بیشتر او مدرسه را اداره می‌کند تا مدیر...

❏ چرا نام مدیر مدرسه بر سر زبان‌ها افتاد؟

زمانی که در ۱۳۳۷ کتاب «مدیر مدرسه» منتشر شد، شکوفه‌ای بود بر درخت قطع شده آزادی. بعد از کودتای سال ۳۲ و فضای بسته کشور رمان مدیر مدرسه جلال حرفی تازه بود، چه به عنوان کیفر خواستی بازبان ملایم از سیستم آموزشی کشور و چه به عنوان یک رمان درباره زندگی طبقه متوسط، باید گفت مدیر مدرسه کتابی است که نظیرش تا آن زمان در ایران منتشر نشده بود. کتاب تجارب زیسته مدیر است و البته تجارب زیسته مردم دهه سی و چهل. تجربه‌هایی که اگر مدیر مدرسه نبود با یک آه فرو خورده، در پست‌خانه سینه‌های مردم آن زمان دفع شده بود. اما این بار قلم جلال درب‌نمورو چوبی آن پست‌خانه‌ها را با قلمش می‌زد و از واقعیت‌هایی می‌نویسد که همه می‌دانند ولی کسی جرات بیان‌ش را ندارد. مدیر مدرسه، جلال را وارد دوران جدیدی از زندگی کرد، دورانی که مردم او را سیدی می‌دیدند که برای دیده شدن دنبال مزه دهن مردم بود نه موسیوهای فرانسوی.

مدیر مدرسه یک رمان واقع‌گراست و از واقعیت‌هایی سخن می‌گوید که در کتاب‌های تاریخی کمتر دیده می‌شوند. مدیر مدرسه تاریخ‌ناوشته نظام تعلیم و تربیت در ایران در دهه سی و چهل است. وضعیت دستگاه بروکراسی، اصطلاحات عامیانه مردم آن زمان و دردهای مردم کوچه و بازار. کتاب تاریخ جلال یک فرق اساسی با کتاب‌های تاریخی دیگر دارد. کتاب تاریخ جلال را فاتحان ننوشته‌اند، همچنین شرق‌شناسان غربی نیز این کتاب را روایت نکرده‌اند. راوی مدیر مدرسه‌ای است که با گوشت و خون خود دردهای مردم را چشیده و بین اتاق‌های مختلف وزارت فرهنگ پاسکاری شده. به نظر می‌رسد در این دوره و زمانه که مردم تنها چیزی که از تاریخ شنیده‌اند، کوروش کبیر است و خدمات رضاخان. بد نیست تیم‌نگاهی هم به مدیر مدرسه بیاندازند و پای درد و دلی مدیری بنشینند که تاریخ را روایت می‌کند. مدیر مدرسه یک فایده دیگر هم دارد. آدم می‌فهمد زبان فارسی و به خصوص زبان گفتار چه قدر زود تغییر می‌کند، مدیر مدرسه به زبان عامه مردم



مدیر مدرسه یک

رمان واقع‌گراست

و از واقعیت‌هایی

سخن می‌گوید

که در کتاب‌های

تاریخی کمتر

دیده می‌شوند.

مدیر مدرسه

تاریخ‌ناوشته

نظام تعلیم و

تربیت در ایران

در دهه سی و

چهل است.

وضعیت دستگاه

بروکراسی،

اصطلاحات

عامیانه مردم آن

زمان و دردهای

مردم کوچه و

بازار. کتاب

تاریخ جلال یک

فرق اساسی

با کتاب‌های

تاریخی دیگر دارد

شصت سال قبل سخن می‌گوید. ولی اگر مدیر مدرسه را به دست یکی از این نوجوانان مو سیخ کرده امروزی بدهی و بگویی یک صفحه را باز کن و بخوان، احساس می‌کند دارد تاریخ بیهقی می‌خواند و آدم تازه می‌فهمد سرعت تغییر زبان در زمان ما چقدر سریع است.

❏ آل احمد از چه کسی الگو گرفت؟

اگر کتاب مدیر مدرسه را خوانده باشید و اندکی با سرگذشت جلال آشنا باشید، حتما شنیده‌اید که او را تحت تأثیر کامو می‌دانند و به اعتقاد برخی کتاب مدیر مدرسه الهام گرفته از سقوط کامواست، اما جلال خودش در یک گفتگو در کتاب «ارزشیابی شتابزده» کسی دیگر را الهام بخش خود می‌داند و چنین می‌گوید: «بیگانه کامو بی‌اعتناست و بهت زده، در حالی که مدیر مدرسه من سخت با اعتناست و کلافه... چون زیر ماشین له می‌شود. این دنیای تنها را من بهترین نوعش را به شما توصیه می‌کنم بخوانید. آقای لویی فردینان سلین فرانسوی. من در مدیر مدرسه از او تأثیر گرفتم، اگر می‌خواهید بدانید؛ کتابی داره به اسم «سفر به انتهای شب». این کتاب به نظر من شاهکار ادبیات فرانسه است. تو خود فرانسه هم قدرش را نشناختند. تو خود فرانسه هم تا زنده بود زدنش. از این زندان به آن زندان. بعد هم در تنهایی و نمی‌دانم گرسنگی دق کرد و مرد...»

❏ مدیر مدرسه و تیغ نقد

داستان نویسان خوب می‌دانند که داستان برهنه شدن نویسنده است در مقابل دوربین فیلم‌برداری قلم. در مدیر مدرسه جلال عقاید خود را عریان بیان می‌کند آن قدر عریان که وقتی می‌خواهد سرمایه‌داری را بگوید، به مدرسه‌ساز و نیت او حمله می‌کند و می‌گوید: «مدرسه دوطبقه بود و نوساز بود و در دامنه کوه تنها افتاده بود و آفتاب رو بود یک فرهنگ دوست خربول، عمارتش را وسط زمین‌های خودش ساخته بود و بیست و پنج ساله در اختیار فرهنگ گذاشته بود که مدرسه‌اش کنند و رفت‌آمد بشود و جاده‌ها کوبیده بشود و این قدر ازین بشود‌ها بشود، تادل ننه باباها بسوزد و برای اینکه راه بچه‌هاشان را کوتاه کنند، بیابند همان اطراف مدرسه را بخرند و خانه بسازند و زمین بارو از متری یک عباسی بشود صد تومان.»

❏ انشای کاریکاتوری

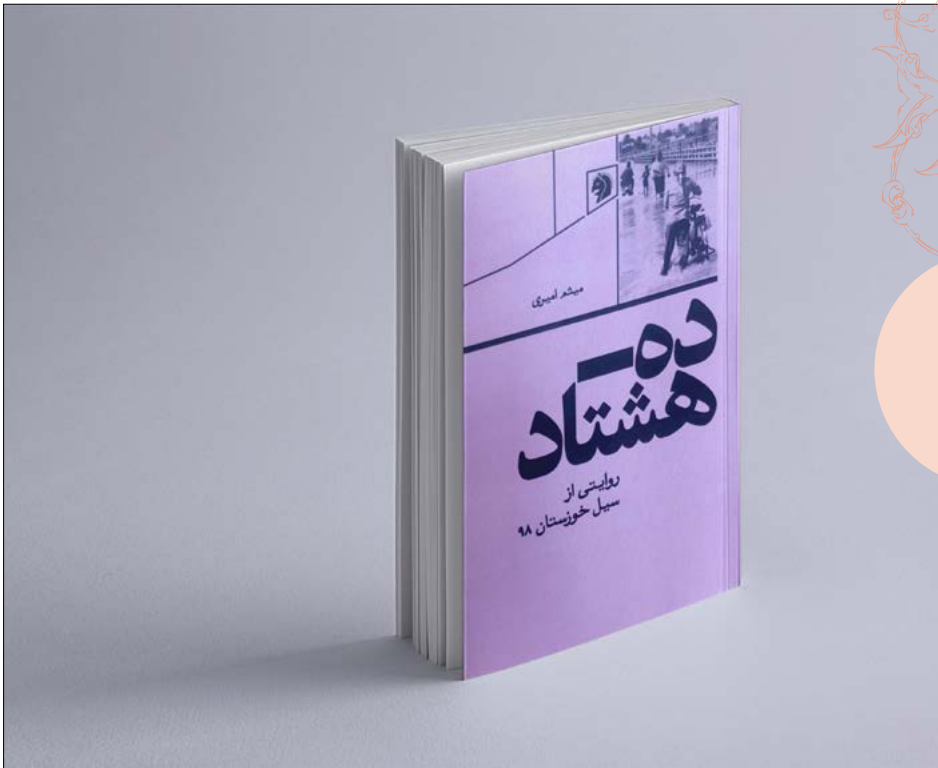
جمال‌زاده نقدی بر مدیر مدرسه می‌نویسد که یک صفت خاص به داستان و قلم جلال نسبت می‌دهد که می‌توان این صفت را توصیف‌کننده خوبی برای داستان جلال دانست، جمال‌زاده می‌گوید: در باب زبان و انشای کتاب، همین قدر می‌گویم که تمام کتاب به زبان مکالمه و محاوره و به قول اصفهانی‌ها اختلاط نوشته شده؛ شیرین و دلنشین است و دارای چنان سرعت و ایجاز و به قدری آمیخته با طعن و طنز که می‌توان آن را انشای کاریکاتوری خواند. □



گفت وگو با میثم امیری
نامزد جایزه «جلال»
و نویسنده کتاب «ده-هشتاد»

روایت سیل پشت سد مخاطب

■ یاسر نوروزی



« کتاب «ده-هشتاد» با عنوان فرعی «روایتی از سیل خوزستان» همان طور که از نامش پیدا است به ماجرای این سیل خانمان برانداز می‌پردازد؛ کتابی که سال گذشته در بخش مستندنگاری بین نامزدهای جایزه «جلال آل احمد» هم قرار گرفت و نشان از کیفیت مطلوب آن می‌داد. امیری در این کتاب تلاش کرده با جزئیات مختلف مخاطب را در دل سیل خوزستان قرار بدهد و روند بحران و مدیریت بحران را توأمان نشان بدهد. صحبت‌های میثم امیری در این گفت‌وگو قابل تأمل و انتشار مستندنگاری‌های نظیر کتاب او قابل تقدیر است. این کتاب بنا به پیشنهاد نویسنده و به همت معاونت امور فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر منتشر شده است. هر چند نویسنده اذعان دارد کتابش در ستایش هلال احمر نیست و در سرزنش آن هم نیست بلکه تلاش کرده هردو جنبه را ببیند.

● از اسم کتاب شروع کنیم؛ چرا «ده-هشتاد»؟

ده-هشتاد یعنی نیاز به امداد. این یکی از کدهای امدادی است که بین هلال احمر و آتش نشانی و اورژانس مشترک است. وقت بحران آنها از عددهای از پیش تعریف شده استفاده می‌کنند تا آدم‌ها نخواهند چیزی بگویند که قابل تأویل و تفسیر باشد. من هم فکر کردم سیل خوزستان در سال ۹۸ به ما می‌گوید که به امداد نیاز داریم. همه ما به امداد نیاز داریم؛ از امدادگر تا امدادپذیر.

● این کتاب چندمین کتاب شماست؟ درباره سابقه آثارتان، رشته تحصیلی و در کل سابقه نوشتاری‌تان لطف می‌کنید مختصری به ما بگویید.

این چهارمین کتاب من است که جواز انتشار پیدا کرده است. سی و چهار ساله هستم و دوره دکتری ریاضی در دانشگاه تربیت مدرس را رها کرده‌ام. من پیش از این سه رمان منتشر کرده بودم و یک تک‌نگاری که هنوز غیرمجاز شناخته می‌شود؛ یک تک‌نگاری به نام «بی‌خمینی». یک جستار کوتاه درباره کرونا نوشته‌ام به نام «تاج در تن» که نشر «جام جم» منتشر خواهد کرد. یک کتاب هم به نام «داغ دل‌با» (روایتی از تشییع پیکر سردار سلیمانی در

ایران) نوشته‌ام که احتمالاً تا یکی دو هفته دیگر در بازار کتاب خواهد بود.

● «ده-هشتاد» (روایتی از سیل خوزستان) به سفارش جایی نوشته شد؟

ده‌هشتاد ظاهراً به سفارش حوزه نمایندگی رهبری در هلال احمر نوشته شده است ولی این سفارش از خودم شروع شد؛ بیشتر به این خاطر که موضوع آب و خشکسالی برایم مسأله است. وقتی سیل در عید ۹۸ به راه افتاد، من به یکی از دوستان که در هلال کار می‌کرد، پیام دادم که سیل خوزستان هم مثل باقی بحران‌ها می‌گذرد و ما چیزی درباره‌اش در دست نخواهیم داشت. همین گپ و گفت کوتاه باعث شد دو روز بعد من توی اهواز باشم، دفترچه در دستم باشد و همراه بچه‌های گشتی هلال خوزستان در مناطق سیل زده حاضر باشم. سفارش را من مطرح کردم و دوستان مثل آقای احمدوند و آقای بیگلری در هلال با روی باز پذیرفتند و از این ایده حمایت کردند تا کار بالاخره درآمد.

● اگر به سفارش جایی انجام شده، سفارش دهندگان چه مولفه‌هایی را برای نگارش چنین کتابی مد نظر داشتند؟ اگر هم دست‌تان کاملاً باز بوده، توضیح بفرمایید چطور شروع کردید و به اصطلاح بنا به چه نقظه راهی پیش رفتید.

سیل آمده بود و فرصت این نبود که بخواهیم مولفه‌هایی

را بچینیم یا بررسی کنیم. سیل یک پدیده سریع است که شما باید در لحظه حاضر باشید و بعد به این فکر کنید چه می‌خواهید بنویسید. یعنی حضور یک نویسنده در بحران و نوشتن از آن بحران دلیل نمی‌خواهد. ولی انتشار آن نوشته دلیل می‌خواهد. این حرف درستی است ولی در آن موقع من به فکر ثبت آن لحظه بودم. البته این سیل با همه سیل‌های دیگر فرق داشت. در سیل‌هایی که از سمت طبیعت سرازیر می‌شود، شما فرصتی در دست ندارید برای حضور، مگر اینکه شانس در آن لحظه، در محل سیل حاضر باشید. ولی سیل خوزستان یک سیل خاص بود. در خوزستان شما می‌توانستید سیل را در حرکت آهسته ببینید. همین حرکت آهسته که از بی‌تدبیری مدیران ناشی می‌شد این فرصت را به من داد که خودم را از تهران به اهواز و به محل سیل برسانم. زمان این سیل کش آمده بود. به نظرم تبدیل به زمان دراماتیک شده بود؛ یعنی اصلاً زمان واقعی نبود. چون در زمان واقعی در مدت کوتاه سیل همه چیز را از جا درمی‌آورد و با خود می‌برد ولی این بار آب آرام آرام بالا می‌آمد و جایی هم نمی‌رفت.

● مستندنگاری‌هایی از این دست که شما نوشته‌اید، در ادبیات معاصر ایران زیاد نیست؛ به خصوص بعد از گسترش رسانه‌های تصویری، عموماً گمان می‌کنند دوربین می‌تواند جای کلمات را بگیرد. نظر شما در این باره چیست؟

سیل فقط یک رویداد عینی نیست یک رویداد ذهنی هم هست؛ یعنی شما جلوه‌ای از سیل را می‌بینید و آن را درک می‌کنید. ولی این جلوه در ذهن کشاورز طور دیگری ادامه پیدا می‌کند. شما باید به آن ذهن هم راه پیدا کنید و سعی کنید برای مخاطب جوری بنویسید که بتواند سیل را تداعی کند. تداعی یک مفهوم کار ادبیات است؛ نه کار تصویر. تصویر اگر منضبط باشد، اگر از سر صبر و دغدغه گرفته شده باشد، اگر فهمیم باشد، اگر آب و سیل را بفهمد، اگر بداند سد چیست، اگر درک کند کشاورزی یعنی چه، تازه می‌تواند یک نمایش منسجم از یک رویداد بحرانی ارائه بدهد. بعد از این، نخبه‌های فیلمسازی می‌توانند با نبوغ‌شان ما را اندکی به درون آدم‌ها بکشانند. همان بخش اول یعنی تصویری کردن سیل هم درست در این کشور اتفاق نمی‌افتد. تصویر شلخته، بی‌مسأله و حتی از سر شکم‌سیری گرفته می‌شود یا شبیه کار آخر آقای حاتمی‌کیا می‌شود که کم‌دی ناخواسته است. تازه اگر تصویر درستی هم گرفته می‌شد نمی‌توانست جای ادبیات را پر کند. ادبیات باید بتواند سیل را در ذهن مخاطب جاری کند. باید مسأله سیل در خوزستان را به مسأله مخاطب بدل کند. توی ادبیات هم، کتاب هم، با این رویکرد روبه‌رو نیستیم. حتی فکر کنم کتاب من، نخستین کتاب روایت بحران در سال‌های اخیر باشد. من سعی کرده‌ام بگویم در این زمین می‌شود بذری کاشت. می‌خواستم بگویم اهالی ادبیات به این حیطه هم نگاه کنند.



این کتاب الان

باید دست مردم

باشد. این کتاب

باید الان روی

میز رهبری باشد

که هم خودشان

سیل بین هستند

و هم در بحران‌ها

از شصت سال

پیش تا الان

حاضر بودند.

می‌خواهم بگویم

کتاب، مخاطبان

متفاوت و

متنوعی دارد.

الان ممکن است

سیل بعدی

از راه برسد و

ما هنوز همین

خرده‌تجربه‌ها

را از سیل قبلی

به مخاطب

انتقال نداده

باشیم. اینجوری

آدم در سوء

مدیریت‌های

سیل بعدی هم

شریک خواهد

شد

● شما چه نوع مستندنگاری را بیشتر دوست دارید؟ چه مولفه‌هایی باید داشته باشد که به آن بگویید یک مستندنگاری خوب و باکیفیت؟

من به روایتی علاقه‌مندم که بتواند درک متعین و باورپذیری از یک واقعه ارائه بدهد. چه بهتر آنکه آن درک تازه هم باشد؛

مثلاً پلاسکو اتفاق افتاده است. باید ببینیم مستند نویس چطور می‌خواهد این رویداد را که ظاهراً محدود به فرو ریختن یک ساختمان قدیمی و بزرگ بود به مسأله‌ای انسانی تبدیل کند، از چه زاویه‌ای وارد می‌شود و چطور با پدیده ارتباط برقرار می‌کند.

● بیشترین بخشی که در این کتاب برای خودتان تأثیربرانگیز بود کدام بخش یا کدام صفحات بود؟

آن بخشی از کتاب که مربوط به یک روستا در اطراف حمیدیه بود خیلی روی من اثر گذاشت. یک روستا که ظاهراً سیل داخل روستا نرفته بود ولی توانسته بود زندگی را مختل و روستاییان را ناامید کند؛ نسبت به آینده. دم غروب هم به آن روستا رسیده بودیم... هنوز سیاهی آن لحظه‌ها با من است. توی کتاب روایتش کرده‌ام.

● کتاب را بعد از انتشار برای بومی‌هایی که از آنها در کتاب‌تان یاد کرده‌اید، هم فرستادید؟ خوانده‌اند؟ نظرشان چه بود؟

نه. من خودم الان یک نسخه از کتاب دارم که همان هم در صحافی مشکل دارد و هشت صفحه ندارد. امیدوارم این کتاب هم از این حال آشفته خارج شود و زودتر به دست مردم برسد. این کتاب هنوز درست منتشر نشده است. چاپ اولش به هلال رفته و چاپ‌های بعدی را ندیده‌ام. وظیفه ناشر، نشر کتاب است. امیدوارم که زودتر منتشر شود تا کتاب به دست همه برسد. این کتاب الان باید دست مردم باشد. این کتاب باید الان روی میز رهبری باشد که هم خودشان سیل بین هستند و هم در بحران‌ها از شصت سال پیش تا الان حاضر بودند.

می‌خواهم بگویم کتاب، مخاطبان متفاوت و متنوعی دارد. الان ممکن است سیل بعدی از راه برسد و ما هنوز همین خرده‌تجربه‌ها را از سیل قبلی به مخاطب انتقال نداده باشیم. اینجوری آدم در سوء مدیریت‌های سیل بعدی هم شریک خواهد شد. نباید ترسید و باید حرف زد. باید از بحران‌ها حرف زد و آنها را روایت کرد.

نویسندگان امروزی خیلی کم از خودمان حرف می‌زنند و از بحران‌های خودمان. کتاب سیل خودش نباید پشت سد گیر کند و بازپچه بشود. باید برو د دست مردم و باید صداها روایت بهتر و دقیق‌تر و باهوش‌تر از راه برسد. من فقط از باز خورد بچه‌های هلال باخبرم. تا الان باز خورد کتاب بین بچه‌های هلال مثبت بود با آنکه کتاب در نعت هلال نیست، در سرزنش هلال هم نیست البته، سعی کرده است هردو جنبه را ببیند. □



« شیوع ویروس کرونا طی دو سال اخیر خانه ها را به کلاس درس تبدیل کرده است. کرونا با تمام بدی ها و خطراتش نه تنها نتوانست فرایند آموزش را متوقف کند بلکه باعث ایجاد شیوه های نوین و جدید آموزشی در سراسر دنیا و کشور ما شد. پلتفرم آموزش مجازی «آموزا» یکی از ابزارهایی است که طی این دو سال با اعمال تغییراتی در ساختارهایش، راهکاری برای توسعه آموزش به صورت فیلم، تصویر، صوت و متن با شعار کلاس آنلاین و آموزش پویا بوده است. پلتفرم آموزا با استفاده از دو شیوه آموزش آکادمیک و تجربی در کنار هم؛ به دانش پژوهان در سطوح مختلف خدمات آموزشی ارائه می دهد. امیر سیاح بنیان گذار این استارت آپ آموزشی خلاق در خصوص فعالیت آن می گوید، امروزه پلتفرم های آموزشی زیادی را در فضای اینترنت مشاهده می کنیم اما تفکر دانش بنیان می تواند محصولاتی جامع، خلاقانه و همسو با نیاز مخاطبان را خلق کند. با توجه به این مهم و با هدف طراحی یک پلتفرم آموزشی جامع همراه با فناوری های روز دنیا و مورد نیاز مخاطبان پلتفرم آموزا را طراحی کردیم تا انواع محتوای آموزشی شامل ویدیو، صوت، pdf، powerpoint و فایل های ZIP برای استفاده کاربران در آن، قرار گیرد.

برگزاری کلاس های آنلاین دیگر بخش مهم این پلتفرم آموزشی است که آموزا خدماتی را همگام با فناوری های نوین ارائه می دهد، همچنین امکان تشکیل کلاس های درس به صورت تصویری فراهم شده تا علاوه بر شرکت در برنامه آموزشی آنلاین، امکان ارائه سوالات و فایل های لازم به صورت متن و صوت انجام شود. برگزاری آزمون، دیگر ویژگی این پلتفرم آموزشی است که می تواند به صورت تستی یا تشریحی و به صورت آنلاین برگزار شود.

همچنین امکان ارائه سوالات تصادفی با گزینه های متمایز و در انتها کارنامه آموزشی را می تواند صادر کند. بنابراین افراد علاقه مند به حضور در کلاس های آنلاین مجازی می توانند در پیش آزمون مربوطه شرکت کنند تا سطح علمی لازم سنجیده شود و سپس در کلاس یا دوره مربوطه شرکت کنند و علاوه بر شرکت در نظرسنجی برای ارزیابی آموزش های ارائه شده، گواهی حضور را نیز دریافت کنند. به این منظور، تعاملاتی با دانشگاه خوارزمی انجام شده تا در رابطه با دوره های مورد تأیید این دانشگاه، گواهی معتبر از طرف این مرکز دانشگاهی صادر شود.

یکی از ویژگی های کارآمد این پلتفرم امکان اجازه انتشار و ذخیره سازی محتوا توسط تولیدکنندگان و توسعه دهندگان دوره های آموزشی است تا ابزار ارتباطی لازم را به صورت وب سایت و اپلیکیشن Adobe در اختیار کاربران خود قرار داده و محتوای خود را منتشر کنند. استارت آپ آموزا این امکان را فراهم آورده تا تولید کنندگان و توسعه دهندگان محتوا در صورت

۶۴-۷۸



در این شماره از «مهر و ماه» گزارش هایی از نشست شورای عالی هلال احمر، تجلیل از جوانان فعال هلال احمر سمنان، جلسه بررسی دستاوردهای جشنواره ملی و منطقه ای فیلم کوتاه دانش آموزی استان قزوین، تجلیل و پاسداشت بازنشستگان سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر و همچنین خبرهایی از فعالیتهای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان های ایلام، قم، خراسان رضوی، خراسان شمالی، اردبیل، کرمان، آذربایجان شرقی، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و سیستان و بلوچستان را خواهیم خواند.



حفظ و ارتقاء اعتبار اجتماعی هلال احمر اولویت دارد

امداد رسانی به حادثه دیدگان زلزله هرمزگان تسریع شود

هلال احمر باید نقش پیشگیری را تقویت کند



دیدار رئیس جدید جمعیت هلال احمر با نماینده رهبر معظم انقلاب

« دکتر پیرحسین کولیوند رئیس جدید جمعیت هلال احمر در نخستین روز کاری خود با حضور در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با حجت الاسلام والمسلمین معزی دیدار کرد.

نماینده رهبر معظم انقلاب انتصاب دکتر کولیوند در این مقطع زمانی که کشور در شرایط حساسی قرار دارد را موجب تقویت تلاش‌های جمعیت هلال احمر در برابر حوادث و به ویژه مقابله با ویروس کرونا دانست و افزود: از خداوند برای شما درخواست توفیق داریم تا به مردم این کشور خدمت کنید و گرهی از مشکلات مستضعفین جامعه باز کنید. امام خمینی علیه السلام توجه به این قشر را یک اصل می‌دانستند و امروز نیز یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به این که دکتر کولیوند سابقه خدمت در هلال احمر را دارد، تاکید کرد: امروز جمعیت هلال احمر باید از آلام متاثرین از حوادث کم کند. مشکلی تحت عنوان کرونا در جامعه وجود دارد و هلال احمر در راستای رفع این معضل از جامعه باید فعال باشد و سلامتی جامعه را ارتقا دهد. در این راستا نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نیز با تمام توان در کنار سایر ارکان جمعیت خواهد بود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تاکید بر این که باید سرمایه اجتماعی، مورد توجه مدیریت جدید هلال احمر قرار گیرد، خاطر نشان کرد: سرمایه اجتماعی از سرمایه مادی اهمیت بیشتری دارد و می‌بایست در راستای ارتقاء آن کوشش شود. در این مسیر ضرورت دارد از افراد پاک دست و مدیر استفاده گردد تا اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران در خدمت به مردم تحقق یابد.

در ادامه این دیدار دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر پیروی از رهنمودهای نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر را ضروری دانست و افزود: از خداوند سپاسگزارم که این توفیق همراه با اعتماد رئیس جمهور منجر شد تا بار دیگر در این مجموعه به مردم خدمت کنم. وی گفت: جوانان، داوطلبان، خیرین، امدادگران، اعضای شورای عالی و سایر مسئولین جمعیت هلال احمر امروز باید در کنار ما حاضر بوده تا بتوانیم ۴ سرفصل مورد توجه را پیش ببریم و کیفیت خدمت رسانی در هلال احمر را ارتقا دهیم.

ما بر مبنای بیانییه رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص گام دوم انقلاب اسلامی عمل خواهیم کرد. در همین راستا امداد رسانی و فعالیت‌های امدادی را در اولویت قرار می‌دهیم. همچنین به دنبال شکل‌گیری تشکل‌های جوانان هستیم تا بتوانیم با استفاده از نیروی جوان اهداف انقلابی جمعیت را پیش ببریم.

همچنین در عرصه بین‌المللی نیز تلاش خواهیم کرد تا ضمن همکاری با کشورهای همسایه و کشورهای مسلمان، هم‌افزایی داشته و ارتباطات خود را تقویت کنیم و در صورت نیاز در هر نقطه جهان متناسب با اهداف نظام به فعالیت پردازیم.

به دنبال این خواهیم بود با اتکا به نیروهای موجود جمعیت هلال احمر و بدنه هلال احمر، این جمعیت را به شکوفایی برسانیم. هلال احمر مجموعه‌ای است که خدمت به مظلومین را در دستور کار دارد و ما نیز در همین راستا عمل خواهیم کرد و از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این مسیر استفاده خواهیم کرد. □

نماینده ولی فقیه در هلال احمر:

حفظ و ارتقاء اعتبار اجتماعی هلال احمر اولویت دارد

« نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر، در نشست شورای عالی این مجموعه که به منظور انتخاب و معرفی گزینه‌های ریاست این جمعیت برگزار شد، بر حفظ و ارتقاء اعتبار و جایگاه اجتماعی هلال احمر به عنوان اولویت تاکید کرد. حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان برخی از آیات و روایات از جمله آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»، به تشریح موضوعاتی همچون خدمت رسانی به مردم، حفظ امانت، صداقت و... به عنوان ویژگی‌های مدیریتی گفت: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تنها به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید زیرا ممکن است عادت‌ی برای آنها باشد که از ترک آن ناراحت می‌شوند بلکه به راستگویی و ادای امانت آنان توجه کنید» و چنانچه می‌بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام همواره بر حفظ امانت در مسئولیت تاکید داشته‌اند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات به امام سجاد علیه السلام تاکید فرمود امانت یکی از مهمترین مسائل در اسلام است که «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» که اینها طعمه نیستند بلکه امانت هستند و امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر هم تاکید نمود که این امانت، طعمه نیست. حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش دیگری از سخنان خود تاکید کرد: انصافاً این شخصیت‌هایی که در این جلسه سخنانی را ارائه کردند، مطالب ارزشمند و مفیدی را بیان کردند و واقعا مهم‌تر از حفظ اعتبار مادی آن است و سرمایه اجتماعی این مجموعه که در برخی مواقع دچار آسیب شده از اهمیت فراوانی برخوردار است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی به موضوع استقلال جمعیت هم پرداخت و تصریح کرد: مهمترین موضوع، استقلال این مجموعه است و اگر تلقی بشود جمعیت یک سازمان صرفا

اسامی نامزد های نخست‌نامه برای تصدی پست ریاست جمعیت هلال احمر . به ترتیب حروف الفبا .		
عباس احدپور رئیس	علی حسینی نجات	دکتر علی رضا شاهروردی
دکتر احمد اسفندیاری	سعید خال	دکتر شاهرخ سلمداری
دکتر محمد بهاک	دکتر علی دباغی	دکتر پیرحسین کولیوند
دکتر فریبرز بوداغی بایند	دکتر شاهرخ راین	دکتر شاپور محمد صادقی
محمد جعفریان	دکتر سعید ریاض	محمد باقر محمدی
حجت حاجی محمدی ری	دکتر ابوالفضل زنده‌دل	دکتر عباس مسجدی آرائی
دکتر محسن حسینی زاده	دکتر رضا سمیری	دکتر فرهاد مصدقی دگانه
		دکتر محمود مظفر

دولتی است در واقع کمک، همراهی و اعتبار اجتماعی خود را کم‌رنگ می‌کند و این در حالی است که می‌بایست همراهی اجتماعی با خود داشته باشد و مردم شریف هستند که باید داوطلب بفرستند، نیرو بفرستند، امداد مالی و حمایت نمایند و در حوادث و اتفاقات همراه مجموعه باشند. نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با عنایت به مسئولیت‌ها و وظایف جمعیت افزود: هلال احمر مجموعه‌ای تک بعدی نیست بلکه وجهه و ابعاد متنوع و متعددی دارد که البته گاهی جزیره‌ای هم عمل می‌کند، لذا واقعاً باید شخصی برگزیده شود که به طور کامل این مجموعه را بشناسد و بتواند بخش‌های داخلی را هماهنگ و با مجموعه‌های بیرونی در ارتباط نزدیک قرار دهد و به صورت هماهنگ و با هم‌افزایی گام‌های موثری را اجرایی و عملیاتی کند و معاونت‌ها و سازمان‌های مختلف اعم از امداد و نجات، داوطلبان، جوانان، موسسه علمی کاربردی و بخش‌های دیگر را در یک جهت به حرکت درآورد تا با یکدیگر چرخ فعالیت‌ها و وظایف هلال احمر را بچرخانند و باید در انتخاب خودمان با استدلال و متقن چنین فرد توانایی را انتخاب کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش پایانی سخنان خود تاکید کرد: از همه عزیزان که وقت گذاشتند و طرح‌ها و ایده‌های خود را به خوبی آماده و ارائه کردند تقدیر می‌کنیم هر چند در فرصت کوتاه، امکان بیان همه دیدگاه‌ها و برنامه‌ها وجود ندارد و انشاءالله تصمیم‌گیری که می‌شود موجب ترقی و تعالی جمعیت و دستیابی به اهداف آن بشود و بتوانیم هلال احمر نمونه‌ای را در میان کشورهای مختلف در جهان معرفی نماییم. □



نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر:

امداد رسانی به حادثه دیدگان زلزله هرمزگان تسریع شود

«نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در تماس های تلفنی جداگانه با مهدی ولی پور، رئیس سازمان امداد و نجات، مختار سلحشور، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان هرمزگان و حجت الاسلام شهبایی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در جریان روند فعالیت های امدادی و درمانی هلال احمر به حادثه دیدگان زلزله اخیر قرار گرفت. حجت الاسلام والمسلمین معزی در این ارتباط تلفنی، گزارش وضعیت و عملکرد جمعیت هلال احمر و اقدامات انجام شده را دریافت و توصیه های لازم را در کمک به حادثه دیده گان بیان کرد.

وی ضمن استماع گزارش های رئیس سازمان امداد و نجات، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه، توصیه های لازم را در راستای حفظ آمادگی کامل همه دستگاه های ذیربط برای امداد رسانی و ارائه خدمات به مردم حادثه دیده ارائه کرد. در استان هرمزگان وضعیت قرمز اعلام شده و تیم های ارزیاب برای برآورد خسارت احتمالی به منطقه اعزام شدند. بنا به گفته مقامات مسئول تیم های ارزیاب از خانه های هلال شهرستان های جنوبی و غربی به مناطق متاثر از این زمین لرزه نیز اعزام شدند.

طبق گزارش های دریافتی ۴۴۸ روستا متاثر از زلزله شده اند. □



نماینده ولی فقیه در استان قم

هلال احمر باید نقش پیشگیری را تقویت کند

«نماینده ولی فقیه در استان قم پیشگیری از اتفاقات و حوادث را جزء ماهیت هلال احمر دانست و گفت: هلال احمر باید نقش پیشگیری را در کار خود تقویت کند. آیت الله سید محمد سعیدی، در دیدار با محمدرضا بهرامی مدیرکل جمعیت هلال احمر استان قم که به مناسبت هشتاد و چهارمین سالگرد تاسیس سازمان جوانان جمعیت هلال احمر انجام شد، تاکید کرد: در کشور کار دست جوانان است و بزرگ ترها هم باید پشتوانه جوانان باشند و با انتقال تجربه ها جوانان را در اداره امور کشور یاری کنند. تولیت آستان مقدس حضرت معصومه (س) پیشگیری از اتفاقات و حوادث را جزء ماهیت هلال احمر دانست و افزود: هلال احمر باید نقش پیشگیری را در کار خود تقویت کند و با تذکر زبانی و حتی دادن امکانات به افرادی که در معرض آسیب هستند مانع از بروز اتفاقاتی شود که نیاز به کمک و امداد دارد.

نماینده ولی فقیه در استان قم با بیان اینکه ما نباید نسبت به تلفات جانی مردم بی تفاوت باشیم، گفت: برای هر نیروی انسانی در جامعه هزینه بالایی می شود و علاوه بر جهت مادی برای ما از نظر دینی هم حفظ جان انسان ارزش بالایی دارد و خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می فرماید: «قتل یک انسان مانند قتل همه مردم و نجات جان یک انسان مانند نجات جان همه مردم است». وی کار هلال احمر را دارای ارزش مادی و معنوی برای کشور و مردم دانست و گفت: شتاب در انجام ماموریت و وظایف هلال احمر ریشه قرآنی و انسانی دارد و نباید تعللی در ماموریت های امدادی صورت بگیرد. سعیدی آسیب شناسی و جلوگیری از وارد آمدن آسیب به مجموعه هلال احمر را ضروری دانست و گفت: هلال احمر مانند کمیته امداد یک سازمان مردمی است و اعتبار آن به اعتمادی است که مردم به آن دارند و نباید بگذارید آسیب ها به اعتبار این سازمان لطمه بزنند.

وی صیانت از اعتبار هلال احمر را مهم توصیف کرد و گفت: افرادی که لباس مقدس هلال احمر را به تن می کنند باید بدانند که مردم با دیدن این لباس احساس آمدن یک ناجی و کمک کننده را دارند و نباید با اعمال و رفتار خود به اعتبار این لباس آسیب بزنند. تولیت آستان مقدس حضرت معصومه (س) اقدامات جمعیت هلال احمر در زمینه واکسیناسیون و دعوت مردم به زدن واکسن را ضروری دانست و افزود: بیماری کرونا یک بیماری تفرقه انداز است و حتی در خانواده ها بین افراد تفرقه انداخته است در حالی که تفرقه در دین ما بسیار نهی شده است و موجب فساد روحی و جسمی افراد جامعه می شود و باید به دولت کمک کنیم تا با واکسیناسیون همه مردم، شرابین ویروس هر چه زودتر کم شود. □



با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سمنان

آئین تجلیل از جوانان فعال هلال احمر سمنان برگزار شد

«طی مراسمی با حضور مسئولین و اعضای جوانان جمعیت هلال احمر استان سمنان، هفتاد و چهارمین سالگرد تاسیس سازمان جوانان هلال احمر گرامی داشته شد و از جوانان فعال این جمعیت تجلیل به عمل آمد. در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین نطنزی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان سمنان گفت: جمعیت هلال احمر نهاد مقدسی است و خدمت در آن نیز دارای قداست است، جوانان جمعیت هلال احمر در تمامی صحنه های خدمت و حادثه در صف اول حضور دارند. دکتر مظفر محمدخانی مدیرعامل هلال احمر استان سمنان نیز ضمن تبریک سالگرد تاسیس سازمان جوانان گفت: سازمان جوانان جمعیت هلال احمر با کمک و مشارکت جوانان پرشور و پرانرژی با اجرای طرح های مختلفی مانند آماران و ناظران سلامت و طرح شهید سلیمانی در امر کنترل کووید ۱۹ گام های مهم و موثری برداشتند. وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: در تهیه و توزیع بسته های معیشتی در میان خانوارهای متاثر از کرونا نیز نیروهای جوان هلال احمر درخشیدند و اقدامات بسیار مفیدی انجام دادند که همه اینها بدون هیچگونه چشم داشتی صورت گرفته است. در پایان این برنامه، از تعدادی از اعضای جوان هلال احمر استان سمنان نیز تجلیل شد. □



در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی برگزار شد

جلسه هم اندیشی دبیران کانون های طلاب

«به مناسبت هفتاد و چهارمین سالروز تاسیس سازمان جوانان جمعیت هلال احمر جلسه هم اندیشی دبیران کانون های طلاب جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی برگزار شد. حجت الاسلام پیروزفر، مسئول نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در این هم اندیشی با اشاره به آیه شریفه وَفَن آخِیَاهَا فَكَانَتْ مَّا رَاسَتَی نَجَاتِ جَانِ اِنْسَانِ ها و تسکین آلام بشری است از نظر دین مبین اسلام از جایگاه و ارزش بسیار بالایی برخوردار است.»

حجت الاسلام پیروزفر با اشاره به این که ورود و ثبت نام اعضای جمعیت هلال احمر در معاونت جوانان است و در این معاونت سازماندهی و آموزش اعضا صورت می پذیرد، بیان داشت: «حضور روحانیون و طلاب در جمعیت هلال احمر زمینه مغتنمی برای تقویت فعالیت ها و تسهیل در رسیدن جمعیت به اهداف عالیه خود است.»

مسئول نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زمینه سازی برای آموزش های عمومی و تخصصی طلاب را یک امر ضروری و لازم دانست و اعلام کرد این امر باید با سرعت و کیفیت مناسب صورت پذیرد تا در آینده نزدیک شاهد حضور و فعالیت طلاب عزیز در همه فعالیت های فرهنگی و امدادی این سازمان باشیم.

حجت الاسلام پیروزفر با اشاره به جلسه هماهنگی و کارشناسی معاونت پرورشی آموزش و پرورش و جمعیت هلال احمر استان در راستای اعزام روحانیون عضو کانون های طلاب به کانون های دانش آموزی جمعیت استان در راستای تقویت طرح دادرسی، ایجاد ارتباط مؤثر و مفید بین کانون ها و شاخه های معاونت جوانان را یک مسئله مهم و زمینه ای برای همبستگی و تعامل در سایر فعالیت های جمعیت دانست و ابراز داشت باتوجه به هماهنگی های صورت گرفته پس از بازگشتی مدارس زمینه اعزام طلاب عضو کانون های جوانان به ۳۵۰ کانون دانش آموزی را فراهم خواهیم نمود.

در انتها از دبیران برتر کانون ها با اهدا لوح تقدیر و هدیه تجلیل شد. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر ایلام تاکید کرد

نقش آفرینی طلاب در فعالیت های اجتماعی

« حجت الاسلام والمسلمین الیاسی با اشاره به وجود ۱۸ کانون فعال طلاب هلال احمر در سراسر استان ایلام گفت: با حمایت ها و هدایت های نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر مبنی بر انعقاد تفاهم نامه همکاری این نهاد با حوزه های علمیه و همچنین پیشنهادها و استقبال مجموعه حوزه های علمیه برای حضور و نقش آفرینی در فعالیت های اجتماعی، اکنون ستاد بحران نهادهای حوزوی تشکیل شده است.



وی محور کار در زمینه راه اندازی کانون های طلاب در سطح استان را بهره گیری از توان و ظرفیت فرهنگی طلاب مدارس علمیه دانست و خاطر نشان کرد: در نشست ها و وبینارهای مختلف با طلاب عضو جمعیت هلال احمر همواره بر حضور این عزیزان در گستره فعالیت های امدادی فرهنگی هلال تاکید می شود. همچنین برنامه ریزی برای حضوری موثر و هدفمند در زمینه طرح مسائل فرهنگی در فضای مجازی نیز از دیگر اقدامات طلاب هلال احمری است. از دیگر خدمات شایسته اعضای طلاب این نهاد عام المنفعه و خیریه علاوه بر مشارکت در تدوین و تقصیر متوفیان کرونایی، حضور در بیمارستان ها و کمک به کادر درمان و مدافعین سلامت در زمینه مبارزه با ویروس منحوس کروناست.

جمعیت هلال احمر ایلام دستگاه برتر ستاد اقامه نماز

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی نشر محتوای فرهنگی و توجه ویژه به مسئله فریضه نماز را یکی از اساسی ترین فعالیت های این حوزه دانست و گفت: با تلاش همکاران و ائمه جماعات شعب و با در نظر گرفتن معیارهای ارزشیابی ابلاغی از سوی ستاد اقامه نماز کشور، جمعیت هلال احمر استان ایلام در سال ۹۹ همانند سنوات گذشته به عنوان دستگاه برتر استان معرفی شده است.

وی همچنین برگزاری مسابقات متنوع فرهنگی با محوریت فضای مجازی را از دیگر اقدامات ۶ ماهه اول امسال دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام دانست و گفت: تبیین بیانیه گام دوم انقلاب با نگاه راهبردی به آن، برگزاری جلسات آموزشی در زمینه های ازدواج سالم و مکتب حاج قاسم نیز بخشی از اینگونه فعالیت هاست. علاوه بر موضوعات مناسبتی فرهنگی و معرفتی یکی دیگر از وظایف این حوزه توجه به بحث نظارت در امور است که همواره با تکیه بر تعامل این مسئله نیز مورد پیگیری در سطح استان قرار گرفته است.

وی در پایان با تقدیر از تلاش های شبانه روزی امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر برای کمک به هموعان خود بازدید و سرکشی منظم از این پایگاه های امداد و نجات بین شهری را از برنامه های دیگر این حوزه دانست و گفت: در این دیدارها سعی می شود تا از نزدیک مشکلات و موضوعات مدنظر امدادگران را شنیده و پیگیری کنیم. □



توسط دوچرخه سوار جهانگرد اردبیلی انجام شد

کاشت نهال به یاد شهدای مدافع سلامت در هلال احمر خراسان رضوی

« دوچرخه سوار هلال احمری اهل اردبیل، با حضور در پایتخت معنوی ایران اسلامی، یک نهال میوه را به یاد شهدای مدافع سلامت در محوطه اصلی ساختمان صلح هلال احمر خراسان رضوی بر زمین نشاند. در این برنامه که حجت الاسلام والمسلمین اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی نیز حضور داشت، دکتر سید آرش سید صالحی، مدیرعامل این جمعیت در دیدار با کرامت عزیززاده دوچرخه سوار حامی صلح که علاوه بر تجربه حضور با دوچرخه در ۷ کشور دنیا، چهار بار هم دور ایران را رکاب زده است، گفت: این اقدام نمادین از سوی عضو داوطلب هلال احمر، پیام مهرورزی دارد و این روحیه انسان دوستی در دل همه مردمان ایران اسلامی جاری است و ما تجلی بارز آن را در ایثارگری شهدای دوران انقلاب، دفاع مقدس و مدافعان سلامت شاهد بودیم.

وی افزود: مشهد مقدس جهان شهر کرامت و پایتخت معنوی ایران اسلامی است و به برکت بارگاه امام رثوف (علیه السلام) می تواند محور وحدت و ملجا درمندان و مرجع دل های عاشق باشد. عزیززاده، دوچرخه سوار جهانگرد نیز در این دیدار گفت: برای اعتلای نام ایران در جهان و رساندن پیام بشردوستی ایرانیان سعی کردم سفیر شایسته ای برای کشورم باشم. وی افزود: به عنوان سفیر صلح و دوستی از طرف هلال احمر ایران در سال های ۹۵ و ۹۶ به ژنو و برخی کشورهای دیگر دنیا رفتم و امسال هم استان های اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی را با دوچرخه پیموده و اینک توفیق حضور در خراسان رضوی را دارم.

این دوچرخه سوار اهل آستارا درباره مقاصد بعدی سفرش گفت: بعد از مشهد به یزد، کرمان، فارس، اصفهان، قم، تهران، قزوین، البرز و زنجان خواهم رفت و در نهایت به اردبیل باز می گردم. وی خاطر نشان کرد: چهار سال پیش یک نهال زیتون را در محوطه هلال احمر ساختمان صلح خراسان رضوی در مشهد کاشتم که امروز شاهد باروری آن هستم و از این بابت خوشحالم و بر خود می بالم. محمدباقر مهرور از داوطلبان قدیمی هلال احمر استان خراسان رضوی و عضو بخش سایکل توریزم هیئت دوچرخه سواری و وحید مرادی از کارکنان جمعیت هلال احمر این استان در این اقدام بشردوستانه کرامت عزیززاده را همراهی می کردند. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان تهران:

وارثان سیره اخلاقی و عملی انبیا هستیم

« مراسم تجلیل و پاسداشت از بازنشستگان سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر با حضور کارکنان و پیشکسوتان این سازمان برگزار شد. در این مراسم، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان هلال احمر طی سخنانی، از پیشکسوتان این سازمان تقدیر و تشکر کرد. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی موسوی نیا ضمن اشاره به آیه ۱۱۹ سوره مبارکه هود به سه ویژگی مومنان یعنی ایمان، تقوا و صداقت اشاره کرد و ضمن تاکید بر پرهیز از افراط و تفریط در دین گفت: انبیاء و اولیای الهی به عنوان چراغ هدایت، همواره می بایست الگوی ما در خیرخواهی مردم باشند و ما نیز به عنوان پیروان ایشان، می بایست وارثان سیره اخلاقی و عملی ایشان باشیم.

وی این مراسم را نمونه ای از امور خیر و نیک برای پاسداشت و تکریم پیشکسوتان دانست و اظهار امیدواری کرد با بهره گیری از تجربیات این پیشکسوتان و انگیزه و نیروی جوانی نیروی های جوان زمینه ارتقای و رشد سازمان فراهم گردد. محمد نصیری، رئیس سازمان داوطلبان نیز در این مراسم ضمن تقدیر از همراهی و تلاش های بی وقفه کارکنان در تحقق اهداف انسان دوستانه این سازمان در حوادث و شرایط اضطراری کمک رسانی به قشرهای آسیب دیده و آسیب پذیر جامعه، به ارائه گزارشی در این زمینه پرداخت. در این مراسم که با حضور مدیران و جمعی از کارمندان و بازنشستگان برگزار شد، لوح تقدیر و هدایایی به پیشکسوتان این سازمان تقدیم شد. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان قزوین:

هنر اصیل می تواند آرامش بخش جامعه باشد

« جمعیت هلال احمر استان قزوین گفت: هنر اصیل و ارزشی می تواند آرامش بخش جامعه و در درمان آسیب های اجتماعی تاثیرگذار باشد. حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل مفیدی کیا در جلسه بررسی دستاوردهای جشنواره ملی و منطقه ای فیلم کوتاه دانش آموزی که در جمعیت هلال احمر قزوین برگزار شد گفت: امروز، ابزار هنر برای درمان بیماری ها نیز مورد استفاده قرار می گیرد و ما نیز باید از آن به خوبی استفاده کنیم. وی افزود: استفاده از هنر در سنن کودکی دستاوردهای خوبی دارد اما به نظر می رسد شاید ما در بهره گیری از هنر زیاد موفق نبوده ایم و به آن به عنوان یک سرگرمی و مانند زنگ ورزش نگاه کرده ایم. حجت الاسلام والمسلمین مفیدی کیا تصریح کرد: هنر می تواند موجب آرامش انسان شده و اضطراب و استرس را کاهش دهد و ما هم می توانیم از هنر به خوبی بهره گیریم.

وی بیان کرد: خداوند هم عالم هستی را هنرمندانه خلق کرده و آنچه در قرآن نازل شده نیز هنرمندانه است و بدون هنر نمی توان تاثیر زیادی در عالم گذاشت. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قزوین گفت: البته ما دنبال هنری هستیم که با ابتذال عجین و همراه نشود بلکه هنر سالم و ارزشی را پیگیری می کنیم تا از فواید آن نیز برخوردار شویم. حجت الاسلام والمسلمین مفیدی کیا تصریح کرد: جامعه ما شاید از هنر کمی دور مانده و جوامع غربی بیشتر از این ابزار برای انتقال پیام استفاده کرده اند لذا بایستی کمک کنیم کودکان از سنن پایین با هنر آشنا شوند. وی اظهار داشت: دین هیچ تضادی با هنر سالم از جمله موسیقی و تئاتر ندارد و در خلقت باد و درخت و طبیعت هارمونی موسیقی گوش نواز تولید می کند که آرامش بخش است و آنچه مشکل ساز می شود هنر آمیخته به ابتذال است. □



گزارشی از نشست رونمایی و بررسی کتاب «ده-هشتاد»

ما «سیل» را بلا کردیم!

اولین نشست از سلسله نشست‌های روایت‌گری بحران با محور بررسی و رونمایی از کتاب «ده-هشتاد» برگزار شد. کتاب ده هشتاد یک مستندنگاری از سیل خوزستان در سال ۹۸ به قلم میثم امیری است. در این نشست که با حضور نویسنده کتاب، محمد درویش (فعال محیط زیست)، دکتر یاسر احمدوند و ابراهیم اکبری دیزگاه (داستان‌نویس، منتقد ادبی و پژوهشگر حوزه‌ی ادبیات کتاب برگزار شد، کتاب «ده-هشتاد» مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این نشست با همکاری معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به میزبانی کتابفروشی گوشه برگزار شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از این نشست علمی- تخصصی است. ■

« سیل نعمت یا نعمت؟

در نشست رونمایی و بررسی کتاب «ده-هشتاد» محمد درویش پژوهشگر و فعال محیط زیست به واکاوی به بررسی این کتاب از منظر محیط زیست پرداخت. این پژوهشگر محیط زیست سخنان خود را با اشاره به ابعاد و گستره جغرافیایی سیل سال ۹۸ آغاز کرد. درویش با بیان اینکه در سیل سال ۹۸ از شمال غرب تا جنوب شرق کشور متاثر از این شرایط جوی شده‌اند، افزود: «برای درک بهتر آنچه رخ داده است، عرض می‌کنم، در این رویداد کم نظیر حدود ۱۰ و نیم میلیارد متر مکعب آب تولید شد، در معروف ترین رودخانه ما یعنی زاینده رود ۸۰۰ میلیون متر مکعب سالانه به طور متوسط آب وارد می‌شود. کارون ۸ میلیارد مکعب آب دارد، یعنی به تنهایی بیشتر از کارون.

نکته دیگر این است که ظرفیت حجم سدهای ما در خوزستان بیشتر از این رقم بوده است، یعنی ما توان ذخیره آب را داشتیم. ذخیره این آب می‌توانست از مشکلات ما در حوزه محیط زیست و کمبود آب شرب را از بین ببرد.» بنا به گفته این پژوهشگر مجموع حجم سدهای استان خوزستان ۲۳ میلیارد مترمکعب است.

درویش در ادامه به نتایج اثربخشی که می‌توانست مهار سیل سال ۹۸ برای استان خوزستان در پی داشته باشد، اشاره کرد. بنا به گفته این فعال محیط زیست رونق کشاورزی، احیا تالاب‌ها، کاهش ریزگردها و گرد و غبار، افزایش حجم سدها، بازگشت پرندگان و... از جمله این نتایجی بوده است که می‌توانست مهار سیل به دنبال داشته باشد.

« طبیعت قانون خود را دارد

در ادامه این نشست محمد درویش با اشاره به چالش‌های محیط‌زیستی استان خوزستان یکی دیگر از اشتباهاتی که در خوزستان صورت گرفته است را کاهش مساحت هورالعظیم عنوان کرد. او در تبیین این موضوع افزود: «ما یک پهنه با وسعت یک میلیون هزار هکتار که ۶۰۰ هزار هکتار آن در عراق و ۴۰۰ هزار هکتار در ایران بود را به بهانه توسعه‌ی میدان‌های نفتی از دست دادیم و کوچک کردیم و در حال حاضر سهم ایران از تالاب هورالعظیم حدود ۱۳۰ هزار هکتار است که آن پنج بخش شده است.» او با بیان اینکه

طبیعت قانون خود را دارد، افزود: «سیل‌ها همیشه نعمت بوده‌اند منتها ما به دلیل ساخت و سازهای بی‌رویه‌ای که در حریم سیلابی رودخانه‌ها انجام دادیم، آنها را تبدیل به نعمت کردیم و خسارت‌های سنگین به این دلیل به وجود آمده است. سیل‌ها مواد حاصلخیز زیادی را با خود همراه دارند و این می‌تواند به حاصلخیزی خاک کمک کند.» عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع تصریح کرد: «ما سیل را بلا کردیم؛ مشکل این است که حقایق تالاب‌ها حذف می‌شود و تالاب خشک می‌شوند.»

« اهمیت ترویج فرهنگ کتاب خوانی

بنا به گفته درویش این سیل نشان می‌دهد که ما باید بیشتر از گذشته به مساله محیط زیست اهمیت بدهیم، او در این خصوص افزود: «ما باید جنگل‌ها را بیشتر محافظت کنیم، اگر زاگرس تخریب نمی‌شد ما شاهد تخریب کمتری می‌بودیم.» او یکی از راهکارهای این موضوع را افزایش فرهنگ کتاب و کتابخوانی دانست و خاطر نشان کرد: «باید در مسیر تاب‌آوری حرکت می‌کنیم، از میثم امیری قدردانی می‌کنم که در این مسیر حرکت کرد.» او کار این نویسنده را قابل تحسین دانست و افزود: «ما کشوری هستیم که به شدت حادثه خیز است، این دغدغه‌مندی می‌تواند مردم و مسئولان را در قبال این موضوع حساس سازد.»

درویش با بیان اینکه می‌توانست این کتاب با انتشار نقشه و تصویر مصورتر روایت‌گر سیل ۹۸ شود، افزود: «ما در طبس چه کردیم؟ در روبرو چگونه رفتار کردیم؟

اهمیت روایت‌گری در بحران می‌تواند به ما در آینده کمک بیشتری کند. گذشته چراغ را آینده است و این همان اتفاق تحسین برانگیزی که میثم امیری در ده هشتاد دنبال کرده است.»

« اهمیت مستندسازی بحران در هلال احمر

دکتر یاسر احمدوند، نیز در این نشست به چگونگی نگارش این کتاب اشاره کرد. دکتر یاسر احمدوند سخنان خود را با تاکید بر اهمیت مستندسازی بحران در هلال احمر آغاز کرد و افزود: «این طرح آغازی برای مستندسازی تاریخ شفاهی بحران در جمعیت هلال احمر است.»

او با بیان اینکه جمعیت هلال احمر حدود صد سال سابقه دارد و با مسائل مختلف جامع ایرانی مواجه بوده است، اضافه کرد: «توجه به تاریخ صدساله‌ها بحران در ایران و شیوه مواجهه با بحران می‌تواند در چگونگی رفتار و مواجهه ما بحران در آینده کمک بسیاری کند.» او در تکمیل این بخش از حوادث افزود: «بخشی از این آگاهی سازی مربوط به رفتار ما در حین حوادث است و بخش دیگر جنبه پیشگیری دارد.» احمدوند بخش سوم این آگاه سازی را مرحله بازسازی و بازتوانی حوادث دانست. وی در پایان از مسئولان و همکاران جمعیت هلال احمر و همچنین انتشارات امیر کبیر قدردانی کرد.

میثم امیری نویسنده این کتاب نیز در این نشست ضمن بازخوانی بخشی از این کتاب توضیحاتی در مورد نحوه نگارش کتاب ارائه کرد.

او در این خصوص افزود: «ده-هشتاد روایتی از سیل سال



در این رویداد

کم نظیر حدود

۱۰ و نیم میلیارد

متر مکعب آب

تولید شد، در

معروف‌ترین

رودخانه ما

یعنی زاینده رود

۸۰۰ میلیون متر

مکعب سالانه

به طور متوسط

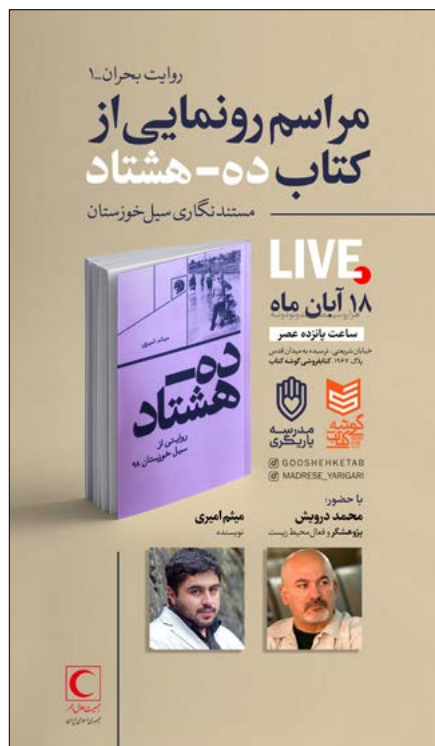
آب وارد می‌شود.

کارون ۸ میلیارد

مکعب آب دارد،

یعنی به تنهایی

بیشتر از کارون



۹۸ خوزستان، من من در ابتدا هشت روز و پس از یک ماه نزدیک به سه روز در استان خوزستان حضور داشته‌ام، این کتاب روایتی از یک سفر چهل روزه است.»

در این نشست که به میزبانی کتابفروشی گوشه برگزار شد، ابراهیم اکبری دیزگاه نویسنده و پژوهشگر ادبی نیز به ضرورت روایت‌گری و همچنین کارکرد ادبیات در مستندسازی بحران اشاره کرد.

اکبری با اشاره به اینکه با لحن و کلام میثم امیری آشناست، افزود: «من معمولا کتاب‌های امیری را پیش از چاپ می‌خوانم، میثم امیری به شدت واقعی است، امیری در مستند نگاری در تبار رضا امیر خوانی و جلال آل احمد است، من روایت‌های او را شهادت‌گونه می‌خوانم، یعنی امیری خود و زندگی خود را روایت می‌کند، هنر او و متن زندگی او یکی است.»

اکبری ادامه می‌دهد: «جرات می‌خواهد نویسنده به زندگی خود شهادت بدهد؛ در ده-هشتاد همین لحن و کلام را می‌بینیم، او همان طور که زیسته روایت می‌کند، تمام کنش و واکنش‌ها را.»

صراحت صداقت و صمیمیت ویژگی‌های کتاب ده-هشتاد است که اکبری آن را برمی‌شمارد. او یکی دیگر از ویژگی مثبت امیری را زبان چابک و شیرین او می‌داند و می‌گوید: «لحن بازی‌گوشانه دارد و طنزانه قلم می‌زند. تمام شخصیت‌ها روایتی صادقانه دارند، روحانی و مدیر و...» به نگاه اکبری در این داستان سه سوی حاکمیت، مردم و طبیعت را می‌توان دید؛ که امیری هر سه را محترم شمرده است. ■



نقد و بررسی کتاب «ترس و لرز» نوشته سورن کی‌یرکگارد

خودت را انتخاب کن

نشست نقد و بررسی کتاب «ترس و لرز» با همکاری معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با حضور ابراهیم اکبری دیزگاه (داستان نویس، منتقد ادبی و پژوهشگر حوزه ادبیات)، یحیی شعبانی (پژوهشگر حوزه فلسفه) و علی رضا سمیعی (منتقد ادبی و پژوهشگر حوزه فلسفه) با اشاره به مسئله‌ی «یاریگری»، مفهوم (دیگری) رادر نظریات فلسفی کی‌یرکگارد، به خصوص در کتاب (ترس و لرز) برگزار شد.



زندگی حضرت ابراهیم با فرم داستان

علی‌رضا سمیعی منتقد ادبی در این نشست با اشاره نظریات هگل گفت: «کی‌یرکگارد یک فیلسوف دانمارکی است؛ از شاگردان در ابتدا وفادار و در ادامه، منتقد «هگل». اگر بخواهیم درباره‌ی کتاب (ترس و لرز) کی‌یرکگارد صحبت کنیم، ناچاریم به کتاب (یا این یا آن) هم اشاره‌هایی داشته باشیم، زیرا (ترس و لرز) به نوعی ادامه‌ی (یا این یا آن) است. این دو کتاب و کتاب (تکرار) را درس سی سالگی، در یک سال منتشر می‌کند؛ که از نظر مفهومی خیلی به هم نزدیک‌اند. می‌شود گفت مفاهیم و مسائل دو کتاب اول (ترس و لرز) به کمال رسیده‌اند. به عبارتی کتاب (ترس و لرز) نقطه‌ی عطفی است برای دیالوگ کی‌یرکگارد با ساختار مسیحیت در جامعه‌ی زمان خودش. (ترس و لرز) در ابتدای انتشار، به عنوان یک اثر ادبی محسوب می‌شود؛ چون با فرمی داستانی به روایت زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام می‌پردازد.»

وی در ادامه گفت: «برای تمرکز روی مسئله‌ی (یاریگری) می‌توانیم به واسطه‌ی امکاناتی که در سخن این فیلسوف گشوده شده، پرسش‌های خود را تکرار کنیم؛ ما چه نسبتی با «دیگری» داریم و چطور در ارتباط با «دیگری»، خود را تعریف می‌کنیم؟ برای پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها ابتدا باید طرح اندیشه‌ی کلی این فیلسوف را بررسی کنیم؛ کی‌یرکگارد را پدر اگزیستانسیالیسم می‌دانند. اگزیستانسیالیسم و سایر مباحث فلسفی که روی «فرد» تمرکز دارند، احتمالاً بعد از یک دوره‌ی بحرانی ظهور فلسفه‌های نظام‌ساز آمده‌اند. در طرح افلاطون، هرچه روی زمین وجود دارد، سایه‌ای است از صورتی مثالی در آسمان که در عالی‌ترین وضعیت خود هستند. بحرانی که در رابطه با این طرح وجود دارد این است که فردیت هر انسان انعکاس کدام صورت مثالی است؟ آیا من به عنوان مجموعه‌ای از انعکاس صورت‌هایی مثالی در شکل صفات گوناگون، قادر به کشف و درک فردیت خودم هستم؟ این تناقض و بحران باعث می‌شود که طرح ارسطو ضروری شود. طرح ارسطو به شناخت ماهیت فرد می‌پردازد. نظرات کی‌یرکگارد به افلاطون نزدیک‌تر است تا ارسطو.»

کی‌یرکگارد نمی‌سازد، انتخاب می‌کند

یحیی شعبانی پژوهشگر حوزه فلسفه هم در این نشست گفت: «اگر به فلسفه کی‌یرکگارد دقیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که او نمی‌خواهد بسازد، بلکه می‌خواهد انتخاب کند. چنان‌که شعار معروف سقراط «خودت را بشناس.» را عوض می‌کند و می‌گوید: «خودت را انتخاب کن.» یعنی: انتخاب خودت باش. بشو، آنچه هستی. این شعار روی بسیاری از فیلسوفان آلمانی به‌ویژه هایدگر تأثیر گذاشته است. زمانی که کتاب (رساله‌ی زمان) هایدگر را می‌خوانیم، حتی در فرم زبان، رد پای کی‌یرکگارد را می‌بینیم. تمرکز بحث امروز ما روی کتاب (ترس و لرز) است.» بنا به گفته این محقق داستان این کتاب روایت اضطراب و ترس و لرزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام

در سفر سه روزه‌اش به کوه (موریه) برای قربانی کردن فرزندش (اسحاق) به فرمان خدا-طبق روایت کتاب مقدس انجیل-حس می‌کرد.

وی افزود: «عصاره‌ی فلسفه‌ی کی‌یرکگارد را می‌توان در آموزه‌ی سه مرحله‌ای‌اش برای تجربه‌ی زندگی جست که عبارتند از:

۱- مرحله‌ی زیباشناختی (aesthetic)

۲- مرحله‌ی اخلاقی (ethical) و

۳- مرحله‌ی دینی (religious). در (ترس و لرز) شاهد واشکافی مرحله‌ی سوم هستیم. در این سه مرحله با سه گام از شناخت دیگری آشنا می‌شویم. بدون این سه مرحله، فقط (من) وجود دارم و پیگیری امیال بی‌واسطه‌ی من، بدون هیچ‌گونه قانون و محدودیتی.»

فردیت

مجموعه‌ای از متناهی و نامتناهی، ایده‌آل و واقعیت

شعبانی در ادامه بحث به حضرت ابراهیم به عنوان قهرمان اشاره کرد و افزود: «تفاوت آنتیگونه به عنوان یک قهرمان تراژدی با حضرت ابراهیم این است که تراژدی نیاز به تماشاگر دارد؛ به این معنا که قهرمان تراژدی می‌تواند خودش را توضیح دهد. از دیدگاه هگل تناقض‌ها در مراحل بالاتر تبدیل به صلح می‌شوند؛ آگاممنون هم برای صلح یونان دخترش را قربانی می‌کند. در تاریخ تراژدی از یک تاریخی به بعد، گروه‌گرواردها صحنه می‌شود. قهرمان تراژدی گروه‌گررا به شهادت می‌گیرد. اما حضرت ابراهیم نمی‌تواند کسی را به شهادت بگیرد، به همین خاطر کی‌یرکگارد او را (قهرمان سکوت) می‌نامد. نکته‌ی دیگر این است که حضرت ابراهیم اطمینان دارد که اسحاق را در شکل متناهی‌اش پس می‌گیرد.»

ایمان مستلزم تاریخ است

شعبانی در ادامه افزود: کی‌یرکگارد معتقد است: «عصر ما به خوبی امر شر را درک کرده است و مردم معتقدند از خلال امر شر می‌توان به فردیت رسید.» همچنین می‌گوید: «ایمان هم مستلزم، هم نیازمند زمان است؛ به این معنا که هیچ‌کس حق ندارد از حضرت ابراهیم پیروی کند. بلکه پدیده‌ی ایمان ابراهیمی در قالب حوادث روزمره برای ما اتفاق می‌افتد.» قرار نیست همیشه به شکل کشتن یا قربانی کردن باشد، مثلاً در مورد خود کی‌یرکگارد این پدیده در قالب نامزدی‌اش با رزین اولسن اتفاق می‌افتد. ژان وال می‌گوید: «کل مسئله‌ی ایمان این است که آیا من قادرم طراوت و تازگی لحظه‌ی آغاز را تکرار کنم؟» کی‌یرکگارد هم با استناد به این جمله از خود می‌پرسد: «آیا ده سال دیگر من می‌توانم لحظه‌ای را که عاشق این زن شدم، دوباره تجربه کنم؟» جوابش ساده است. می‌گوید: «من ایمان ندارم، پس ازدواج نمی‌کنم.» و جایی دیگر می‌گوید: «من با این‌که ایمان نداشتم، توانستم تا حدودی این پدیده را درک و تفسیر کنم.» در مقابل، پدیده‌ی داعش را در نظر بگیرید: اولیور روآ می‌گوید: «پدیده‌ی سلفی‌گری (دین و الهیات)



.....

اگر به فلسفه

کی‌یرکگارد

دقیق تر نگاه

کنیم، می‌بینیم

که او نمی‌خواهد

بسازد، بلکه

می‌خواهد

انتخاب کند.

چنان‌که شعار

معروف سقراط

«خودت را

بشناس.» را

عوض می‌کند

و می‌گوید:

«خودت را

انتخاب کن.»

یعنی: انتخاب

خودت باش.

بشو، آنچه هستی

و (دین و تاریخ) را از هم جدا می‌کند.» در حالی که کی‌یرکگارد معتقد بود: «ایمان مستلزم زمان (تاریخ) است.» یعنی اگر قرار است من تجربه‌ی ایمانی داشته باشم، باید آن را در تجربه‌ی تاریخی ببینم؛ مثلاً در پدیده‌های زندگی خصوصی و شخصی‌ام. اما داعش با داخل پرانتز قرار دادن تاریخ هزار و چهارصد ساله، برگردد به تجربه‌ی سلفیان.

خدا عذاب نمی‌فرستد، امتحان می‌کند

اکبری دیزگاه در ادامه با اشاره به کتاب مقدس گفت: «کی‌یرکگارد برخلاف کتاب مقدس که می‌گوید: «خداوند عذاب می‌فرستد.»، معتقد است خداوند امتحان می‌کند. بعد از کی‌یرکگارد افراد زیادی (از مسیحیان معتقد تا نازی‌ها) با استناد به ساحت سوم فلسفی او در مواجهه با (دیگری) گفتند: «من ایمان دارم، پس می‌توانم کافران را بکشم! این‌گونه به خدا نزدیک‌تر می‌شوم.» این باور از قرائت کی‌یرکگارد از ماجرای ایمان و کشتن (قربانی)، روی گروه‌های زیادی از جمله نازی‌ها تا استانیلیست‌ها و حتی داعش تأثیر گذاشته است. ظاهر ماجرا این است که کی‌یرکگارد به دلیل جوانی یا درگیری جدی‌اش با طرفداران هگل، ماجرای حضرت ابراهیم را مطرح می‌کند. اگر این ماجرا با دیدگاه تاریخی بررسی شود، مسئله به‌گونه‌ای دیگر است؛ در دوره‌ای که حضرت ابراهیم زندگی می‌کرد، قربانی کردن فرزند از نظر جامعه موضوع غریبی نبود. اما چرا کی‌یرکگارد سراغ این ماجرا نمی‌رود؟ به نظر من اگر کی‌یرکگارد درس‌نویس بالاتری این کتاب را می‌نوشت، نگاهش به ماجرا این‌گونه نبود. مرگ این فیلسوف هم به‌گونه‌ای نشان‌دهنده‌ی افراط در تمام جوانب شیوه‌ی زندگی او (نشستن، نوشتن، بیداری و ...) است. جالب این جاست که در زمان حیات کی‌یرکگارد در دانمارک خبری از فلسفه نیست و رقابتی در تفکر و نگارش در این حوزه با او وجود ندارد، اما او معتقد است چون پدرش در جوانی مرتکب گناهی شده (به خدا دشنام داده)، فرزندانش بیشتر از سی و چهار سال عمر نمی‌کنند. به همین خاطر کی‌یرکگارد با عجله کتاب‌های مهم‌ش را می‌نویسد. بعد از سی و چهار سالگی، (بیماری تا سرحد مرگ) را می‌نویسد و معتقد است: «نوشتن، نوعی بیماری است. انقدر می‌نویسم تا بمیرم.»

*قرآن: عصاره‌ای است از کتاب‌های مقدس

اکبری دیزگاه در خاتمه گفت: «به نظر من اگر کی‌یرکگارد با قرآن آشنا بود، خیلی بهتر می‌توانست مسائل را تفهیم و حل کند. در قرآن اشارات زیادی به (فردیت) شده، در عین حال در ماجرای کشته شدن نوجوانی به دست خضر، به علمی که خداوند به بشر داده و در ماجرای حضرت موسی، به مواجهه با خداوند ارجاعاتی داده است. از آن جایی که قرآن عصاره‌ای است از ترکیب و تفسیر کتاب‌های مقدس قبل از آن، پروژه‌ی کی‌یرکگارد با استناد به آن خیلی موجه‌تر و بی‌اشکال‌تر می‌شد. کی‌یرکگارد مدام در کتاب‌هایش تکرار می‌کند: «گفت، کرد، کرد، گفت.» یعنی به هرچه می‌گفت عمل می‌کرد و عملش بر طبق گفته‌هایش بود. قرآن دقیقاً مصداق همین جمله است. □

در هلال احمر خراسان شمالی انجام شد

برنامه ریزی برای تشکیل تیم واکنش سریع طلاب

« حجت الاسلام والمسلمین رضایی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان شمالی با تاکید بر نقش پراهمیت نظامنامه حوزه نمایندگی ولی فقیه، گفت: براساس این سند بالادستی، اکنون دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها می‌توانند برنامه‌های مدون نظارتی، هدایتی، مشورتی و فرهنگی خود را براساس نیاز و ضرورت انجام دهند.

آنچه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی در موضوع مباحث نظارتی شکل می‌گیرد، اکنون به موقوفات، املاک، اموال و هبه‌های مردمی اختصاص دارد. تمام تلاش ما بر آن است تا علاوه بر حل مشکلات و موانع احتمالی موجود، حدود شرعی و قانونی در وقفیات و عموم فعالیت‌های جمعیت هلال احمر رعایت شود.

وی با تاکید بر لزوم حفظ نیت واقف، به نصب تابلوهای شرح وقف و نیت واقفین در موقوفات استان اشاره کرد و افزود: در خصوص مباحث و هدایای مردمی نیز تلاش می‌شود تا این هدایا براساس نیت خیرین در مسیر اصلی خود صرف شود.

وی توجه ویژه برای فعالیت بیش از پیش هیات جوانان حضرت علی اکبر علیه السلام جمعیت هلال احمر را نمونه بارزی از فعالیت‌های فرهنگی دانست و گفت: برگزاری مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان در فضای باز با رعایت تمامی دستورالعمل‌های بهداشتی در قالب هیات عزاداری حضرت علی اکبر علیه السلام از جمله فعالیت‌های موثر این حوزه بود که با استقبال بسیار خوب کلیه کارکنان امدادگران و اعضای جمعیت هلال احمر همراه شد. تلاش می‌کنیم تا با بهره‌گیری از تجربه خوب همدلی گروهی، فعالیت این هیات را برای تمامی مناسبت‌های مذهبی در طول سال حفظ کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین رضایی با تقدیر از فعالیت‌های انسان دوستانه جوانان و خدمات عام المنفعه آنها، اردوی جهادی و موفق در منطقه کال شور و جرگلان با حضور ۵۰ عضو کانون‌های جوانان طلاب و همچنین ۴۰ عضو کانون طلاب خواهران را یکی دیگر از فعالیت‌های فرهنگی تاثیرگذار جمعیت هلال احمر خراسان شمالی برشمرد و افزود: در این اردوی جهادی علاوه بر فعالیت‌های عمرانی و کارگاهی، خواهران طلاب نیز نسبت به فعالیت‌های پشتیبانی و همچنین برگزاری کلاس‌های معرفتی دینی اقدام کردند. برگزاری مسابقات فرهنگی با موضوعات و در مناسبت‌های مختلف تشویق و ترغیب جوانان و حضور در کنار آنان برای مشارکت در طرح کمک‌های مومنانه نیز از دیگر فعالیت‌های فرهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان خراسان شمالی بود که حجت الاسلام والمسلمین رضایی با آن اشاره کرد.

وی با تقدیر از اعضای کانون‌های طلاب هلال احمر به منظور تلاش و همراهی این نهاد مردمی در رسیدن به اهداف انسان دوستانه آن خاطرنشان کرد: حضور این عزیزان در برنامه ریزی تب سنجی میدادی ورودی شهرها، تغسیل و تدفین بیماران کرونایی و کمک به کادر درمان، تنها بخشی از خدماتی است که از سوی اعضای کانون‌های طلاب به جامعه ارائه شده است.

📌 برنامه ریزی برای تشکیل تیم واکنش سریع طلاب

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان شمالی با تاکید بر اهمیت مسئله آموزش امداد و کمک‌های اولیه ویژه طلاب، از برنامه ریزی برای تشکیل تیم واکنش سریع طلاب عضو جمعیت هلال احمر خبر داد و گفت: در تلاش هستیم تا با تعامل موثر و کارآمد با حوزه‌های علمیه و براساس رسالت جمعیت هلال احمر این آموزش‌ها را برای خانواده‌های طلاب نیز برگزار کنیم. 📌



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اردبیل ضمن گرامیداشت هفته وحدت:

سیره ائمه اطهار علیهم السلام باید در جامعه ساری و جاری شود



« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل گفت: باید برای ساری و جاری کردن سیره ائمه اطهار علیهم السلام در جامعه بیشتر تلاش کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین سید علی فاطمی نیا در جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان اردبیل با بیان این مطلب افزود: اگر ترویج دین با رعایت اخلاق و سیره ائمه انجام شود، مردم هم همراهی می‌کنند. وی با بیان اینکه مدارا کردن با برادران دینی از فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام است، تصریح کرد: باید نسبت به شیطنت‌های دشمنان دین مبین اسلام به ویژه در جهت تفرقه افکنی بین برادران مسلمان توجه داشت. مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل هم در این نشست گفت: هر چقدر کار فرهنگی انجام شود، باز هم جای کار در این حوزه وجود دارد. عزت الله ضریبی اضافه کرد: کارهای فرهنگی در همه رویکردها موثر است و همه کارهای انجام شده توسط جمعیت هلال احمر به نوعی کار فرهنگی است و جامعه به این کار و نگرش فرهنگی نیاز دارد. لازم به ذکر است، به مناسبت گرامی داشت هفته وحدت، فضا سازی محیطی، برگزاری جشن وحدت، ارائه کمک‌های مومنانه و کاروان سلامت، ادای احترام و غبارروبی قبور مطهر شهدا و دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران اهل تسنن، تفسیر سوره محمد و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و برگزاری جلسات بصیرت افزایی از برنامه‌های جمعیت هلال احمر استان اردبیل است. 📌

حجت الاسلام و المسلمین سجادی:

نظارت بر وقفیات از اولویت‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه کرمان است



« تلاش و نظارت برای احیاء موقوفات در جهت نیت واقف از وظایف مهم حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر است. حجت الاسلام و المسلمین سجادی با تشریح فعالیت‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در زمینه موقوفات، هلال احمر استان کرمان را یکی از بزرگترین استان‌های برخوردار از موقوفات دانست و گفت: فعالیت بیمارستان ویژه نیازمندان، مرکز خدمات درمانی، زایشگاه و همچنین پرورشگاه دختران از مهمترین فعالیت‌هایی است که با نظارت بر نحوه انجام آنها از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمان در حال ارائه خدمت به مردم و به عنوان وقفیات جاری است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمان با اشاره به وقفیات موضوع در شهرستان رفسنجان این استان افزود: در سنوات گذشته درآمد حاصل از این موقوفات با هزینه کرد آنها برابری می‌کرد، لیکن در سال گذشته با پیگیری و همدلی تمامی حوزه‌ها، این موقوفات، به درآمدهای مطلوب دست یافته است. حجت الاسلام و المسلمین سجادی به سنددار نمودن ۵۰ مورد وقف در استان کرمان اشاره کرد و گفت: نظارت بر این وقفیات از اولویت فعالیت‌های نظارتی دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمان است.

وی در بخش دیگری از این گفتگو، کرمان را پهناترین استان کشور دانست و تصریح کرد: علی‌رغم فاصله هزار کیلومتری از شهرستان‌های شمالی و جنوبی این استان، برنامه بازدید از پایگاه‌های امداد و نجات به منظور سرکشی و دیدار چهره به چهره با نجاتگران که در قلب حوادث به هم‌نوعان خدمت می‌کنند همواره در دستور کار این دفتر قرار دارد. همفکری، همیاری و همراهی با طرح‌هایی همچون کاروان‌های سلامت ویژه رسیدگی به مناطق محروم، توزیع بسته‌های کمک معیشتی در بین نیازمندان واقعی و پیشبرد مباحث فرهنگی معرفتی با جوانان عضو جمعیت هلال احمر استان، برخی از مهمترین فعالیت‌هایی بود که مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمان در مسئله همکاری با حوزه‌های مختلف هلال به آن اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از برنامه‌هایی که از سوی این دفتر پیگیری می‌شود برگزاری نشست‌ها و جلسات با خیرین و صاحبان مراکز بزرگ تجاری و صنعتی به منظور جذب و کمک برای خدمت به نیازمندان است. 📌

حجت الاسلام و المسلمین واعظی:

تعامل با حوزه‌های مختلف هلال احمر، رمز موفقیت در فعالیت‌ها است



« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی حجت الاسلام و المسلمین واعظی گفت: از ابتدای امسال و در طول حدود ۶ ماه تمامی پایگاه‌های استان مورد سرکشی و بازدید قرار گرفته است. وی انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی را از مهمترین اقدامات ۶ ماهه اول دانست و تصریح کرد: تشکیل و راه‌اندازی گروه‌های مختلف فرهنگی تعاملی با هدف ترویج و گسترش معارف و شعائر دینی، پیام‌های معرفتی و فرهنگی از جمله این فعالیت‌هاست. همکاری در فعالیت‌های جهادی و مناسبتی با بسیج و بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه و کانون‌های طلاب، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی خانه‌های هلال در سراسر استان و همچنین برگزاری جلسات مشترک با خیرین به منظور جذب کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای توزیع در بین خانواده‌های نیازمند و آسیب دیده از پاندمی بیماری کووید از فعالیت‌های دیگری بود که مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در آذربایجان شرقی به آن اشاره کرد.

حجت الاسلام و المسلمین واعظی رمز موفقیت و نتیجه بخشی فعالیت‌های فرهنگی را استمرار و صبر دانست و تاکید کرد: همکاری همه حوزه‌ها به ویژه در دو سال اخیر در مباحث فرهنگی و بستر فضای مجازی پیگیری می‌شد بسیار ارزشمند است.

وی در بخش دیگر این گفتگو به راه‌اندازی ۳۰ کانون طلاب در استان آذربایجان شرقی اشاره کرد و افزود: آموزش و آماده‌سازی طلاب برای رویارویی با حوادث و سوانح در کنار سایر نیروهای امدادگر همواره در دستور کار حوزه نمایندگی ولی فقیه بوده که با استقبال حوزه‌ها و مدارس علمیه نیز همراه است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی در ادامه به فعالیت‌های گسترده کانون‌های طلاب در موضوعات اجتماعی به ویژه در مسئله بیماری کووید ۱۹ اشاره کرد و گفت: حضور این عزیزان در کنار کادر درمان در بیمارستان‌ها و همچنین فعالیت در امر تدفین و تغسیل متوفیان ناشی از کرونا، از فعالیت‌های بارز این کانون‌ها از ابتدای شروع این ویروس منحوس بوده است. وی در پایان به حضور طلاب عضو جمعیت هلال احمر در مسئله ساخت و ساز منازل مسکونی آسیب دیدگان ناشی از زلزله و زرقان اشاره کرد و گفت: اینگونه فعالیت‌ها در کنار مباحث فرهنگی معرفتی می‌تواند زمینه ساز همدلی، اتحاد و هماهنگی بیشتر برای خدمت به مردم شود. 📌



توسط مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان صورت گرفت

بازدید از مناطق زلزله زده شهرستان اندیکا

« حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان از روستاهای زلزله زده شهرستان اندیکا بازدید کرد و از نزدیک در جریان مناطق آسیب دیده از زلزله قرار گرفت.

وی در این بازدید علاوه بر بررسی آخرین وضعیت خدمت‌رسانی و امداد رسانی و همچنین مشکلات موجود، با مردم و آسیب‌دیدگان از زلزله این شهر نیز گفت‌وگو کرد و ضمن ابراز همدردی با زلزله زدگان و ابلاغ سلام نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به مردم آسیب دیده، پیگیر رفع مشکلات آنان شد.

در جریان این بازدید مردم این مناطق نیز ضمن تشکر از امداد رسانی‌ها، به بیان مشکلات و کمبودها پرداختند. در این بازدید، رئیس شعبه هلال احمر اندیکا نیز گزارشی از فعالیت‌های جمعیت هلال احمر به ویژه در حوزه امداد و خدمت‌رسانی ارائه کرد. در ادامه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان با حضور در قرارگاه شهید حسین پور، با فرمانده سپاه ولیعصر علیه‌السلام خوزستان، سردار شاه‌پور و سرهنگ زبیدی مسئول بسیج سازندگی سپاه حضرت ولیعصر علیه‌السلام خوزستان دیدار و گفت‌وگو کرد و از زحمات نیروهای جهادی، بسیجی و سپاهی در خدمت به مردم آسیب دیده از زلزله تشکر و قدردانی کرد.

همچنین وی از پایگاه امداد جاده و کوهستان امام جواد علیه‌السلام منطقه تاراز، واقع در مرتفع‌ترین و دورترین منطقه خوزستان دیدار کرد. حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری، در این بازدید با امدادگران و نجاتگران حاضر در مناطق زلزله‌زده اندیکا نیز دیدار و گفت‌وگو کرد و از زحمات شبانه‌روزی امدادگران قدردانی کرد و گفت: تلاش شما در یاری این مردم مصیبت دیده بسیار با ارزش است و زبان قاصر است که بخواهد از شما تشکر کند.

همکاری در حل مساله بحران آبی استان

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان مشارکت در برگزاری مراسم اربعین حسینی، همکاری در حل مساله بحران آبی استان، رسیدگی به امور زلزله‌زدگان اندیکا و برگزاری مراسم‌های مناسبتی و... را از جمله فعالیت‌های این دفتر در دو ماه اخیر برشمرد.

وی یکی از برنامه‌های اصلی این مجموعه را رسیدگی به اقبال محروم دانست و افزود: بسته‌های معیشتی ویژه کرونا در این دوره نیز به مانند ماه‌های قبل توسط خانه‌های هلال و خیرین داوطلب توزیع شد که با توجه به آغاز سال تحصیلی تهیه لوازم التحریر نیز برای مناطق محروم و به ویژه مناطق زلزله زده مورد توجه قرار گرفت و کانون‌های طلاب در این طرح مشارکت جدی داشته‌اند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان یکی دیگر از فعالیت‌های اخیر دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان را مشارکت در برگزاری باشکوه اربعین حسینی عنوان کرد و افزود: در طول این مراسم از پایانه‌های مرزی شلمچه بازدید و از اعضا و داوطلبانی که در طرح غربالگری زائرین در پایانه مرزی فعالیت می‌کردند، قدردانی شد، ضمن آنکه در این بازدیدها مراتب قدردانی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به این عزیزان ابلاغ گردید. بازدید از مناطق زلزله‌زده و مشارکت در طرح آب‌رسانی مناطق درگیر خشکسالی از دیگر اقدامات این مجموعه در دو ماه اخیر بوده است که مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خوزستان به آن اشاره کرد و گفت: در جهت رفع مشکلات مردم در این دو حادثه دیدارهای مختلفی با مدیران و مسؤولان استانی از جمله نماینده محترم ولی فقیه در خوزستان صورت گرفت و اقدامات مربوطه پیگیری و دنبال شد. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر چهارمحال و بختیاری تشریح کرد:

فضای فکری و محتوایی برنامه‌های مافرهنگی است

« حجت الاسلام والمسلمین جعفری گفت: دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان چهارمحال و بختیاری تلاش می‌کند تا با برگزاری سلسله نشست‌ها و گفت‌وگوهای مشترک با تمامی حوزه‌ها به اجماع واحد بر مبنای نیاز اعضا و کارکنان مجموعه در خصوص برنامه‌های فرهنگی رسیده و سپس اقدام به اجرای آن نماید. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر اینکه نگاه این مجموعه در هلال احمر استان بر اساس منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب، بهره‌گیری از ظرفیت جوانان و توجه ویژه به تربیت دینی و معرفتی این نسل است، افزود: تلاش شده است تا با برقراری ارتباطی موثر و کارآمد با تمام معاونت‌ها، همکاری‌های لازم صورت پذیرد. حجت الاسلام والمسلمین جعفری تصریح کرد: فضای فکری و محتوایی تمامی فعالیت‌ها و برنامه‌های ۶ ماهه ابتدایی امسال که به تربیت و پرورش کارکنان، اعضا و به ویژه جوانان می‌پرداخت، اصل فرهنگی داشت.

فعالیت ۸ کانون طلاب هلال احمر در چهارمحال و بختیاری

وی با اشاره به فعالیت ۸ کانون طلاب جمعیت هلال احمر در سراسر استان خاطرنشان کرد: در چهارمحال و بختیاری ۳۰۰ طلبه برادر و ۱۷۶ طلبه خواهر عضو کانون‌های طلاب هستند که در برنامه‌های مختلف جمعیت به ویژه فعالیت‌های فرهنگی حضوری چشمگیر و موثر داشته‌اند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر ضرورت تلاش همه جانبه به منظور کمک به پرسنل و کادر درمان برای مقابله با بیماری کرونا افزود: در همین زمینه ۵ گروه طلاب حوزه جمعیت در صورت نیاز آماده حضور در مراکز درمانی و خدمت به هموطنان خود هستند. حجت الاسلام والمسلمین جعفری بهره‌گیری از ظرفیت کانون‌های طلاب در زمینه احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و همچنین کمک به جمع‌آوری نذورات و هدایای مردمی و بسته بندی و توزیع بیش از ۷۵۰۰ بسته کمک معیشتی در قالب اجرای طرح مومنان را از دیگر فعالیت‌های کانون طلاب در این استان دانست.

توجه به فعالیت‌های فرهنگی در بستر فضای مجازی

وی با تأکید بر نقش پراهمیت بیان مسائل فرهنگی در بین کارکنان اعضا و خانواده‌های آنان تصریح کرد: انتشار محتوای فرهنگی در قالب پیام‌ها، عکس نگاشت‌ها و ویدیو کلیپ‌ها تجربه خوبی بود که مورد استقبال بسیار زیاد قرار گرفت. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان چهارمحال و بختیاری یکی دیگر از فعالیت‌های مهم این حوزه در هلال احمر استان را پیگیری مطالبات پیشنهادات و انتقادات و مشکلات امدادگران پایگاه‌های امداد و نجات دانست و خاطر نشان کرد: بازدیدهای مستمر ائمه جماعات



از این پایگاه‌ها و دیدار چهره به چهره با امدادگران از برنامه‌های مورد تأکید و پیگیری این حوزه است.

حجت الاسلام والمسلمین جعفری افزود: همچنین به منظور تقویت روحیه و ایجاد انگیزه در بین امدادگران جوان و داوطلبان عضو جمعیت هلال احمر برگزاری مسابقات متعدد فرهنگی معرفتی نیز از دیگر فعالیت‌های جمعی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری است.

آموزش، جزء جدایی‌ناپذیر فعالیت در هلال احمر است

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر لزوم پیگیری و اجرای برنامه‌ها، از آموزش ۷۰ درصدی جامعه طلاب عضو جمعیت هلال احمر استان خبر داد و افزود: با همکاری مطلوب معاونت آموزش در برخی شهرستان‌ها به زودی شاهد برگزاری آموزش‌های تخصصی ویژه کانون‌های طلاب خواهیم بود. حجت الاسلام والمسلمین جعفری در پایان بار دیگر با تأکید بر برگزاری نشست‌های مختلف با همه حوزه‌ها و معاونت‌ها به منظور ارائه خدمات مطلوب و تقویت روحیه هم‌افزایی و کارگروهی خاطرنشان کرد: با این نگاه و با ابتکار دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان چهارمحال و بختیاری اکنون فرصتی فراهم شده است تا معاونت‌های مختلف جمعیت ضمن حضور در جلسات هیات مدیره به بیان گزارش‌های فعالیت‌های خود پرداخت و زمینه همکاری‌های بیشتر فراهم شود. □



بازدید مسئول دفتر نمایندگی هلال احمر قم از پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای

« حجت الاسلام والمسلمین فقیه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و جمعی از مسئولین جمعیت هلال احمر استان قم در ادامه ی بازدیدهای خود از پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای استان، در پایگاه امداد و نجات جاده‌ای سلفچگان حضور یافت و ضمن تقدیر از تلاش امدادگران و نجاتگران این پایگاه بیان کرد: به امدادگری با نگرش انسانی که خداوند به شما داده است نگاه کنید و سعی و تلاش کنید همواره آن را محفوظ بدارید. در این بازدید حجت الاسلام والمسلمین کتابچی امام جمعه شهر سلفچگان نیز حضور داشتند. لازم به ذکر است مسئولین جمعیت هلال احمر استان قم در بازدیدهای قبلی خود، در پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای ابوذر فاتح گرمسار و شهید صابری شهرستان جعفرآباد حضور داشتند و این بازدیدها ادامه خواهد داشت. □



بازدید مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در سازمان داوطلبان هلال احمر از طرح نذر آب چهار

توانمندسازی مددجویان اولویت طرح‌های داوطلبانه

« طرح نذر آب چهار با هدف تامین آب پایدار در استان‌های محروم جنوبی اجرایی می‌گردد. به همین منظور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان هلال احمر از طرح نذر آب چهار در شهرستان هیرمند بازدید کرد و چالش اصلی استان سیستان و بلوچستان را حل معضل خشکسالی در این منطقه دانست. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی موسوی نیا در سفر یک روزه به همراه تیم جهادی هلال احمر استان مازندران و به منظور ارزیابی از فعالیت‌های انجام شده، به شهرستان هیرمند سفر کرد و با مدیران استانی دیدار و گفت‌وگو نمود. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان هلال احمر با تاکید بر اهمیت مساله توانمندسازی مددجویان در طرح‌های داوطلبانه، گفت: در طرح نذر آب چهار تا حدودی به این موضوع مهم پرداخته شده است، اما نیاز و چالش اصلی استان سیستان و بلوچستان که مدیران استانی نیز بر آن تاکید داشتند، حل معضل خشکسالی در این منطقه است، که با احیاء تالاب‌ها و چاه‌ها قابل حل است و باید به شکل علمی و اصولی این موضوع در اولویت مسئولان قرار گیرد.

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی موسوی نیا ضمن قدردانی از خیران و داوطلبان مشارکت کننده در طرح نذر آب چهار، عملکرد این جهادگران را مثبت ارزیابی و خاطر نشان کرد: مطالبه مردم سیستان و بلوچستان فعالیت‌ها و اقدامات گسترده‌تر و جامع‌تر است و باید مسئولان امر به صورت جدی این مطالبه را پیگیری کنند. بنابه گفته مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان هلال احمر، حل چالش خشکسالی ثمرات بسیاری همچون رونق کشاورزی و ایجاد اشتغال را برای مردم سیستان و بلوچستان به دنبال دارد. در طرح مشارکت جهادگران استان مازندران در شهرستان هیرمند ۱۲۱ تانکر آب، ۳۳۰۰ کیلو آرد، ۳۰۰۰ قوطی کنسرو ماهی و کنسرو لوبیا، ۸۰ دستگاه تصفیه آب، ۲۰ هزار ماسک و ۲۰۰۰ ژل ضد عفونی، ۲۰۰ بسته غذایی، ۳۰۰ کیلو برنج، ۲۰۰ تخته پتو، ۴۰۰ کیف مدرسه به همراه ۴۰۰ بسته لوازم التحریر و مقادیر متنابهی از سایر ملزومات مورد نیاز ساکنان منطقه به ارزش ۵ میلیارد و ۷۷۰ میلیون ریال در قالب طرح نذر آب ۴، میان هموطنان متاثر از خشکسالی و



کرونا توزیع شده است. جمعیت هلال احمر با توجه به مسئولیت اجتماعی و رسالت ذاتی صیانت از کرامت انسانی و پاسداشت فرهنگ بشردوستی، تاکنون سه برنامه ملی را تحت عنوان نذر آب برای کمک به آسیب دیدگان از خشکسالی در استان سیستان و بلوچستان به اجرا درآورده است. گفتنی است برنامه نذر آب ۴ از ۱۷ تا ۲۰ مهر با حضور تیم‌های مجهز داوطلبان جمعیت هلال احمر مازندران در شهرستان هیرمند استان سیستان و بلوچستان اجرا شد. سیستان و بلوچستان به دلیل بروز خشکسالی افزون بر ۲۰ سال و وزش بادهای موسمی ۱۲ روزه و مونسون (بادهایی که شبیه به نسیم دریا بوده، اما سرعت وزش آنها شدیدتر و هماهنگ‌تر است و در زمان‌های خاصی از سال نیز جریان دارند) در دریای عمان و سواحل چابهار همواره با بادهای و توفان‌های شدید و گرد و غبار روبه‌رو است که گاه سبب کاهش دید و آلودگی هوا بیشتر از ۲۰ برابر حد استاندارد می‌شود. استان سیستان و بلوچستان به سبب گستردگی زیاد (۱۱.۵ درصد گستره کشور) و موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی از جمله استان‌هایی است که احتمال وقوع چندین مخاطره طبیعی به طور همزمان در آن محتمل است. در شمال این استان تندبادهای و گرد و غبار شدید و خشکسالی، در مرکز سیل و زلزله و در جنوب نیز احتمال وقوع سونامی و دمای زیاد هوا معمولاً تا بیش از ۵۰ درجه و ریزش باران‌های فصلی و جاری شدن سیل‌های مقطعی وجود دارد. □



با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان هرمزگان صورت گرفت

بازدید روستا به روستا از مناطق زلزله زده هرمزگان

« به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، «مزار»، «سرزه»، «رضوان»، «بگود ولور»، «قطب آباد»، «گهر»، «دزتوبالا»، «دزتوپایین»، «گیشان»، «آب شیرین»، «آبقلمو» و «آب زمینو» از جمله روستاهایی بوده است که در هفته گذشته مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه از نزدیک مشکلات مردم و نحوه امداد رسانی را رصد کرد.



باشگاه مهر و ماه



و صفحه اختصاصی دفاتر استانی نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر
پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه
www.nvhelal.ir



حجت الاسلام شهابی در این بازدیدها با مردم و دهیاران روستا به گفت‌وگو پرداخت و میزان رضایت‌مندی مردم از نحوه امداد رسانی جمعیت هلال احمر را ارزیابی کرد و ضمن تجلیل از گروه‌های امدادی و جهادی مستقر، مشکلات مطرح شده را مورد بررسی قرار داد.

بر اساس گزارش‌های دریافتی، روزانه ۲۰۰ نفر از نجاتگران و امدادگران جمعیت هلال احمر هرمزگان در منطقه متاثر از زمین‌لرزه حضور داشته و در حال خدمت هستند و تاکنون هم ۶ هزار دستگاه چادر، چهار هزار تخته پتو و یک هزار و ۵۰۰ تخته موکت از سوی جمعیت هلال احمر هرمزگان بین خانوارهای آسیب دیده در اثر زمین‌لرزه توزیع شده است. گفتنی است شهر فین هرمزگان در شمال غربی در فاصله ۹۵ کیلومتری بندرعباس قرار دارد و دو زلزله به بزرگی ۶.۴ و ۶.۳ ریشتر بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۳ آبان، بخش فین بندرعباس را لرزاند. خدمت در آن نیز دارای قداست است، جوانان جمعیت هلال احمر در تمامی صحنه‌های خدمت و حادثه در صف اول حضور دارند. □

مهر و ماه

فرصت شرکت در مسابقه پیامکی
شماره گذشته ماهنامه «مهر و ماه»
تا پایان دی ماه تمدید شد.

« به دلیل تأخیر در هماهنگی‌های مربوط به چاپ که نسخه فیزیکی آبان ماه (شماره ۲۷) دیرتر از موعد به دست مخاطبان رسیده است، مهلت شرکت در مسابقه شماره‌های ۲۷ و ۲۸، تادم دی ماه خواهد بود. همچنین همکاران محترم می‌توانند نسخه دیجیتالی نشریه را هر ماه از روی سایت جمعیت مطالعه و در مسابقه شرکت نمایند. □



زمان ارسال پیام تا ۱۰ دی

« مسابقه پیامکی مروه »

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهروماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۰۰۳۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال دو گزینه شماره ۴ و در سوال سه گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۱۴۲۴۱
ضمناً همراه عدد های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



امیرالمومنین علی علیه السلام در پنجمین بخش از وصف خداوند تبارک به چه ویژگی اشاره می فرمایند؟

(۱) بدون هیچ شریک و همتا (۲) حاکم و مالک (۳) واجب الوجود (۴) سرسلسله هستی

۵۱

از نظر رهبر معظم انقلاب عرصه فعالیت دین مبین اسلام چیست؟

(۱) تمام گستره زندگی بشر (۲) مسائل الهی و دینی (۳) زندگی فردی (۴) اخلاق و ایمان

۵۲

حضرت زینب علیها السلام در وقار همانند چه کسی بودند؟

(۱) حضرت فاطمه علیها السلام (۲) حضرت محمد صلی الله علیه و آله (۳) حضرت خدیجه علیها السلام (۴) حضرت علی علیه السلام

۵۳

داستان قارون مربوط به زمان کدام پیامبر صلی الله علیه و آله است؟

(۱) حضرت ابراهیم علیه السلام (۲) حضرت عیسی علیه السلام (۳) حضرت یوسف علیه السلام (۴) حضرت محمد صلی الله علیه و آله

۵۴

آیه شریفه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» ناظر بر چیست؟

(۱) قهر الهی (۲) قدرت خداوند (۳) ابدی بودن خداوند (۴) معرفت خالق هستی

۵۵

حدیث «فَصَبْرًا عَلَى دُنْيَا تَمُزُّ بِأَوَائِهَا كَلِيلَةً بِأَخْلَامِهَا تَنْسَلِخُ» از کدام یک از پیشوایان دینی است؟

(۱) امیرالمومنین علیه السلام (۲) حضرت محمد صلی الله علیه و آله (۳) امام حسین علیه السلام (۴) امام صادق علیه السلام

۵۶

کتاب «چه کسی ماشه را چکاند» در راستای تبیین چه موضوعی به رشته تحریر درآمده است؟

(۱) ارتباط ایران و آمریکا (۲) جنگ تحمیلی (۳) سیاست خاورمیانه (۴) خصومت آمریکا با ملت ایران

۵۷

موضوع محوری فیلم «تومان» چیست؟

(۱) مشکلات جوانان (۲) اعتیاد به قمار (۳) داستان یک سوارکار (۴) شرط بندی روی مسابقات اسب دوانی

۵۸